

## خلاصه و نکات مهم

سیرت و صورت انقلاب اسلامی

در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

## توضیحات:

- ویژه آزمون آموزش و پرورش
- حیطة تخصصی
- خلاصه + نکات مهم

[iranarze.ir/a1](http://iranarze.ir/a1)

دانلود سوالات استخدامی آموزش و پرورش

[iranarze.ir/a2](http://iranarze.ir/a2)

دانلود منابع و جزوات استخدامی آموزش و پرورش

« انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه، مجاز می باشد »



❖ فصل اول: خلاصه سیرت و صورت انقلاب اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی – صفحه ۲

❖ فصل دوم: نکات مهم سیرت و صورت انقلاب اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی – صفحه ۴۰

## فصل اول: خلاصه سیرت و صورت انقلاب اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

### مقدمه

مسلمانان عالم در بدترین وضعیت خود قرار داشتند و ذلت را بر خود پسندیده بودند. استعمارگران چنگال خود را در منابع ارزشمند جهان اسلام فرو برده بودند فلسطین از پیکر جهان اسلام جدا شده بود و بخش هایی از اردن، مصر، لبنان و سوریه نیز در اشغال رژیم اشغالگر اسرائیل بود.

ایران که برخوردار از تمدن چندهزار ساله ی انسانی و هزار ساله ی اسلامی بود در اختیار حاکمان پلید پهلوی قرار گرفته بود و آنها با دشمنی شدیدی که با فرهنگ ایرانی اسلامی داشتند به بهانه ی زنده کردن تمدن پیش از اسلام به جنگ فرهنگ اسلامی ایرانی رفته بودند و تلاش داشتند که از فرق سر تا نوک پا کشور را غربی کنند و تا حدی نیز در برخی از مناطق موفق شده بودند.

اگرچه از روز اول نهضت مبارزه با استکبار و اسرائیل را در دستور کار خود قرار داده بود اما اولین کار او اسقاط سلسله ی خبیث پهلوی بود.

او مراحل را برای اهداف خود تصویر کرده بود

۱) تشکیل نظام اسلامی با عنوان جمهوری اسلامی

۲) تشکیل دولت اسلامی به معنای واقعی کلمه

۳) تحقق کشور و جامعه ی اسلامی

۴) تشکیل تمدن جهانی اسلامی

پس از تثبیت نظام اسلامی و بیچیدن آوازه ی آن در عالم فکر او مرزها را در نوردید و پیام انقلاب در اقصا نقاط عالم به گوش رسید.

انقلاب چون زنده است نیازمند آسیب شناسی میباشد تا بتواند به حیات بالنده ی خود ادامه دهد. بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی اقدس سره از همان روزهای ابتدایی پیروزی انقلاب به آسیب شناسی درونی آن پرداخت و با تذکرات و نصایح و در برخی از موارد با اقدامات عملی خود به حفظ نهال نوپای نظام اسلامی همت گمارد. پس از ارتحال امام بزرگوار جانشین خلفش رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) خط مراقبت از انقلاب و جمهوری اسلامی را دنبال نمود.

در بیانات رهبر معظم انقلاب این تعبیر برای صورت انقلاب استفاده شده است ساخت حقوقی و رسمی ساخت ظاهری، ظواهر جمهوری اسلامی همچنین صورت انقلاب را به جسم و قالب تشبیه کرده اند و از این عبارات برای اشاره به سیرت انقلاب کمک گرفته شده است ساخت حقیقی هویت انقلاب ساخت درونی و باطنی آرمان ها و ارزش ها محتوای جمهوری اسلامی شامل شعارها انگیزه ها معارف انقلابی و هدف های بزرگ و نیز به روح معنا و مضمون تشبیه شده است.

همیشه باید توصیه های امام راحل (قدس سره) را به یاد آوریم که فرمودند: با تشکر فراوان از ملت بسیار عزیز که در سال های طولانی قبل از انقلاب و در حال پر هیجان انقلاب و پس از پیروزی تا امروز با همه ی فداکاری ها و جانبازی ها و سختی ها و فشارها در صحنه حاضر و از اسلام بزرگ و میهن عزیز دفاع نموده و در جبهه ها و پشت جبهه ها چون سدی آهنین ایستاده اند؛ تقاضا دارم که بسیار بیدار و هوشیار و مراقب باشند که در این صفوف فشرده ی الهی شیاطین رخنه نکنند و تخم نفاق و اختلاف نیفشانند که این دست پروردگان غرب و شرق و این وارثان رژیم ستمشاهی و این محروم شدگان از دسترنج ملت و ذخایر کشور در کمینند و در صدد اختلاف افکنی و با قلم و زبان خود از هیچ افترا و تهمت در راه شکست جمهوری اسلامی و رسیدن به مطامع کثیف خویش فروگذار نمیکنند و با شایعه افکنی ها و دغلبازی ها و دروغ پردازی ها میخواهند در وحدت شما که وحدت الهی است خلل ایجاد کنند و از ساده دلی بعضی ها استفاده کنند.

## تعریف صورت و سیرت انقلاب

آنچه مهم است این است که نظام جمهوری اسلامی یک ساخت حقوقی و رسمی دارد که آن قانون اساسی مجلس شورای اسلامی دولت اسلامی انتخابات همین چیزهایی که مشاهده میکنید است؛ که البته حفظ اینها لازم و واجب است اما کافی نیست. (تعریف صورت نظام)

همیشه در دل ساخت حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد، او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی در حکم جسم است، در حکم قالب است، آن هویت حقیقی در حکم روح است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده ای خواهد داشت، نه دوامی خواهد داشت. آن ساخت حقیقی و واقعی و درونی، مهم است. همان آرمان های جمهوری اسلامی است، عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزش ها، سعی برای ایجاد برادری و برابری (تعریف سیرت نظام)

حکم روح این جسم است. آن ساخت درونی چیست؟ همان آرمانهای جمهوری اسلامی است، عدالت، کرامت انسان حفظ ارزش ها سعی برای ایجاد برادری و برابری اخلاق ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ اینها آن اجزای ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است.

### بخش اول

#### صورت انقلاب

#### مهمترین اجزای صورت نظام

#### الف) قانون اساسی

قانون اساسی مثل ستونها و پیهای یک بناست. اگر ما بخواهیم عمارت بزرگ و رفیعی بسازیم، پی و ستون لازم دارد تا بتواند به ساختمان شکل کلی دهد. این پیها و ستونها، همان قانون اساسی است. قوانین عادی عبارت است از کاری که در داخل بنا انجام میگردد؛ تقسیم بندی ها، دیوارکشی ها و آرایشها. ارزشها به مثابه مصالح ساختمانی اند. همه ی ستونهایی که ایجاد میشود و همه ی کارهایی که در این عمارت انجام میگردد چه در بخش قانون اساسی چه در بخش قانون عادی مصالحش همان ارزشهای ماست؛ از ارزشهای ما تشکیل و ترکیب میشود. ما این قانون اساسی و این چارچوب مستحکم را داریم. در این بیست و چهار پنج سال برای آراستن داخل این بنای رفیع و فخیم سعی زیادی هم شده است. ما میتوانیم یک بنای مستحکم و زیبا به دنیا ارائه دهیم.

#### اهداف قانون اساسی

چند هدف عمده در این قانون اساسی تعقیب شده که من این هدف ها را برای شما میخوانم ببینید چقدر این هدفها مهم است و هر کدام چقدر برای یک جامعه ی اسلامی ضروری و حیاتی است. البته اهداف دیگری هم ممکن است وجود داشته باشد که من استقصا نکرده باشم این مهمترین هدف هاست.

#### ۱- ایجاد حکومت اسلامی بر پایه ی ولایت فقیه

اولاً ایجاد یک حکومت اسلامی بر پایه ی ولایت فقیه این چیزی است که برای دنیای اسلام یک چیز فوق العاده بدیع و تازه است. خیلی ها ادعای حکومت اسلامی کردند اما آن کسانی رهبری این حکومتها را به دست گرفتند که خودشان از اسلام سررشته ای نداشتند اطلاعی نداشتند.

چگونه ممکن است بر جامعه ی اسلامی کسی حکومت بکند که خود او اسلام را نشناسد یا تقید او به اسلام و به عمل به اسلام یا دلسوزی او برای اسلام مورد تردید باشد این حکومت اسلامی برای اولین بار تا آنجایی که ما میشناسیم پایه ی حکومت را گذاشت بر ولایت فقیه یعنی در رأس حکومت کسی قرار دارد که از دیگران اسلام را بهتر میشناسد با کتاب و سنت بیشتر آشناست و از لحاظ تقوا و پایبندی عملی هم ممتاز است. یعنی تقوای او و پایبندی او و دلسوزی او مبرهن و واضح است؛ این اولین هدف که یک چیز فوق العاده بدیع و تازه ای بود.

#### ۲- وحدت امنیت عمومی و رابطه ی پیوسته بین دستگاه ها

هدف بعدی قانون اساسی وحدت کشور و امنیت عمومی و رابطه ی ارگانیک و پیوسته ی تمام دستگاه ها بود. شما به قانون اساسی ما که نگاه میکنید ببینید تمام دستگاه های کشور - مثل کلافی به هم بسته و پیچیده اند و همه به مرکز ولایت فقیه . به نحوی از انحاء متصلند دستگاه قانون گذاری کشور بالاخره قانون را باید به نظر شورای نگهبان برساند که فق های این شورا که نصف تعداد آن را تشکیل میدهند منصوب ولی فقیه اند. قوه ی مجریه به رئیس جمهور ختم میشود که رئیس جمهور با امضا و تصویب امام



امت این مسئولیت را پس از رأی مردم به عهده میگیرد. قوه ی قضائیه به شورای عالی قضائی ختم میشود که دو عنصر اصلی شورای عالی قضائی مورد قبول و تأیید و نصب ولی فقیه هستند.

### ۳-عدم تمرکز قدرت در یک نقطه

یکی از اهداف قانون اساسی این بوده که قدرت را در یک نقطه متمرکز نکند؛ چون تمرکز قدرت در یک نقطه یک تجربه ی بسیار تلخی برای کشور ما و برای همه ی کشورهاست... خب یک نفر وقتی قوی شد وقتی احساس کرد که مستقل است بی نیاز از دیگران است نظارتی بالای سرش نیست ان الانسان لیطنی أن راه استغنی طغیان بدون تردید گریبان چنین انسانی را خواهد گرفت. در قانون اساسی جمهوری اسلامی به شکل عجیبی قدرت تقسیم شده به مراکز مختلف. البته اگر درست ما دقت کنیم راه هماهنگی و وحدت عمل بین این مراکز مختلف هم در خود قانون اساسی وجود دارد که به شکل صحیحی اگر مشی بشود این هماهنگی هم کاملاً میسور است.

### ویژگی های قانون اساسی

۱. قانون اساسی ما یک قانون مترقی بسیار مستحکم و بسیار هوشمندانه نوشته شده است بر اساس این قانون همه چیز در جای خود قرار دارد و قرار گرفته است.
۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ترجمان خواسته ها و آرمان های ملت ایران و نشان دهنده ی جهت و مسیر حرکت مردم و چارچوب کلی برای تدوین قوانین و سیاست های کلی نظام است.
۳. قانون اساسی در حقیقت تبلور و تجسم انقلاب است و اهمیت بسیار زیادی دارد. قانون اساسی ما جزو مترقی ترین قوانین اساسی دنیاست. ما البته منطبق بودن بر معیارهای جهانی را دلیل صدق و اتقان نمیدانیم؛ بسیاری از معیارهای جهانی حقیقتاً ساخته و پرداخته ی ذهن ها و نیت های استعماری است؛ بنابراین انطباق با معیارهای جهانی ملاک نیست؛ لکن امروز بر طبق معیارهای رایج جهانی هم قانون اساسی ما یک قانون اساسی بسیار قوی و تأمین کننده ی حقوق اساسی انسانها در جامعه است و هر امری که تخلف از قانون اساسی محسوب شود، تخلف از روال صحیح حرکت انقلابی جامعه ی ماست.
۴. یکی از ویژگی های ممتاز قانون اساسی ، قدرت انعطاف و انطباق با شرایط و تحولات است و برای خروج از معضلات و تنگناها و استفاده ی بیشتر از نظرات افراد خبیره و صاحب نظران راه حل های عملی ارائه نموده است.

### ثمرات عمل به قانون اساسی

عمل به قانون اساسی علاج اساسی دردهای این کشور است. و عمل هم متوقف بر این است که عناصر عمل کننده؛ چه آنهایی که مجاری اجرای قانون اساسی را معین میکنند مثل دستگاه های قانونگذاری چه کسانی که آن را اجرا میکنند مثل قوه ی مجریه چه کسانی که عدالت و تخلف ها را مورد ملاحظه قرار میدهند مثل قوه ی قضائیه و همه ی دست اندرکاران این کشور در مقام عمل اخلاص و صفا و مسئولیت و انجام وظیفه را ملاک خودشان قرار دهند این اساس قضیه است.

قانون اساسی ما بسیار خوب و پیشرفته است. قانون اساسی از جمله ی همان چیزهایی است که دشمنان ما آن را آماج حملات خود قرار داده اند؛ چون این قانون اساسی با این خصوصیات و با این تقسیم قدرت میتواند کشور را به سامان برساند و جامعه را پیش ببرد این قانون اساسی میتواند ضامن حفظ نظام اسلامی باشد؛ نظامی که پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسانهاست. این قانون اساسی میتواند ذهن ها را اشباع و اقناع کند و جسم ها را به رفاه مادی برساند؛ میتواند دنیا و آخرت مردم را آباد کند. بر اساس این قانون اساسی، امروز کشور در حال حرکت و پیشرفت است نه اینکه نقص و ضعف وجود ندارد بلاشک ضعف ها وجود دارد منتها شما اگر وضعیت کشور و موقعیت استثنائی نظام جمهوری اسلامی را در نظر بگیرید خواهید دید که از اول انقلاب پیشرفت ما در همه ی زمینه ها پیشرفت خوب در بعضی جاها ،عالی و در برخی از بخش ها قابل قبول بوده است.

### (ب) ولایت فقیه

قانون اساسی جمهوری اسلامی درباره ی مسئله ی رهبری آنقدر محکم و متین برخورد کرده است که انقلاب بوسیله ی مسئله ی رهبری و شرایط رهبری برای همیشه تضمین شده است. آن کشوری که همیشه در رأس آن یک عالم، فقیه، زاهد متقی، ورع و با تقوا باشد آن کشور امکان انحراف و آن جامعه امکان شکست را برای خود نخواهد داشت. رهبری هم یک شخص نیست یک آدم، یک طلبه یک علی خامنه ای یا علی خامنه ای های فراوان دیگری که هستند نیست. رهبری یک عنوان و یک شخصیت و یک حقیقت



برگرفته ی از ایمان و محبت و عشق و عاطفه ی مردم و یک آبروست صدها نفر مثل علی خامنه ای در راه این حقیقت جان و آبرویشان را میدهند؛ اهمیتی هم ندارد بنده که چیزی نیستیم؛ امام بزرگوار ما هم که به معنای حقیقی کلمه برای این امت امام دلها بود همین طور بود. او حاضر بود برای حفظ نظام و حفظ رهبری نظام آبرویش را بدهد. ولایت فقیه را اگر بخواهیم آن تصور درست از آن مفهوم را با یک بیان فارسی قابل فهم برای همه ارائه بدهیم معنایش حکومت ایدئولوگهاست حکومت اندیشمندان اعتقادی است در جامعه این معنای ولایت فقیه است در مقابل حکومت نظامیان حکومت زورمداران حکومت سرمایه داران حکومت کارگران مثلاً حالا و انواع و اقسام حکومتهایی که، تزهایی که مطرح میشود این ولایت فقیه یعنی حکومت صاحب نظران در اعتقاد این جامعه فقه، یعنی شناخت اصلاً کلمه ی فقه یعنی فهمیدن، درک شناخت معنای فقه است و مراد از فقه در اینجا و در هر جا که مطرح میشود به اصطلاح یعنی شناخت اسلام؛ چون دین این جامعه و آن زمینه ی اعتقادی ای که جزو بافت طبیعی این جامعه است، آن همان اسلام است فقیه یعنی شناسنده ی اسلام آن کسی که اسلام را کاملاً میشناسد. ولایت هم یعنی حکومت. ولایت فقیه یعنی حکومت دین شناسان اسلام شناسان صاحب نظران در اندیشه ی اسلامی این معنای حکومت هم که میگوییم، نه به معنای رئیس دولت یا رئیس جمهور را فرض کنید میگوییم؛ نه بلکه معنایش این است که آن کسی که در امور جامعه صاحب نظر نهایی است او بایستی فقیه باشد. بعد البته رئیس جمهور را هم او تنفیذ میکند نمیدانم بقیه ی چیزها هم از آن طریق درست میشود. خوب پس یک نظام است؛ ولایت فقیه، یک نظام است اعتقاد به ولایت فقیه اعتقاد به یک خط اسلامی است.

### مقصود از ولایت مطلقه ی فقیه

بعضی ها خیال میکنند که این ولایت مطلقه ی فقیه که در قانون اساسی آمده معنایش این است که رهبری مطلق العنان ی مطلقه این نیست رهبری بایستی مو به مو قوانین را اجرا کند و به آنها احترام بگذارد. منتها در مواردی اگر مسئولان و دست اندرکاران امور بخواهند قانونی را که معتبر است مو به مو عمل کنند دچار مشکل میشوند قانون بشری همین طور است. قانون اساسی راه چاره ای را باز کرده و گفته آنجایی که مسئولان امور در اجرای فلان قانون مالیاتی یا سیاست خارجی بازرگانی، صنعتی و دانشگاهی دچار مضیقه میشوند و هیچ کار نمیتوانند بکنند مجلس هم این طور نیست که امروز شما چیزی را ببرید و فردا تصویب کنند و به شما جواب دهند رهبری مرجع است. زمان امام هم همین طور بود. بنده خودم آن وقت رئیس جمهور بودم و جایی که مضیقه هایی داشتیم به امام نامه مینوشتیم و ایشان اجازه میدادند بعد از امام دولت قبلی و دولت فعلی گاهی راجع به مسائل گوناگون نامه مینویسند که در اینجا مضیقه وجود دارد شما اجازه بدهید که این بخش از قانون نقض شود. رهبری بررسی و دقت میکند و اگر احساس کرد که به ناگزیر باید این کار را بکند آن را انجام میدهد. جاهایی هم که به صورت معضل مهم کشوری است به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع میشود. این معنای ولایت مطلقه است، والا رهبر رئیس جمهور وزرا و نمایندگان همه در مقابل قانون است و هر کار که دلش بخواهد میتواند بکند معنای ولایت تسلیمند و باید تسلیم باشند.

### فهم غلط دشمنان از ولایت مطلقه ی فقیه

دشمنان ولایت مطلقه را به معنای «استبداد» گرفته اند؛ یعنی میل فقیه عادل به صورت دلخواه این معنا در دل خودش یک تناقض دارد اگر عادل است نمیتواند مستبد باشد؛ اگر مستبد است و بر اساس دلخواه عمل میکند پس عادل نیست دشمنان این را ملتفت نمیشوند و این معنا را نمیفهمند. این نیست مسئله ی ولایت مطلقه که فقیه هر کار دلش خواست بکند؛ یک وقت یک چیزی به نظرش رسید که باید این کار انجام بگیرد فوراً انجام دهد؛ قضیه این نیست. قضیه این است که یک حالت انعطافی در دست کلید دار اصلی نظام وجود دارد که میتواند در آنجایی که لازم است مسیر را تصحیح و اصلاح کند، بنا را ترمیم کند.

### ضرورت ولایت فقیه

#### دلیل اول

#### مقدمه ی اول: ضرورت حکومت اسلامی

در مقدمه ی مباحث اجتماعی اسلام یک مسئله ی قابل توجه و بنیانی وجود دارد که توجه به آن میتواند ما را در همه ی مباحث اجتماعی اسلام یاری بدهد و آن عبارت است از اینکه فکر اسلامی و اعتقاد اسلامی و توحیدی چه تأثیری در ساخت اجتماعی و پیکره ی عمومی جامعه ی اسلام میگذارد؛ یعنی آن مردمی که معتقد به خدا هستند ساخت کلی جامعه ی آنها چه فرقی دارد با مردمی که معتقد به خدا نیستند. آیا اعتقاد به خدا فقط به این است که مردم در دل و در زبان خدا را قبول کنند و در اعمال فردی خودشان مثل نماز روزه راست گفتن و دروغ گفتن و مسائل شخصی خدا را در نظر داشته باشند.

مقدمه ی دوم انحصار حکومت برای خداوند و جانشینانش

در قرآن حکومت در اصل متعلق به خداست و هیچ شریکی را خدای متعال در حکومت خود قبول نمیکند. آیات متعددی شاید ده ها آیه در قرآن این مطلب را برای ما توضیح میدهد که این عباراتی را که من از آیات انتخاب کردم چند جمله را میخوانم ببینید به ذهن شما هم آشناست. ولم یکن له شریک فی الملک در حکومت هیچ کس شریک خدا نیست. آن کسانی که خودشان را دارای حکومت مستقل از خدا میدانستند و میدانند یا حکومت بر دلهای مردم را متعلق به خدا و حکومت بر صحنه ی زندگی را متعلق به خودشان میدانستند اینها اندادالله هستند، شرکاء الله هستند که خدا آنها را رد میکند. ولا یشرک فی حکمه احداً هیچ کس را خدای متعال در حکومت با خود شریک نمیکند.

نتیجه : ولی فقیه: جانشین امام معصوم در دوران غیبت کبری

در دوران غیبت کبری هم به حسب حکم قطعی و صریح عقل و هم بر حسب ادله ی اسلامی و شرعی این ولایت و این حاکمیت مخصوص است به انسان دین شناس، عادل، بصیر به اوضاع و احوال زمان یعنی فقیه و عرض کردیم که این سلسله مراتب حکومت الهی و ولایت الهی است و در اینکه امروز شایسته ترین افراد برای حکومت فقیه جامع الشرایط است علی الاصول بین فرق اسلامی هیچ گونه اختلافی نیست و همه قبول دارند که در هر شرایطی وقتی که ولی منصوب از قبل خدا نیست وجود ندارد؛ یعنی منصوب به شخص آن کسی از همه شایسته تر است که به معیارهای اسلامی نزدیک تر باشد یعنی فقیه، جامع الشرایط ، عادل، عالم و مخالف با هوای نفس و بصیر به اوضاع زمان و دارای قدرت تدبیر یعنی همان چیزی که ما در قانون اساسی جمهوری اسلامی و در نظام این جمهوری به عنوان ولایت فقیه شناختیم.

دلیل دوم

ضرورت ولایت فقیه برای هدایت جامعه

اینکه علمای اسلام و ملت انقلابی ما و دلسوزان جامعه، این قدر روی مسئله ی ولایت فقیه عادل تکیه میکنند و امام بزرگوار ما رضوان الله تعالی علیه آن را آن قدر مهم میشمردند به خاطر همین بود که اگر این مسئله ی معنوی را از جامعه ی اسلامیمان سلب بکنیم - همچنان که آن کسانی که دلسپرده به روشهای غربی بودند و ارزش های غربی برای آنها اصل بود، در باب حکومت در جامعه ی اسلامی میخواستند در سال های اول به همان شیوه های غربی عمل بکنند - و اگر ما این اشتباه را میکردیم و بکنیم که در مسئله ی حکومت و مدیریت جامعه ملاک و معیار اسلامی را فراموش بکنیم و به سمت همان فرمهای رایج دنیایی برویم، معنای جامعه ی اسلامی ما از بین خواهد رفت این نقطه ، تعیین کننده است.

مسئله ی غدیر یعنی گزینش علم و تقوا و جهاد و ورع و فداکاری در راه خدا و سبقت در ایمان و اسلام و تکیه روی اینها در تشخیص و تعیین مدیریت جامعه این قضیه یک قضیه ی ارزشی است به این معنا غدیر نه برای شیعیان بلکه برای همه ی مسلمانان آموزنده و حاوی درس است و میتواند مورد تجلیل و تکریم قرار بگیرد که حالا نمیخواهیم در این زمینه ها وارد بحثهای فرقه ای و طایفه ای بشویم و نباید بشویم. عید غدیر حقیقتاً برای مردم عید است؛ چون به یادآورنده ی یک امر حساس و مهم است.

### شرایط ولی فقیه

تعریف جامعه ی مدنی چیست؟ اگر جامعه ی مدنی به معنای جامعه ی مدینه النبی است قاعداً ولایت فقیه در جامعه ی مدینه النبی، در رأس همه ی امور است؛ چون در مدینه النبی حکومت حکومت دین است و ولایت فقیه هم به معنای ولایت و حکومت یک شخص نیست؛ حکومت یک معیار و در واقع یک شخصیت است معیارهایی وجود دارد که این معیارها در هر جایی تحقق یابد این خصوصیت را میتواند پیدا کند که در جامعه به وظایفی که برای ولی فقیه معین شده رسیدگی کند. به نظر من به این نکته باید توجه و افتخار کرد که برخلاف همه ی مقررات عالم در باب حکومت که در قوانین آنها حاکمیت ها یک حالت غیر قابل خدشه دارند در نظام اسلامی، آن کسی که به عنوان ولی فقیه مشخص میشود، چون اساساً مسئولیت او مبتنی بر معیارهاست.

### اجتهاد و فقهت

مکتب اسلام و شریعت اسلامی و احکام و مقررات اسلامی باید بر زندگی مردم حکومت کند و به عنوان اجرا کننده ی این احکام در جامعه آن کسی از همه مناسب تر و شایسته تر است که دارای دو صفت بارز و اصلی باشد اول اینکه این احکام را شریعت اسلام را فقه اسلام را از همه بهتر بدانند، تسلط و احاطه ی کامل به احکام الهی و قوانین الهی داشته باشد. به احکام اسلامی و به قرآن کاملاً مسلط باشد. یعنی یعنی قدرت فقهت داشته باشد بتواند اسلام را بفهمد دین را بشناسد احکام الهی را از مستندات آن کشف کند، با قرآن مأنوس باشد با سنت انس داشته باشد و توانایی استنباط داشته باشد.

تقوا و عدالت

خصوصیت دوم اینکه این انسان آگاه به معارف الهی و فقه الهی دارای قدرتی باشد که بتواند خود را از گناه از خطای عمدی از انحراف عمدی مصون بدارد یعنی همان چیزی که در عرف فرهنگ اسلامی به آن عدالت گفته میشود. عدالت آن ملکه ای است که آن حالت نفسانی و روحی ای است که در هر انسانی باشد او را از گناه از خطا و انحراف باز میدارد. البته اشتباه برای همه متصور است؛ اما عمداً گناه کردن از انسانی که دارای ملکه ی عدالت است هرگز متصور نیست. یعنی اگر از عدالت افتاد، اصلاً ولایت به خودی خود منتفی میشود. ببینید چقدر معنای عظیمی دارد؛ یعنی پذیرش این معنا - عدل - در یک جامعه این خیلی مهم است. هیچ شکل دیگری از جامعه این معنا را ندارد مثلاً در جمهوری عدل خوابیده؛ بالاخره مردم ممکن است اشتباه کنند و یک مرد غیر عادل را بگذارند.

### درايت و كفائت

غير از فقاھت و عدالت درايت و كفائت هم لازم است. انسانی باشد که دارای درايت لازم باشد، هوشمند باشد، زمان را بشناسد دشمنان اسلام را بشناسد دنیا را بشناسد و با توجه به اینکه شرط اساسی یعنی فقاھت عدالت و كفائت که خود این كفائت كفائت ذهنی و كفائت عملی است هم درايت باید داشته باشد و هوشمند باشد و هم قدرت اداره و تدبیر داشته باشد...

كفائت يك شرط قهری و عقلي است. کسی که كفائت اداره ندارد این را نمیشود زمامدار امور هیچ کاری کرد، حتی کار کوچک؛ مگر اینکه كفائت آن کار را داشته باشد چه برسد به اداره ی امور مسلمین این هم يك شرط قهری است. اگر بخواهد جامعه را از لغزش در پرتگاه ها نجات بدهد باید عالم شناس و جریان شناس و مردم شناس هم باشد، دارای حكمت سیاسی هم باید باشد.

### وظايف و اختيارات ولي فقيه

### حفظ نظام و انقلاب

مسئولیت رهبری حفظ نظام و انقلاب است. اداره ی کشور به عهده ی شما آقایان مسئولان کشور است. هر کدام از شما در بخش خودتان کشور را اداره میکنید و وظیفه ی اصلی رهبری این است که مراقب باشد این بخشهای مختلف آهنگ ناساز با نظام و اسلام و انقلاب نزنند هر جا چنین آهنگی به وجود بیاید جای حضور رهبری است.

### مدیریت کلان ارزشی و حفظ آرمانها

رهبری يك مدیریت است؛ البته مدیریت اجرایی نیست این اشکال و اشتباه هم در طول زمان از اول انقلاب تا امروز در بعضی از تبلیغات ادامه دارد. اینچور تلقی کنند که رهبری يك مدیریت اجرایی است؛ نه مدیریت اجرایی مشخص است. مدیریت اجرایی در بخش قوه ی مجریه ضوابط مشخصی دارد معلوم است مسئولین معینی دارد؛ در قوه ی قضائیه هم که آن هم مدیریت اجرایی است همین طور هر کدام مسئولیتهایی دارند؛ قوه ی مقننه هم که معلوم است رهبری ناظر بر اینهاست. به چه معنا؟ به این معنا که از حرکت کلی نظام مراقبت کند.

در واقع رهبری يك مدیریت کلان ارزشی است. همین طور که اشاره کردم گاهی اوقات، فشارها، مضیقه ها و ضرورتها مدیریتهای گوناگون را به بعضی از انعطافهای غیر لازم یا غیر جائز وادار میکند؛ رهبری بایستی مراقب باشد نگذارد چنین اتفاقی بیفتد. این مسئولیت بسیار سنگینی است.

### تعیین سیاست های کلان کشور

مهم ترین کار رهبری عبارت است از تعیین سیاستهای کلان کشور؛ یعنی آن چیزهایی که جهت گیری کشور را مشخص میکند؛ که همه ی قوانین مقررات و عملکردها باید در این جهت باشد حضور رهبری در همه بخشهای کشور به معنای حضور سیاست های رهبری است که باید با دقت اجرا شود. و من به شما عرض کنم هر جایی که این سیاست ها اجرا شده کشور سود کرده است؛ اما در طول سال های گذشته از ده دوازده سال پیش تاکنون هر جا از این سیاستها تخلف شده، کشور ضرر کرده است؛ که گاهی ضررش را فهمیده اند گاهی هم بعد از گذشت مدتی ضررش را فهمیده اند بنابراین حضور رهبری جدی است.

نقش رهبری در تنظیم سیاست ها این است که مراقب باشد تا برنامه ریزی هایی که در چهارچوب این سیاست ها میخواهد انجام بگیرد، نظام را به بیراهه و گمراهه نکشاند؛ منافع طبقات محروم و حقوق مردم پامال نشود؛ خواسته ها و منافع قدرتهای افزون طلب و سلطه طلب و مداخله گر تأمین نشود. این مراقبت جزو وظایف رهبری است و اگر در این زمینه ها فصولی یا تقصیری پیش آید متوجه رهبری است. بعد که این سیاستها ابلاغ شد آن وقت مجلس موظف است بر طبق این سیاست ها قانون بگذراند و دولت هم



موظف است سیاست های اجرایی خودش را تنظیم و بر طبق آنها عمل کند. مجموعه ی این سازوکار مفصل دستگاه های اجرایی و قضائی و تقنینی در این چارچوب به کار می افتند و کار میکنند که هر کدام مسئولاتی دارند و مسئولیت هایی که باید کار را انجام دهند.

### تشخیص مصلحت در احکام اسلامی

آن کسی که فقیه است احکام اسلامی را میدانند مهم بودن و مهم تر بودن را در میان احکام فقهی تشخیص میدهد او قادر است که ارزیابی کند و بداند کدامیک از اینها از دیگری مهم تر است و این اختیار مخصوص ولی فقیه است. بعضی به ذهنشان ممکن است اینجور بیاید که خب اگر ما آمدیم حکم مصلحتی و حکم ولایتی را باب کردیم هر کسی در هر گوشه ی مملکت وقتی که بنای اجرای احکام شرعی بشود بگوید آقا من مصلحت نمیدانم مصلحت این است که این حکم اجرا نشود، پس این احکام الهی تکلیفش چه خواهد شد؟ مسئله این نیست اصلاً مسئله ی اینکه کسی تشخیص بدهد که این حکم مصلحت دارد یا ندارد این نیست تشخیص مصلحت به عهده ی ولی فقیه است یا کسی که او منصوب کند یا کسی که او تعیین بکند. این جور نیست که هر کسی بتواند در مواجهه ی با هر یک از احکام شرعی بگوید که من مصلحت نمیدانم که این حکم انجام بگیرد؛ بنابراین این حکم فعلاً تعطیل و آن کاری که مصلحت هست انجام بگیرد به عنوان حکم الهی این چنین چیزی نیست و چنین اختیاری را هیچ کس ندارد مگر ولی فقیه و آن کسی که ولی فقیه معین بکند.

### حل مشکلات لاعلاج دولت

رهبری یعنی آن نقطه ای که هر جا دولت هر دولتی در ایران مشکلی داشته باشد مشکلات لاعلاجش به دست رهبری حل میشود. توجه کنید؛ هر جا که تبلیغات دشمن کاری کند تا مردم را به دولت ها بدبین سازد اینجا نقش رهبری است که حقیقت را برای مردم روشن و توطئه ی دشمن را برملا میکند. این چند ساله ندیدید که درباره ی، دولتها دولتمردان و مسئولان چه میکردند و چگونه سعی مینمودند که تبلیغات دروغ و ترفندهای گوناگونی را رایج کنند تا مردم را مأیوس نمایند!

### امید دادن به مردم و مقابله ی با توطئه ها

آنجایی که میخواهند مردم را مأیوس کنند، رهبری است که امید به مردم میدهد آنجایی که میخواهند یک توطئه ی سیاسی بین المللی برای ملت ایران به وجود آورند، رهبری است که قدم جلو میگذازد و تمامیت انقلاب را در مقابل توطئه قرار میدهد، مثل همین قضیه ی اخیر اروپا که ملاحظه کردید و دشمن را وادار به عقب نشینی میکند آنجایی که میخواهند در بین جناحهای گوناگون، مردم اختلاف ایجاد کنند، رهبری است که می آید مایه ی الفت و مانع از تفرقه میشود. آنجایی که میخواهند صندوق های انتخابات را خلوت کنند و مردم را از حضور در پای صندوقها و رأی دادن مأیوس نمایند رهبری است که به مردم الگو میدهد و میگوید که انتخابات وظیفه است. آنگاه مردم اعتماد میکنند، وارد میشوند و حماسه ی عظیمی می آفرینند آنجایی که جایگاه ابران نظر مردم در مسائل انقلاب است چشم مردم به دهان رهبری است.

### به میدان آوردن مردم در لحظات حساس

شما میگویید چرا به رهبری انتقاد نمیکنند! اولاً که عیب جویی از رهبری مگر چه حسنی دارد؟ رهبری ای که در نظام جمهوری اسلامی اشاره ی انگشتش باید بتواند در یک لحظه ی خطرناک و حساس مردم را به جانفشانی وادار کند، آیا این مصلحت است که یک نفر به میل خودش بیاید بایستد و بدون حق و بدون موجب نسبت به او بدگویی کند؟ آیا این به نظر شما کار خیلی خوبی است؟! این کار بد است؛ رواج نداشته باشد بهتر است.

### ج) شورای نگهبان

شورای نگهبان عماد ملت و دین و مایه ی اطمینان و سکینه ی قلب مؤمنین است و در حقیقت نبض نظام اسلامی به شمار میرود. شورای نگهبان مطمئن ترین دستگاه و ارگانی است که انقلاب به نظام کشور بخشیده است. ما برای اینکه به طور کلی از سلامت نظام مطمئن باشیم مهمترین و رساترین و فعال ترین و مؤثرترین مجموعه ی ما همین شورای نگهبان است. شورای نگهبان نقطه ی تضمین و تأمین برای نظام اسلامی است. این امر بسیار مهمی است شورای نگهبان در مجموعه ی تشکیلات نظام جمهوری اسلامی مثل بقیه ی دستگاه ها نیست که بگوئیم ارگان ها و تشکیلات مختلفی هستند؛ بعضی مهم ترند بعضی کم اهمیت ترند؛ این هم یکی از آنها نه شورای نگهبان مثل بعضی از پدیده های یک نظام مانند قانون اساسی وضع ویژه ای دارد. شورای نگهبان تشکیلاتی است که اگر خوب باشد.

وظایف و اختیارات نمایندگان شورای نگهبان تطبیق قوانین مجلس با اسلام و قانون اساسی

شورای نگهبان دستگاهی است که قانون اساسی ما آن را وسیله ی تضمین حقانیت این نظام قرار داده است. اگر شورای نگهبان نمیبود و نباشد یا تضعیف بشود یا کار خودش را انجام ندهد حرکت اسلامی این نظام زیر سؤال خواهد رفت؛ زیرا که حرکت نظام بر اساس قوانین است اگر قوانین اسلامی بود نظام ما اسلامی است چه مرجعی میگوید که قوانین اسلامی است یا اسلامی نیست؟ شورای نگهبان

شورای نگهبان مانع این است که نظام اسلامی از خط دین و اسلام و همچنین از خط قانون اساسی که این در درجه ی دوم اهمیت است؛ اما این هم خیلی اهمیت دارد منحرف شود. قانون اساسی ستون فقرات نظام است.

### تفسیر قانون اساسی

وظیفه ی تفسیر قانون اساسی بسیار وظیفه ی سنگین و با اهمیتی است که آنجایی که اصلی از اصول قانون اساسی به دلیلی مورد ابهام قرار میگیرد نظر شورای نگهبان فصل الخطاب است؛ و اعتبار نظر شورای نگهبان هم وزن اعتبار اصل قانون اساسی است این خیلی مطلب مهمی است.

### نظارت بر انتخابات

همچنین وظیفه ی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات و تضمین صحت انتخابات از جمله کارهای بسیار بزرگ و مهمی است که در قانون اساسی بر عهده ی شورای نگهبان گذاشته شده است. اگر نظارت شورای نگهبان نباشد و اگر تأیید صحت انتخابات به وسیله ی شورای نگهبان انجام نگیرد اصل این انتخابات زیر سؤال خواهد رفت و اعتبار خود را از دست خواهد داد؛ چه انتخابات مجلس چه انتخابات خبرگان چه انتخابات ریاست جمهوری و هر انتخاباتی که نظارت آن بر عهده ی شورای نگهبان است.

نظارت استصوابی یک قانون است و نبایستی کسی از عمل به قانون گله ای داشته باشد این نظارت شورای نگهبان طبق قانون و متکی به قانون اساسی است پایه ها و ریشه هایش در قانون اساسی است و در قانون عادی هم همان تأیید شده است و وجود دارد. این نظارت هم برای شهروندان عادی و معمولی نیست؛ این برای آن است که یک آدم ناباب یک آدم مضر و یک آدم بد، به این مرکز حساس وارد نشود. این نظارت استصوابی مخصوص مجلس که نیست؛ در مورد ریاست جمهوری هم هست.

اثبات صلاحیت ، امضای صلاحیت یا رد صلاحیت یک وظیفه است. اگر این را از مجموعه ی فعالیتهای نظام برداریم چیزی برای نظام باقی نمی ماند چطور اجازه بدهند یک آدمی که از لحاظ عقیده اعتقاد محکمی به مبانی نظام ندارد؛ از لحاظ ممشای عملی یک انسان سالم و مستقل و دارای روش و اخلاق مستقیمی نیست؛ از لحاظ سیاسی دلبستگی او به مسائل کشورش و مردم کشورش کمتر از دلبستگی او به مصالح بیگانگان است فرضاً باید در رأس دستگاه اجرایی یا در مسند قانون گذاری قرار بگیرد؟ این کار جایز است؟ نظارت شورای نگهبان در مسائل انتخابات یکی از مهمترین کارهایی است که انجام میدهد؛ کار بسیار مهمی است کار بسیار لازمی است. به جوسازیهایی که علیه این کار میشود، ابدأ نباید اعتنا کرد. البته کار را باید درست انجام داد به همان اندازه که کار مهم است به همان اندازه سلامت کار مهم است. یعنی باید معیارها را درست ، فهمید و فقط بر اساس این معیارها قبول کرد یا رد کرد. از این معیارها نباید تخطی شود کوتاهی هم نباید بشود ، غفلت هم نباید بشود.

### د) مجلس خبرگان

تشکیل مجلس خبرگان یکی از مظاهر حرکت اسلامی و پایه ی اسلامی جامعه و نظام ماست و ما به آن افتخار میکنیم. مجلس خبرگان پایگاه و جایگاه بسیار رفیع و با عظمتی دارد. در حساس ترین و خطرناک ترین لحظات زندگی ملت و نظام ما، این مجلس است که باید به داد ملت برسد؛ این منتخبان ملتند که باید در آن لحظه ی خطیر دین خودشان را به ملت ایفا کنند.

مجلس خبرگان در حقیقت یک پشتوانه ی عظیمی برای نظام است؛ مثل صندوق ذخیره ی ارزی معنوی نظام یک پشتوانه و یک ذخیره ی معنوی است که باید حاضر باشد، آماده باشد، پایه کار باشد و به روز باشد برای هنگام لازم و مورد نیاز؛ همچنان که کشورها نیروهای مسلحشان را آماده نگه میدارند، سالهایتمادی در پادگان هایشان هستند و عملاً کاری انجام نمیدهند؛ لیکن برای لحظه ی مورد نیاز به روز و آماده نگه میدارند. مسئله ی مجلس خبرگان یک چنین چیزی است.

### وظایف و اختیارات نمایندگان خبرگان

#### انتخاب رهبر

مردم افراد خبیره ی مورد اعتماد خودشان را انتخاب میکنند تا اینها آماده ی به کار باشند برای لحظه ی حساس فقدان رهبری در کشور. این مجموعه ی مورد اعتماد ملت باید بنشینند و با بصیرت کامل رهبری را که قادر بر ادای تکالیف رهبری میداند، انتخاب کنند و به مردم معرفی کنند. اگر چنین جمعی در آن هنگام یعنی هنگامی که کشور به

تعیین رهبر احتیاج پیدا کرده است یا به خاطر اینکه رهبر قبلی از دنیا رفته است و یا خدای نخواستہ از صلاحیتها افتاده است که باید رهبر دیگری را انتخاب کنند حضور نداشته باشد و آماده ی به کار نباشد آن چنان گرهی در دستگاه مدیریت کشور به وجود خواهد آمد که با هیچ سرانگشتی این گره باز شدنی نیست. خصوصیت انتخابات رهبری این است. کار مهم خبرگان در درجه ی اول همین انتخاب است.

### نظارت بر بقای شرایط در رهبر

مسئولیت خبرگان در درجه ی دوم نظارت بر وضع رهبر موجود و حاضر که متوجه باشند و ببینند آیا صلاحیت ها در او باقی است؟ آیا علم او تقوای او مدیریت او تدبیر او، خلوص او و صدق او باقی است؛ یا از حد نصاب پایین افتاده است؟ باید نظارت داشته باشند این کار مهم مجلس خبرگان است.

### ه) قوه ی مجریه

بازوی اجرایی نظام دولت و رئیس جمهور است. رئیس جمهور در کشور ما نقش بسیار مهمی دارد؛ تبلیغات بیگانه میخواید عکس این را نشان دهد. آنها دشمنانه حرف میزنند. رئیس جمهور یکی از مؤثرترین و در دستگاه اجرایی مؤثرترین عنصر برای حل مسائل کشور است. در میان مسئولان کشور هیچ مسئولی به قدر رئیس جمهور در قانون اساسی ما امکانات و توانایی ها و عرصه ی عظیم خدمتگزاری ندارد. بودجه ی کشور و همه ی مسئولان طراز اول اجرایی کشور در اختیار اوست؛ اوست که میتواند کشور را آباد کند و از لحاظ علمی و صنعتی و مسائل انسانی و یا از لحاظ امنیت کشور را به پیش ببرد؛ کفایت و تواناییهای اوست که میتواند زندگی را در کام مردم شیرین کند آنچه مورد نیاز ملت و کشور است، رئیس جمهور کارآمد و با کفایت است. مسئولیتهای حساس و تاریخی امروز بر دوش رئیس قوه مجریه ی ماست. قانون همه چیز را در اختیار رئیس قوه مجریه قرار داده است.

### وظایف و اختیارات رئیس جمهور و قوه ی مجریه

در قانون اساسی هم وظایف سنگینی بر دوش رئیس جمهور گذاشته شده که در اصول مختلف آن مطرح گردیده است. هم اختیارات و امکانات زیادی در اختیار رئیس جمهور است. در مجموعه ی نظام قانون اساسی ما این اختیارات و امکانات و وظایف منحصر به فرد است رئیس جمهور اختیارات فراوانی دارد قوه ی مجریه و بودجه ی کشور و وزارتخانه های گوناگون در اختیار اوستگی وظایف فراوانی بر عهده ی رئیس جمهور است. عمده ی این وظایف دو چیز است. البته از همه ظرفیتهای و قابلیتها و استعدادهایی که در این کشور وجود دارد باید استفاده شود. همه ی نیازهای این کشور نیازهای امروز حتی زمینه ی نیازهای فردا باید در تصمیم گیریها دیده شود. باید عدالت محور و اساس باشد باید امنیت همه جانبه مورد توجه باشد.

در میان اینها دو چیز از همه مهمتر است. یکی از این دو چیز عبارت است از گشایش اقتصادی و ایجاد غنا در کشور رفع مشکلات و اصلاح امور اقتصادی دیگری ارتقای فرهنگ دینی.

مسئله ی اقتصادی در امنیت و فرهنگ و عزت و برجستگی حرف سیاسی در کشور و در حضور جهانی تأثیر گذار است. مسئله ی اقتصادی بسیار مهم است در اسلام پرداختن به امور اقتصادی مردم جزو واجبات حکومت هاست. پیغمبر اکرم طبق روایت فرمود: کاد الفقرا یكون مضمون این حرف آن است که ما آمده ایم به مردم ایمان بدهیم؛ اگر نتوانی نشان را براحتی به دستشان برسانی ایمانشان از آنها گرفته خواهد شد. واقع قضیه هم همین است مسئله ی فقرزدایی و روان کردن کار اقتصادی در کشور از جمله مسائل بسیار مهم است.

دوم هم ارتقای فرهنگ و فکر و عمل دینی است؛ که این سرچشمه ای نیروزا برای همه ی فعالیت هاست. اگر ایمان مردم مستحکم شد از آنها موجوداتی آسیب ناپذیر، خستگی ناپذیر فعال و پرنشاط به وجود میآورد؛ اما وقتی ایمان ضعیف شد همه ی آفت ها به دنبالش می آید.

### و) مجلس شورای اسلامی

مهمترین چیزی که در باب مجلس شورای اسلامی وجود دارد این است که این مجلس مظهر مردم سالاری دینی است. الگویی که نظام اسلامی در خصوص مردم سالاری دینی به دنیا ارائه داد و در عرصه ی سیاست جهانی مطرح کرد، بدون شک تجربه ی موفقی از آب درآمد آنچه در آن هم رأی و اراده و شخصیت و خواست مردم در آینده سازی جامعه تأثیر دارد، و هم چارچوب این حرکت ارزشهای معنوی و الهی است همان چیزی است که امروز بشریت نیازمند آن است و از نبود آن دارد رنج میبرد. این جنگها استکبارها ظلم ها، شکافهای طبقاتی غارت ثروت ملتها و فقر عجیبی که بر بخش عظیمی از مردم دنیا حاکم است همه بر اثر نبود معنویت است. این فسادها و مجلس قطعاً در



رأس امور است. همان طور که امام (رضوان الله تعالی علیه) فرمودند اما این را هم توجه کنید که مجلس در رأس امور است معنایش این نیست که هر یک نماینده ای در رأس امور است؛ «مجلس در رأس امور است؛ یک نماینده یک نماینده است. یعنی نماینده ی محترم و عزیزی که مردم یک جمع و گوشه ای از کشور با شوق و با شور جمع شدند و او را فرستادند. مجلس تصور نکند که او در رأس امور است؛ نه «مجلس» در رأس امور است؛ برخوردارش را اینجوری مقایسه کند.

اگر مجلس شورای اسلامی چهار خصوصیت داشته باشد در جایگاه حقیقی خود قرار خواهد داشت. لکن میشود هر چه بیشتر به این خصوصیات افزود و مراقب بود. این چهار خصوصیت عبارت است از اولاً، احساس مسئولیت. ثانیاً، استقلال. ثالثاً، شجاعت. رابعاً، فرزاندگی و به کار گرفتن فکر و علم و تخصص.

### وظایف و اختیارات نمایندگان مجلس شورای اسلامی قانون گذاری

آن گونه که بنده از مجموع قانون اساسی و مفاهیم و معارفی که در انقلاب ما هست و همه چیزهایی که ما را در این باب کمک میکند فهمیده ام وظیفه ی اصلی در نمایندگی «قانونگذاری» است. البته نظارت بر اجرا و از این قبیل چیزها هم هست. آنها هم بسیار مهم است اما چیزی که رکن اداره ی کشور است عبارت است از وضع قوانین اینکه نمایندگان از همه ی گوشه و کنار کشور انتخاب میشوند به آن خاطر است که مصالح همه ی کشور در «قانون» متجلی شود.

### نظارت بر دولت

طبق قانون اساسی ما مجلس ناظر بر دولت است. اگر دولت در جایی بد و یا کج حرکت کند پا در راه نادرستی بگذارد و خدای نکرده سوء استفاده ای بشود و فساد ی به وجود آید، مرکزی که میتواند جلو فساد و انحراف را بگیرد، مجلس است؛ ببینید چقدر مهم است!

ابزارهای نظارت در دست شما نمایندگان مجلس قرار دارد. دیوان محاسبات را دست کم نگیرید... دیوان محاسبات خیلی مهم است بودجه ی عظیم این ملت، تنها درآمد عمده ی عمومی ملت است که در اختیار دستگاه ها قرار میگیرد. باید مشخص باشد که این بودجه چگونه خرج شد. مسئله ی تفریغ بودجه و تشخیص صحت و سقم کاری که انجام گرفته یکی از مهمترین ابزارهای نظارتی شماسست؛ از این غفلت نکنید. اگر بخواهید از ابزارهای نظارتی استفاده کنید همه ی تلاش خود را بر این قرار دهید که ارتباط با دستگاههای اجرایی و تحت نظارتان، قانونی باشد بعضی از ارتباطهای مخدوش، مطلقاً به ضرر شماسست. مسئولیت نظارتی مجلس هرگز نباید به دست اهمال سپرده شود، اما هرگز هم نباید نظارت مجلس به معنای رقابت با دولت و نشنیدن نیازها و ضرورت ها و تنگناهای آن شمرده شود. محور کار و عمل در کشور و نماد داخلی و خارجی نظام جمهوری اسلامی، عمدتاً قوه ی مجریه است همه باید به آن کمک کنند و هرگاه دولتی بانشاط بیشتر و همت بالاتر و ارزش گرایی قوی تر در صحنه است این کمک باید مضاعف گردد.

### ز) قوه ی قضائیه

حقیقتاً یک بخش فوق العاده حساس از نظام کشور، قوه قضائیه است. در همه جای دنیا همین است؛ نقش دستگاه قضا یک نقش تعیین کننده و حیاتی است؛ لیکن در نظام جمهوری اسلامی که مبنای نظام و مشروعیت نظام متکی است به حق و عدل این پایه ی اساسی نظام ماست دستگاه قضا حساسیت مضاعفی پیدا میکند. نظارت قوه قضائیه پیشگیری از جرم، تأمین عدالت، تأمین امنیت اینها قلمهای بسیار درشتی است که در نظام اسلامی جزو سرفصلهای مهم اداره ی مطلوب کشور به حساب می آید. قوه قضائیه میتواند مظهر عدالت در نظام اسلامی باشد. قوه قضائیه باصلاحت با اقتدار و با تصمیم گیری درست و بهنگام میتواند جلو بیدایش و رشد جرایم و توسعه ی خلاف در دستگاه های مختلف را سد کند؛ از ظلم به مظلومان و مستضعفان جلوگیری کند؛ از قدرت قدرت نمایی کسانی که به زر و زور مسلحند جلوگیری کند.

### وظیفه ی اصلی قوه ی قضائیه

### دفاع شجاعانه و قدرتمندانه از عدالت

وظیفه ی اساسی دستگاه قضائی چیست؟ عبارت است از دفاع شجاعانه و قدرتمندانه از عدالت روح کار این است. اجرای قوانین وظیفه ی همه است؛ اما تخلف از قوانین جرمی است که دستگاه قضا به آن رسیدگی میکند. مجموعه ی قوانین در نظام جمهوری اسلامی باید به یک قله منتهی شود و آن عبارت است از عدالت؛ بالعدل قامت السموات والأرض؛ عدالت در بنیان عالم و آفرینش نقش اساسی دارد.

### ح) انتخابات

انتخابات واقعاً نعمت بزرگی است. این هم از برکات نگاه روشن و عمیق امام بزرگوار ما بود کسانی در همان زمان بودند که معتقد بودند وقتی حکومت اسلامی است انتخابات لزومی ندارد؛ امام فرمود نه انتخابات باید باشد و منشأ اثر باشد، مردم تصمیم بگیرند مردم انتخاب کنند و آنچه مردم میخواهند بشود. نتیجه ی این سیاست این شد که مردم در کنار انقلاب و در وسط میدان باقی ماندند و تا امروز بحمد الله باقی مانده اند؛ چون خود مردمنده که دارند انتخاب میکنند خود مردمنده که دارند تصمیم میگیرند. انتخابات نعمت بزرگی است.

اهمیت انتخابات از دو نظر است یکی اصل حضور مردم است؛ که وقتی یک ملت دست به انتخاب میزند، وارد صحنه ی انتخاب میشود، یعنی زنده است آن کسی که برای خود انتخاب میکند، زنده بودن خود را اثبات میکند انسانی که برای او تصمیم میگیرند برای او انتخاب میکنند و او بیکار و بی تأثیر مینشیند و نگاه میکند علامت حیات در او ضعیف است؛ نمیتوان او را یک انسان زنده یا یک ملت زنده به حساب آورد. پس اولین اثر انتخابات این است که نشان دهنده ی حیات و خودآگاهی یک ملت است؛ این را باید ملت ما با استفاده از فرصت انتخابات های گوناگون و پی در پی تمرین و اثبات کند. همچنان که از اول انقلاب تا امروز ما تقریباً به طور متوسط هر سال یک انتخابات داشتیم که مردم به میدان آمده اند و انتخاب کرده اند؛ برگزیده اند؛ تعیین کرده اند؛ رأی و عزم خود را در صحنه ی عمل نشان داده اند و آن را به کرسی نشانده اند؛ این خیلی مهم است. اثر بعدی هم این است که وقتی اراده ی مردم در یک انتخاباتی وارد میدان میشود آن چیزی که بر طبق نظر اکثریت مردم و خواست و آرمان آنهاست، آن تحقق پیدا میکند.

بخش دوم

سیرت انقلاب

فصل اول

شاخص های سیرت انقلاب

در حقیقت، سخن گفتن از امام و انقلاب با یکدیگر تفاوتی ندارد. شخصیت امام فقط خصوصیات ممتازی نبود که در او وجود داشت و شخصیت ایشان را تشکیل میداد. شکی نیست که امام بزرگوار ما از ابعاد مختلف یک شخصیت برجسته و ممتاز یک عالم، بزرگ یک فقیه صاحب مکتب، یک فیلسوف برجسته، یک سیاستمدار یک مصلح بزرگ اجتماعی و از لحاظ روحیات صاحب خصلتها و خصوصیات ممتاز و کم نظیر بود. همه ی اینها شخصیت امام را در چشم مردم دوران خود او و دورانیهای بعد برجسته میکند؛ لیکن شخصیت امام بزرگوار ما در این خصوصیات منحصر نیست. بعد دیگر شخصیت او عبارت است از اصول و خطوط روشنی که او در این کشور در این منطقه و در مقابل چشم همه ی مردم جهان آنها را بنیاد کرد؛ بر اساس آن یک نظام سیاسی و اجتماعی به وجود آورد و امیدهای بزرگی را در دل مستضعفان عالم و امت اسلامی ایجاد نمود. شخصیت امام از اصول اساسی او جدا نیست.

بهترین شاخصها خود امام و خط امام است. امام بهترین شاخص برای ماست اگر این تشبیه با همه ی فاصله ای که وجود دارد به نظر برسد عیبی ندارد که تشبیه کنیم به وجود مقدس پیغمبر که قرآن میفرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجو الله والیوم الآخر». خود پیغمبر اسوه است؛ رفتار او کردار او اخلاق او یا در یک آیه ی شریفه ی دیگر میفرماید: «قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم والذین معه " ابراهیم و یاران ابراهیم اسوه اند در اینجا یاران ابراهیم پیغمبر هم ذکر شده اند تا کسی نگوید که پیغمبر معصوم بود یا ابراهیم معصوم بود، ما نمیتوانیم از آنها تبعیت کنیم، نه، «قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم والذین معه إذ قالوا لقومهم انا برآؤا منکم ومما تعبدون من دون الله کفرنا بکم تا آخر آیه ی شریفه.

الف) اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی

اولین و اصلی ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امام مسئله ی اسلام ناب محمدی است؛ یعنی اسلام ظلم ستیز اسلام عدالتخواه، اسلام مجاهد اسلام طرفدار محرومان اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنج دیدگان و مستضعفان در مقابل این اسلام، امام اصطلاح اسلام آمریکایی را در فرهنگ سیاسی ما وارد کرد. اسلام آمریکایی یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی تفاوت در مقابل ظلم در مقابل زیاده خواهی اسلام بی تفاوت در مقابل دست اندازی به حقوق مظلومان اسلام کمک به زورگویان اسلام کمک به اقویا اسلامی که با همه ی اینها میسازد. این اسلام را امام نامگذاری کرد : اسلام آمریکایی.

اسلام آخوندهای درباری — که امام مکرر با همین تعبیر از آنها اسم می آوردند - اسلام داعشی از آن طرف، اسلام بی تفاوت در مقابل جنایات صهیونیستی در مقابل جنایات آمریکا، اسلام چشم دوخته ی به آمریکا و قدرتهای بزرگ و به و به اشاره ی آمریکا اینها همه سر در یک آخور دارند؛ در یک جا اینها همه به هم میرسند؛ از نظر امام اینها همه

مردودند اسلامی که امام معرفی میکند در مقابل همه ی اینها است پیرو امام آن کسی که دنباله رو امام است باید مرزبندی داشته باشد؛ هم با اسلام متحجر هم با اسلام سکولار اسلام ناب را شناسایی کند و دنبال کند. یکی از اصول امام این است. این چیزی نیست که امام یکبار گفته باشد؛ در سرتاسر آثار امام بیانات امام گسترده است. امام جمهوری اسلامی را مظهر حاکمیت اسلام میدانست. برای همین امام جمهوری اسلامی را دنبال کرد، در راهش آن همه تلاش کرد و با آن شدت و حدت و اقتدار پای جمهوری اسلامی ایستاد امام که دنبال قدرت شخصی نبود؛ امام دنبال این نبود که خودش بتواند قدرتی پیدا کند مسئله ی امام، مسئله ی اسلام بود؛ لذا پای جمهوری اسلامی ایستاد. این مدل نو را امام به دنیا عرضه کرد؛ یعنی مدل جمهوری اسلامی حقیقت ناب و اسلام ناب که امام بزرگوار بر روی آن این همه تأکید میکردند برای این است که ما این متاع را که متاع ذهن مردم و متاع مغزها و متاع دلهاست خالص، بدون غل و غش بدون تقلب و بدون کم و زیادهایی که دستهای خائن و گنهکار یا غافل و جاهل به وجود آورده اند، به مخاطبان برسانیم. این بزرگترین امانت الهی است؛ این الله یامرکم أن تؤدوا الأمانات.

### ویژگی ها و شاخص های اسلام ناب

#### متکی بودن به کتاب و سنت

اسلام ناب از نظر امام بزرگوار آن اسلام متکی به کتاب و سنت است که با فکر، روشن با آشنایی با زمان و مکان با شیوه و متد علمی جا افتاده و تکمیل شده ی در حوزه های علمیه استنباط میشود و به دست میآید. این جور نیست که روش استنباط مورد توجه نباشد و هر کسی بتواند قرآن را باز کند و اصول حرکت اجتماعی را استنباط بکند؛ نه، این یک متد دارد این یک روش دارد؛ این روش علمی است کار شده است کسانی هستند که میتوانند این روش را دنبال کنند. اسلام ناب از نظر امام بزرگوار این است. البته هر کسی هم که آن متد را بلد است آن روش را بلد است قادر نیست؛ باید فکر روشن داشته باشد، باید آشنا با زمان و مکان باشد باید نیازهای بالفعل جوامع بشری و جوامع اسلامی را بشناسد باید دشمن را بشناسد نحوه ی دشمنی های او را بداند آن وقت میتواند اسلام ناب را مشخص کند و بشناسد و بشناساند.

#### مبتنی بر معنویت عقلانیت و عدالت

ما از اسلام دفاع میکنیم اما منظور ما از اسلام چیست؟ اسلام ما با اسلام متحجر از یک سو و اسلام لیبرال از سوی دیگر در اصول و مبانی کاملاً متفاوت است. ما هم این را رد میکنیم و هم آن را اسلام ما اسلامی است متکی به معنویت عقلانیت و عدالت؛ این سه شاخص عمده در آن هست. ما از معنویت به هیچ عنوان صرف نظر نمیکنیم؛ روح و اساس کار ما معنویت است. عقلانیت مهمترین ابزار کار ماست؛ عقل را به کار میگیریم همین طور که در اصول سیاست خارجی بارها گفته ایم حکمت یکی از اصول سه گانه ی ماست و در کنار آن مصلحت ما حکیمانه و مدبرانه عمل میکنیم. این مخصوص سیاست خارجی ما نیست بلکه در همه ی زمینه هاست. اسلام ما اسلام عقلانی است. عقل کاربرد بسیار وسیعی در فهم ما تشخیص اهداف و تشخیص ابزارهای ما دار است از عدالت هم به عنوان یک هدف به هیچ وجه صرف نظر نمیکنیم. اینکه تصور شود چون دنیای سرمایه داری مبتنی بر لیبرال دمکراسی برایش مسئله ی عدالت مسئله ی فرعی و درجه ی دو و ابزاری است و برای آنها مسئله ی نفع و سود و پول مسئله ی اصلی است موجب نمیشود که ما از عدالت به معنای یک مسئله ی محوری و اصلی صرف نظر کنیم ما در قالبهای اقتصادی و در کارکرد سیاست داخلی و خارجی مان مسئله ی عدالت محور است. اسلام ما این است اسلام معنویت، عقلانیت و عدالت به اسم اسلام قانع نیستیم که اسلام لیبرال داشته باشیم تا ارزش های غربی و ارزش های آمریکایی را ترویج کند.

#### عامل صدور طبیعی انقلاب اسلامی ایران

از آنجا که انقلاب اسلامی ایران بر پایه ی شریعت اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله) استوار شده است نمیتواند به مرز و ملیت و قومیت خاصی محدود باشد. مسئله این نیست که ملت ایران یا مسئولان این کشور بخواهند با روشهای معمول دنیا انقلاب را به جایی و برای کسی صادر کنند؛ بلکه موضوع این است که وقتی تفکر و درک اسلامی و الهی و بینش نوین برای جمعی از مسلمین مطرح میشود.

#### عامل حمایت و وحدت مسلمانان

هر جا که اسلام واقعی آشکار شد اگرچه قدرتهای خبیث و پلید در مقابل آن صف آرایی کردند اما انسانهای پاک و دلهای مطهر و روحهای صاف و فطرتهای پاک و نالوده با همه ی توان و وجود از آن حمایت کردند چرا ۱۰ میلیون انسان عزا دار در ایام رحلت امام (ره) گرد پیکر مطهر آن بزرگوار جمع شدند و آن گونه بر سر و سینه ی خود میزدند؟ چرا صدها میلیون مسلمان در سرتاسر عالم به خاطر درگذشت یک انسان این طور عزا دار و داغدار شدند؟ محبوبیت امام ما به خاطر چه بود؟ جواب یک کلمه است به خاطر اسلام



خود آن بزرگوار این نکته را به ما یاد داد و خود او به ما فهماند و تأکید کرد که به خاطر اسلام خدا دل ها را متوجه انقلاب و رهبر و ملت ایران کرد. .... این اسلام است که دلها را جذب و جمع میکند و نیرویی عظیم و شکست ناپذیر به وجود میآورد. راز اصلی همین نکته است که ما باید آن را درست درک کنیم و همیشه به یاد داشته باشیم.

### علاج عقب ماندگی کشورهای اسلامی

امروزه غالب کشورهای اسلامی پس از ۱۰ سال که جیب کمپانی ها و دولتهای غربی از منابع آنها پر شده، هنوز در وادی عقب ماندگی سرگردانند و هنوز محتاج صنعت و علم و کالای غربی و هنوز در عالم سیاست، طفیلی و پیرو ناگزیر آنان این همان خسران عظیمی است که از روز اول بر اثر عدم توجه به اصل بنیادین اسلام یعنی توحید اسلامی پیش آمده و هر چه زمان پیشتر رفته و علم کامل تر شده و دولتها و کشورهایی را مجهزتر کرده کشورهای اسلامی ناتوان تر وابسته تر، کم جرئت تر و بی ابتکارتر شده اند. راه علاج آن است که مسلمانان به اسلام ناب که در آن توحید و نفی عبودیت غیر خدا از هر چیز برجسته تر و درخشانتر است برگردند و عزت و قدرت خود را در اسلام بجویند و این چیزی است که طراحان توطئه های ضد اسلامی همیشه از آن بیمناک بوده و در راه پیدایش آن موانع جدی مینهادند. هنگامی که انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد از آنجا که پیش بینی میشد که جاذبه و محبوبیت انقلاب ملت های مسلمان و حتی بعضی غیر مسلمانها را شایسته ی اسلام کند همه ی دستهای استعماری به کار افتاد تا از نفوذ معنوی اسلام جلوگیری کند تلاش وسیع و همه جانبه ی استکبار در برابر نفوذ اسلام هیچ موجبی جز این ندارد که گسترش اسلام و مفاهیم اسلامی در هر نقطه ی جهان به معنای جمع شدن بساط استکبار و ابادی آن در آن نقطه است.

### عامل محبوبیت انقلاب اسلامی ایران

بحمد الله ابعاد مختلف این انقلاب در جوامع اسلامی باز شده است؛ با اینکه این همه پول خرج کردند، این قدر دلار نفتی خرج کردند برای اینکه بتوانند جلوی این حرکت را بگیرند خوشبختانه بدون اینکه حالا ما هم یک کار درست و حسابی کرده باشیم ما در تبلیغ و تبیین کوتاهی زیاد داریم این تفکر قوی و مستحکم پیش رفته امروز در اقطار دنیای اسلام بحمد الله این هست و شواهد فراوانی دارد ملتها، ملت های مسلمان به معنای واقعی کلمه جمهوری اسلامی را دوست دارند مسئولین جمهوری اسلامی را دوست دارند رؤسای جمهور ما در طول این سالها هر جا مسافرتی کردند و بنا شده است که جلوی مردم باز گذاشته بشود آنها قیامت به راه انداختند؛ در پاکستان این جور بود در لبنان این جور بود در سودان این جور بود و در خیلی از کشورهای دیگر البته آنجایی که جلوی مردم را بگیرند، خب مسئله ی دیگری است؛ آنجایی که مردم آن کشورهای مسلمان بدانند که میتوانند ابراز عقیده و ابراز احساسات بکنند میکنند این به برکت اسلام است این به برکت تمسک به قرآن است.

### عامل نجات بخشی انسان ها

امروز در دنیا آن منطق قوی آن فلسفه ی عمیق و آن عنصر نجات بخش جز تفکر روشن اسلام - البته اسلام انقلابی، نه اسلام وابسته به دستگاه قدرتهای ظالم این گوشه و آن گوشه ی دنیا - چیز دیگری نیست اسلامی که خلفای بنی امیه و بنی عباس از آن دم میزدند و بویی از آن حقیقت نبرده بودند، نمیتواند انسانها را نجات دهد اسلامی که میتواند تاریخ و انسانیت و جوامع و کشورها را نجات دهد اسلام امام سجاد، اسلام امام صادق و امام باقر اسلام علی بن ابیطالب، اسلام حسین بن علی و اسلام عاشور است. این اسلام تا پنجاه سال پیش در دنیا گم و غریب بود و نام و نشانی از آن وجود نداشت. زمزمه هایی در این گوشه و آن گوشه درست شد و چون صادقانه و با اراده ی ازلی حق متعال همراه بود بتدریج گسترش پیدا کرد؛ دلها را جذب کرد؛ جوانان را با خود همراه کرد؛ این جویهای باریک از سرتاسر کشور حساس و مهم ایران به یکدیگر وصل شد و شط خروشان متلاطم و موجی را به وجود آورد؛ و آن وقتی که نقطه ی حساس فرا رسید این شط خروشان توانست پایه های ظلم و ستم را در این کشور در هم فرو ریزد و اولین قدم را در راه مطرح شدن عملی نظام اسلامی که همان اسلام ناب است در دنیا بردارد. شما اگر امروز اسلام ناب و اسلام امام سجاد و امیرالمؤمنین و امام حسین را با پنجاه سال قبل از آن مقایسه کنید میبینید که این موجود یک شبه ره صد ساله رفته است و چون با مجاهدت صادقانه همراه بوده باز هم پیش خواهد رفت. این اسلام همان اسلامی است که در لبنان آن معجزه را آفرید.

### علاج دردهای مزمن بشریت

اسلام برای انسانها خط مشی روشن معین میکند. اگر به اسلام ناب عمل کنند زندگی بشریت از دردهای مزمن گریبانگیر او در طول تاریخ نجات پیدا خواهد کرد. دردهای مزمن بشریت چیست؟ بی عدالتی فقر ظلم و درگیری های ناشی از خودخواهی و خودپرستی و خودپسندی میان گروه های بی بشری است. گرفتاریهای عمده ی بشریت همان

گرفتاری هایی است که صدها سال قبل بلکه هزاران سال قبل بشر گرفتار آنها بوده است. هر جا دین خدا حاکمیت پیدا کرد این امید به وجود می آید که این گرفتاریها از سر جوامع بشری دست بردارد، یا لا اقل تضعیف شود. دین خدا برای اداره ی زندگی انسانهاست. قرآن برای عمل شدن در همه ی صحنه های زندگی است.

### عامل ابتهاج غیر مسلمانان

ما بایستی تلاش کنیم یعنی در نظام جمهوری اسلامی کار بزرگ و مهم این است که ما همه هر کسی در هر نقطه ای قرار دارد که توانی در این زمینه دارد باید تلاشمان این باشد که اسلام ناب را مطرح کنیم اسلام طرفدار مظلوم و ضد ظالم را در دنیا مطرح کنیم همان جوانی که در اروپا است یا در آمریکا است یا در مناطق خیلی دور دست است از این خصوصیت مبتهج میشود به هیجان می آید که معلوم بشود اسلام عبارت است از نیرویی، انگیزه ای فکری که علیه ظالمین و ستمگران و به نفع مظلومین حرکت میکند، برنامه دارد و این را وظیفه ی خودش میداند اسلام طرفدار عقلانیت، اسلام فلسفه های عمیق، اسلام تفکر، اسلامی که در قرآن این همه به عقل و فکر و لب و مانند اینها اهمیت داده شده را معرفی کنیم؛ اسلام طرفدار عقلانیت و ضد قشری گری، ضد تحجر، ضد اسیر اوهام و تخیلات خود شدن که کسانی به نام اسلام این چیزها را دارند اسلام ناب را نشان بدهیم بگوییم اسلام این است؛ اسلام متعهد در برابر لاپالایی گری. بله، امروز دستگاه های فراوانی جوانها را به بی مبالاتی به لاپالایی گری به لاقیدی در امور گوناگون سوق میدهند، خوب اسلامی که انسان را متعهد دانسته او را متعهد میخواید و میطلبد؛ اسلام حاضر در متن زندگی در برابر اسلام سکولار اسلام سکولار شبیه مسیحیت سکولار است که میروید در گوشه ی ، کلیسا، خودش را زندانی میکند و در محیط واقعی زندگی هیچ حضوری ندارد؛ اسلام سکولار هم همین جور است.

### ویژگی ها و شاخصهای اسلام آمریکایی

#### اسلام دعوت کننده به جدایی دین از سیاست

اسلام آمریکایی بهانه ای برای انزوای اهل دین و نپرداختن آنان به امور مسلمین و سرنوشت ملت های مسلمان است؛ وسیله ای برای جدا کردن بخش عظیمی از احکام اجتماعی و سیاسی اسلام از مجموعه ی دین و منحصر کردن دین به مسجد است و مسجد نه به عنوان پایگاهی برای ارتق و فتق امور مسلمین چنان که در صدر اسلام بوده است بلکه به عنوان گوشه ای برای جدا شدن از زندگی و جدا کردن دنیا و آخرت....

آری این اسلام آمریکایی است که مردم را به دوری از سیاست و فهم و بحث و عمل سیاسی میخواند.

#### اسلام انسان های بی درد و تاجران دین

اسلام آمریکایی اسلام انسانهای بی درد و بی سوزی است که جز به خود و به رفاه حیوانی خود نمی اندیشند؛ خدا و دین را همچون سرمایه ی تجار وسیله ای برای زراندوزی یا قدرت طلبی میدانند و همه ی آیات و روایاتی را که برخلاف میل و منفعتشان باشد بی محابا به زاویه ی فراموشی می افکنند و یا وقیحانه تأویل میکنند.

#### اسلام سلاطین و سرمایه داران سودجو

اسلام آمریکایی، اسلام سلاطین و رؤسای است که منافع ملت های محروم و مظلوم خود را در آستانه ی آلهه ی آمریکایی و اروپایی قربان میکنند و در مقابل به حمایت آنان برای ادامه ی حکومت و قدرت ننگین خود چشم میدوزند؛ اسلام سرمایه دارانی است که برای تأمین سود خود پا بر همه ی فضیلت ها و ارزش ها میکوبند.

#### اسلام مقابل با اسلام ناب و سازشکار با دشمنان دین

آنچه دیده میشود در دنیای اسلام این است که به نام اسلام ، دشمنان اسلام در پوشش اسلام با اسلام مقابله میکنند؛ همان تعبیری که امام بزرگوار ما (رضوان الله تعالی علیه) فرمود: اسلام آمریکایی در مقابل اسلام ناب محمدی اسلام آمریکایی اسلامی است که با طاغوت میسازد با صهیونیسم میسازد در خدمت هدفهای آمریکا قرار میگیرد ظاهر آن هم اسلام است اسم آن هم اسلام است، شاید بعضی از مراسم اسلامی را هم انجام میدهند؛ اگرچه آن طوری که انسان میشوند حالا ما اطلاع خیلی دقیقی نداریم این کسانی که به نام اسلام با شکل تعصب آمیزی در برخی از کشورها اخیراً در عراق و قبلاً در برخی از جاهای دیگر ظهور و بروز پیدا کردند خیلی هم پایبند به احکام و شرایع دینی و وظایف دینی شخصی هم نیستند؛ اما آنچه مسلم است کلی قطعاً صد و هشتاد درجه در جهت مخالف اسلام در جهت حرکت میکنند. اسلام همراهی با دشمنان دین را ولایت دشمنان دین را ولایت مستکبرین را جزو چیزهایی دانسته است که مؤمن باید از آن بر کنار باشد.

#### اسلام مرعوب از دشمنان

اگر میبینید کسانی با نام اسلام در مقابل دشمنان اسلام کوتاه می آیند، به خاطر این است که آنان اسمشان، اسم اسلام است ولی باطنشان از اسلام خبری ندارد. و علوم بعضی از این مرتجعان منطقه این مسلمان نامها این مدعیان مسلمانی با نیرنگهای گوناگون برای فریب دادن اذهان ملتها، اسم اسلام و ادعای آن را بر زبان جاری میکنند ولی از اسلام خبری ندارند معلوم است که این گونه کسان در مقابل قدرت، کفر متزلزل و مرعوب میشوند؛ اما اسلام واقعی و ناب در مقابل هیچ چیز مرعوب نمیشود و هیچ چیز نمیتواند او را شکست بدهد.

### شاخه ها و مصادیق اسلام آمریکایی

اسلام آمریکایی در زمان ما و در زمان امام و در همه ی زمانها - تا آنجایی که ما میشناسیم، ممکن است در آینده هم همین جور باشد - دو شاخه بیشتر ندارد یکی اسلام سکولار یکی اسلام متحجر؛ لذا امام آن کسانی را که تفکر سکولاری داشتند - یعنی دین را جامعه را رفتار اجتماعی انسانها را جدای از اسلام میخواستند - همواره در ردیف کسانی گذاشت که نگاه متحجرانه ی به دین داشتند؛ یعنی نگاه عقب افتاده ی غیر قابل فهم برای انسانهای نواندیش و متعصبانه ی بر روی مبانی غلط، تحجر؛ هر دوی اینها را امام در کنار هم همواره ذکر کرده است. امروز که شما نگاه میکنید میبینید هر دو نمونه ی اسلام در دنیای اسلام وجود دارد هر دو هم مورد حمایت قدرتهای قلدر دنیا و مورد حمایت آمریکا است. امروز هم جریان منحرف داعش و القاعده و امثال اینها مورد حمایت آمریکا و اسرائیلند هم بعضی از جریانهای به نام اسلام و بیگانه ی از عمل اسلامی و فقه اسلامی و شریعت اسلامی مورد حمایت آمریکا است.

### ب) خداپاوری و محاسبات معنوی

#### اعتماد به وعده ی خداوند و تلاش برای تحصیل رضایت الهی

یک شاخص دیگر در مشی امام و خط امام که خیلی مهم است مسئله ی محاسبات معنوی و الهی است. در باور به خدا امام مصداق این آیه ی شریفه بود: «الذین قال لهم الناس إن الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم إيماناً وقالوا حسبنا الله ونعم الوكيل حسبنا الله ونعم الوكيل را امام با همه ی وجود ادا میکرد و از بن دندان به آن معتقد بود. امام در تصمیمگیری های خود در تدابیر خود، محاسبات معنوی را در درجه ی اول قرار میداد یعنی چه؟ یعنی انسان برای هر کاری که میخواهد بکند در درجه ی اول هدفش کسب رضای الهی باشد؛ کسب پیروزی نباشد به دست گرفتن قدرت نباشد کسب وجاهت پیش زید و عمرو نباشد. هدف اول رضای الهی باشد. این یک بعد هم به وعده ی الهی اطمینان و اعتماد داشته باشد وقتی انسان هدفش رضای خدا بود به وعده ی الهی هم اعتماد و اطمینان داشت، آن وقت دیگر یاس معنا ندارد ترس معنا ندارد غفلت معنا ندارد، غرور معنا ندارد.

### تقوا در مسائل شخصی و اجتماعی

یکی از چیزهایی که در همین زمینه وجود داشت رعایت تقوای عجیب امام در همه ی امور بود تقوا در مسائل شخصی یک حرف است؛ تقوا در مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی و عمومی خیلی مشکل تر است خیلی مهم تر است خیلی اثر گذارتر است ما نسبت به دوستانمان نسبت به دشمنانمان چه میگوییم؟ اینجا تقوا اثر میگذارد ممکن است ما با یکی مخالف باشیم، دشمن باشیم؛ در باره ی او چگونه قضاوت میکنید؟ اگر قضاوت شما درباره ی آن کسی که با او مخالفید و یا او دشمنید غیر از آن چیزی باشد که در واقع وجود دارد، این تعدی از جاده ی تقواست آیه ی شریفه ای که اول عرض کردم تکرار میکنم: «یا أيها الذین آمنوا اتقوا الله وقولوا قولاً سدیداً، قول سدید، یعنی استوار و درست؛ این جوری حرف بزنیم. من میخواهم عرض بکنم به جوانان عزیزمان جوانهای انقلابی و مؤمن و عاشق امام که حرف میزنند مینویسند اقدام میکنند؛ کاملاً رعایت کنید. این جور نباشد که مخالفت با یک کسی ما را وادار کند که نسبت به آن کس از جاده ی حق تعدی کنیم، تجاوز کنیم، ظلم کنیم؛ نه ظلم نباید کرد به هیچ کس نباید ظلم کرد.

### ج) مردم باوری و اعتقاد راسخ به نقش مردم

#### اعتقاد به کرامت و کارساز بودن هویت انسانی

یکی از شاخص ها اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم است؛ هم کرامت انسان هم تعیین کننده بودن اراده ی انسان در مکتب سیاسی امام هویت انسانی هم ارزشمند و دارای کرامت است هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه ی ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره ی سرنوشت بشر و یک جامعه آرای مردم باید نقش اساسی ایفا کند.

### اعتقاد به مردم و مخالفت با تمرکزهای دولتی



اعتقاد به اراده ی مردم و نیروی مردم و مخالفت با تمرکزهای دولتی؛ این از جمله ی خطوط اصلی حرکت امام است. در آن روزها سعی میشد به خاطر یک برداشت نادرست همه ی کارهای اقتصادی کشور به دولت موقوف و وابسته شود؛ امام بارها و بارها هشدار میداد - و این هشدارها در بیانات ایشان به طور واضح منعکس است - که این مسائل را به مردم بسپارید؛ اعتماد به مردم داشت در مسائل اقتصادی اعتماد به مردم داشت در مسائل نظامی این را توجه کنند امام از اول پشتیبان ارتش بود؛ کسی که مانع از انحلال ارتش در کشور شد، شخص امام بود با وجود این نیروی سپاه را به وجود آورد.

### اعتقاد به ایمان ، شجاعت و باهوشی مردم ایران

در باور به مردم امام بزرگوار ملت ایران را به معنای حقیقی کلمه میشناخت امام اعتقاد داشت که این ملت، ملتی است با ایمان عمیق، باهوش و شجاع که اگر پیشوایان لایقی در میان آنها پیدا شوند، این ملت میتواند مثل خورشید در میدان های مختلف بدرخشد؛ امام این را قبول داشت. اگر یک روز عنصر نالایقی مثل شاه سلطان حسین موجب شد که ملت ایران در لاک خود فرو بروند اما در روز دیگری مرد شجاعی مثل نادر قلی بدون آن القاب و عناوین وقتی در میان مردم ظاهر میشود و با شجاعت پیشوایی مردم را به عهده میگیرد این ملت میتواند میدان حرکت افتخار آمیز خود را از دهلی تا دریای سیاه گسترش دهد؛ این را امام در تاریخ دیده بود، نظائر آن را مشاهده کرده بود و اعتقاد و ایمان به این مطلب داشت؛ ملت ایران را میشناخت به ملت ایران اعتماد داشت.

### چند مثال برای مردم باوری امام و مقایسه ی آن با غرب

در هیچ انقلابی در دوران انقلاب ها که نیمه ی اول قرن بیستم دوران انقلاب های گوناگون است؛ در شرق و غرب دنیا انقلاب های مختلفی با شکل های مختلف به وجود آمد سابقه ندارد که دو ماه بعد از پیروزی انقلاب یک فراندوم عمومی برای انتخاب شیوه ی حکومت و نظام حکومتی انجام بگیرد؛ اما به همت امام در ایران این اتفاق افتاد هنوز یک سال از انقلاب نگذشته بود که قانون اساسی تدوین و تصویب شد. در آن ماه های اول که تدوین قانون اساسی هنوز انجام نشده بود و تأخیر افتاده بود، یادم هست یک روز امام ماها را خواستند، رفتیم قم - آن وقت ایشان هنوز قم بودند با اوقات تلخی گفتند که قانون اساسی را زودتر تدوین کنید. آن وقت انتخابات مجلس خبرگان راه افتاد و مردم خبرگان را برای تدوین قانون اساسی انتخاب کردند.

### د) خودباوری و اعتقاد به «ما میتوانیم»

در باور به خود اعتماد به نفس امام به مردم ایران ما میتوانیم را تعلیم داد امام قبل از آنکه ما میتوانیم را به مردم ایران تلقین کند و تعلیم دهد ما میتوانیم را در وجود خود زنده کرد؛ اعتقاد خود را به توانایی شخصیتی خود به معنای حقیقی کلمه به مظهر بروز و ظهور رساند. در روز عاشورای سال چهل و دو امام در عین غربت در میان طلاب و مردم قم در مدرسه ی فیضیه محمدرضا شاه را که با اتکای آمریکا و قدرت های خارجی به طور بی قید و شرط و بی مهاری بر کشور حکومت میکرد تهدید کرد که اگر اینجور حرکت کنی این راه را ادامه دهی من به مردم ایران خواهم گفت تو را از ایران بیرون کنند این را چه کسی میگوید؟ یک روحانی ساکن در قم، بدون سلاح بدون تجهیزات بدون پول بدون پشتوانه ی بین المللی فقط به اتکای ایمان به خدا و اعتماد به نفس که میتواند در این میدان بایستد. آن روزی که امام از تبعید برگشت در همین بهشت زهرا دولت بختیار را تهدید کرد و با صدای بلند گفت من توی دهن دولت بختیار میزنم، من دولت تعیین میکنم این اعتماد به نفس بود امام به خود و به نیروی خود و به تواناییهای خود ایمان و باور داشت همین باور به خود در عمل امام در گفتار امام به ملت ایران منتقل شد.

### خودباوری در علم و پویایی علمی

این ملت بر اثر انقلاب اسلامی و نظام اسلامی به خودباوری دست یافت یعنی باور کرد که میتواند این را امام به ما درس داد و فضای عمومی نظام اسلامی این را برای ما به ارمغان آورد. امروز جوان ما دانشجوی ما استاد ما پژوهشگر ما صنعتگر و سازنده ی ما باور دارد که میتواند این خودباوری در علم به ما کمک کرد. ما امروز در میدان علم پیشرفتهای زیادی کرده ایم؛ اما هنوز عقبیم. هیچ کس خیال نکند که چون در میدان علم پیشرفت کرده ایم به مقصد رسیده ایم و دیگر بس است؛ نه ما را خیلی عقب نگه داشته اند؛ ولی ما پیشرفت کرده ایم و در این بیست و پنج سال خیلی جلو آمده ایم طبق آمار، در دوران انقلاب، نسبت پیشرفت علمی ما از همه ی دنیا بالاتر و بیشتر بوده است. در زمینه ی علم؛ ببینید ما یک حرکت پرشتابی را از حدود ۱۰ سال ۱۱ سال پیش به این طرف در زمینه ی علم داریم؛ یک حرکت خوبی شروع شده و آنطور که من دارم میبینم و گزارشها را ملاحظه میکنم این حرکت روز به روز هم بیشتر شده، یعنی آن روز اولی که ما مسئله ی استغنائی علمی و شکستن مرزهای علم و نهضت نرم افزاری را

مطرح کردیم خود بنده هم باور نمی‌کردم که این همه ظرفیت برای پیشرفت و سرعت پیشرفت وجود داشته باشد؛ بعد ناگهان دیدیم واقعا از اطراف مثل چشمهای جوشید الان شما نگاه کنید مراکز تحقیقاتی ما پارکهای علمی - فناوری ، ما دانشگاه های ما در بخشهای مختلف در حال جوششند؛ این باید متوقف نشود.

## ه) استقلال و آزادی

هنر بزرگ امام بزرگوار ما این بود که چارچوب محکمی را برای این انقلاب به وجود آورد و نگذاشت این انقلاب در هاضمه ی قدرت ها و جریان های سیاسی مسلط هضم شود. شعار «ته شرقی نه غربی جمهوری اسلامی یا شعار استقلال، آزادی جمهوری اسلامی که تعالیم امام و خط اشاره ی انگشت ایشان در دهان مردم انداخت معنایش این بود که این انقلاب متکی به اصول ثابت و مستحکمی است که نه به اصول سوسیالیسم اردوگاه آن روز شرق ارتباطی دارد نه به اصول سرمایه داری لیبرال اردوگاه غرب علت اینکه شرق و غرب با این انقلاب دشمنی کرده اند و سرسختی نشان داده اند همین بود. این شعار معروف استقلال ، آزادی، جمهوری اسلامی ، تقریباً نوعی حرکت از خاص به عام است، یعنی ذکر عام بعد از خاص است؛ اول میگوییم «استقلال»، بعد میگوییم «آزادی». استقلال بخشی از آزادی است.

### استقلال آزادی در مقیاس یک ملت

یکی دیگر از نقاط اصلی و خطوط اصلی تفکر امام مسئله ی استقلال کشور ردّ سلطه پذیری است؛ این هم یکی از سرفصل های مهم است من سال گذشته در همین جلسه به مستمعین آن سال عرض کردم استقلال یعنی آزادی در مقیاس یک ملت این معنای استقلال است. اینکه بعضی در زبان یا در شعار دنبال آزادیهای فردی باشند اما علیه استقلال کشور حرف بزنند این یک تناقض است. چطور ممکن است آزادی فردی اشخاص محترم باشد، اما آزادی یک ملت آزادی در مقیاس یک کشور، در مقابل تحریم های مخالفان و بیگانگان محترم نباشد.

شعار استقلال، یکی از مهم ترین شعارهاست. اگر استقلال نباشد، یک ملت به آزادی خود و به شعار آزادی خود هم نمیتواند خوش بین باشد. معنی استقلال چیست؟ استقلال یعنی اینکه یک ملت بتواند بر سرنوشته خود مسلط باشد.

یکی از مهم ترین بخش های تشکیل دهنده هویت انقلاب، استقلال و هویت ملت ایران بود، چیزی که در طول دوران ۵۰ ساله حکومت پهلوی و در حدود پنجاه سال قبل از آن در حکومت قاجار، بكل لگدمال شده بود.

### آزادی فردی

در فرهنگ غربی که قانون مرز آزادی را معین میکند این قانون ناظر به مسائل اجتماعی است؛ بدین معنی که قانون میگوید آزادی هیچ انسانی نباید آزادی دیگران را تهدید کند و منافع آنها را به خطر بیندازد؛ در اسلام مرز فقط این نیست یعنی قانونی که آزادی انسان را محدود میکند به انسان میگوید که استفاده ی از آزادی علاوه بر اینکه باید آزادی دیگران را به خطر نیندازد و منافع جامعه را و دیگران را تهدید نکند، باید منافع خود او را هم خود انسان و خود آن شخص را به خطر نیندازد. قوانین بشری برای انسان تا آنجایی که هیچ گونه کار او رابطه ای با جامعه نداشته باشد تکلیفی معین نمیکند، توصیه چرا اما تکلیف و الزام نه اسلام و ادیان الهی علاوه بر اینکه به فکر حفظ حقوق و آزادیهای دیگران هستند و میگویند یک انسان نباید به بهانه ی آزاد بودن حقوق دیگران را تهدید کند و به خطر بیندازد همچنین میگویند که یک انسان به بهانه ی آزاد بودن و اختیار داشتن حق ندارد و نمیتواند منافع شخص خودش را هم به خطر بیندازد خود او هم نباید از قبل آزادی او ضرر ببیند؛ لذا ضرر زدن به خود در اسلام ممنوع است خودکشی ممنوع است بر اساس فکر اسلامی هیچ کس نمیتواند بگوید که من آزادم پس اموال خودم را از بین میبرم جان خودم را نابود میکنم یا به سلامتی خودم ضرر میزنم؛ او همان طور که موظف است که با حرکات خود و اعمال خود و رفتار خود و گفتار خود حقوق دیگران و آزادی آنها را محدود نکند و به خطر نیندازد موظف است آزادی خود و حدود خود و حقوق خود را هم به خطر نیندازد. این یک مرز اساسی و اصلی بین آزادی از دیدگاه اسلام و آزادی از دیدگاه های دیگر و در فرهنگ های بشری است.

### و) استکبارستیزی و دفاع از حقوق ملت و مظلومان

#### صراحت در مقابله با مستکبران و دفاع از مظلومان

امام صریحاً در جبهه ی مخالف قلدان بین المللی و مستکبران قرار داشت هیچ ملاحظه ای نمی‌کرد. این است که امام در مقابله ی میان قلدان و مستکبران و قدرتهای زورگوی عالم با مظلومان در جبهه ی مظلومان بود؛ صریح و بدون ملاحظه و بی تقیه این را بیان میکرد طرفدار جدی مظلومان جهان بود. امام با مستکبرین سر آشتی نداشت. واژه ی «شیطان بزرگ برای آمریکا یک ابداع عجیبی از سوی امام بود. امتداد معرفتی و عملی این تعبیر شیطان بزرگ خیلی زیاد است. وقتی شما یک کسی را یک دستگاهی را شیطان

دانستید، معلوم است که باید رفتار شما در مقابل او چگونه باشد، باید احساسات شما نسبت به او چگونه باشد؛ امام تا روز آخر نسبت به آمریکا همین احساس را داشت؛ عنوان شیطان بزرگ را هم به کار میبرد هم از بن دندان اعتقاد به این معنا داشت. در مقابل از اول انقلاب کسانی بودند که توجه نمیکردند که آمریکا عقبه ی تغذیه کننده ی رژیم طاغوتی است که به وسیله ی ملت ایران بر افتاد ملت ایران رژیم طاغوت را ساقط کردند، اما کسانی بودند آن روز که با حضور آمریکاییها با فعالیت آنها - حتی فعالیت برخی از نهادهای آمریکایی - در داخل کشور موافق بودند اختلاف عمده ی دولت موقت با امام بزرگوار سر این قضیه بود؛ ما از نزدیک میدیدیم آنها توجه نمیکردند که آمریکا تغذیه کننده ی رژیم طاغوت بود؛ این رژیم حالا برافزاده است. اما آن دستگاه تغذیه کننده هنوز باقی است فعال است اگر به او میدان داده شود مجال داده شود دوباره مشغول خواهد شد و ضربه خواهد زد و نقاط ضعف را جستجو خواهد کرد و از آن نقاط ضعف وارد خواهد شد؛ این را توجه نمیکردند.

### بی اعتمادی به مستکبران

به دل خوش کنک های دشمنان مستکبران قدرتهای جهانی مطلقاً نباید اعتماد کرد؛ این هم در عمل امام در رفتار امام در بیانات امام به طور کامل مشهود است. این اتکال به قدرت پروردگار و اعتماد به او موجب میشد که امام بزرگوار در مواضع انقلابی خود صریح باشد امام با صراحت صحبت میکرد؛ آنچه را مورد اعتقاد او بود صریح بیان میکرد، چون اتکا به خدا داشت نه اینکه نمیدانست قدرتها بدشان می آید نه اینکه نمیدانست آنها عصبانی میشوند میدانست اما به قدرت الهی به کمک الهی به نصرت الهی باور داشت. در برابر حوادث دچار رودربایستی نشد؛ به یکی از نامه ها - امام شاید به دو نامه از نامه های سران مستکبر دنیا یا وابستگان به مستکبر - که به او نوشته بودند جواب داد امام به آن نامه با صراحت تمام مطلب را جواب داد که همان وقت در صداوسیما جمهوری اسلامی پخش شد. البته امام مؤدبانه حرف میزد اما مواضع قاطع و روشن خود را در آن نامه ها بیان کرد و این توکل خود را امام مثل خونی در شریان ملت جاری کرد؛ ملت هم اهل توکل به خدای متعال شد به نصرت الهی معتقد شد و در این راه وارد شد.

### شجاعت در برابر هیبت دشمن

وقتی امام بزرگوار این حرکت عظیم را به وجود آورد، یک عامل عمده ی آن شجاعت امام بود؛ و الا خیلی ها بودند که تقوا داشتند و مردمان مؤمن و باخدا بودند؛ اما شجاعت لازم را نداشتند. اگر شجاعت نباشد انسان مرعوب میشود و دشمن از همین نقطه ی ضعف استفاده میکند. شجاعت در برابر هیبت، دشمن جزو شاخصهاست. در مقابل دشمن اگر مسئولین کشور احساس رعب و خوف بکنند بر سر ملت بلاهای بزرگ خواهد آمد. آن ملتهایی که ذلیل و مهجور دست دشمن شدند عمده ی علت این بود که مسئولان پیشروان قافله ی ملت شجاعت لازم اعتماد به نفس لازم را نداشتند. گاهی در بین آحاد مردم عناصر مؤمن، فعال فداکار آماده ی به جانپازی هستند منتها مسئولین و رؤسا وقتی خودشان این آمادگی را ندارند نیروهای آنها هم از بین میروند.

### دفاع شجاعانه از حقوق ملت

از حقوق ملت، دفاع شجاعانه کردن یک شاخص است؛ مثل همین حق هسته ای؛ مسئله ی هسته ای این یکی از ده ها نیاز کشور ماست؛ تنها مسئله ی ما نیست؛ اما وقتی دشمن روی این نقطه متمرکز شد ملت هم ایستادگی کرد. در این نقطه ای که دشمن روی او تمرکز پیدا کرده است، اگر ملت عقب نشینی کند اگر مسئولین عقب نشینی کنند و از این حق قطعی و روشن صرف نظر کنند بدون تردید راه برای دست اندازی به حقوق ملی برای دشمن باز خواهد شد. در زمینه ی سیاست بین الملل... ملت ایران یک ملت صلح طلب است. ملت ایران سر ستیزه گری با هیچ ملتی را ندارد. شما ببینید در تاریخ جمهوری اسلامی و حتی در تاریخ گذشته ی ملت ایران همیشه جنگهایی که اتفاق افتاده است ملت ایران در موضع دفاع از مرز خود از حقوق خود و از استقلال خود بوده.

### ز) عدالت اجتماعی و حمایت از محرومان و مستضعفان

از مشخصه های خط امام عدالت اجتماعی و کمک به طبقات مستضعف و محروم است که امام آنها را صاحب انقلاب و صاحب کشور میدانست امام پابرهنگان را مهمترین عنصر در پیروزی های این ملت میدانست؛ همین طور هم هست و همان طور که گفتیم امام به گفتن هم اکتفا نکرد. امام از همان اول انقلاب جهاد سازندگی کمیته امداد بنیاد مستضعفان بنیاد پانزده خرداد و بنیاد مسکن را به وجود آورد و دستورات مؤکد به دولتهای وقت داد عدالت اجتماعی، جزو شعارهای اصلی است.

### اهمیت عدالت در پیشرفت کشور



ما مثل بعضی از کشورها و نظام های دنیا فقط به پیشرفت فکر نمیکنیم؛ ما پیشرفت را همراه با عدالت می‌خواهیم خیلی از کشورها هستند که از لحاظ علمی پیشرفت کرده اند و به آمارها و شاخص های اقتصادی آنها که نگاه میکنیم ملاحظه میکنیم که مثلاً درآمد سرانه ی آنها خیلی هم بالاست؛ اما مسئله ی مهم این است که این درآمد سرانه در میان ملت چه جور تقسیم میشود.

### ح) ساده زیستی و اجتناب از اشرافیگری

عزیزان من یکی از شعارهای ما قبل از پیروزی انقلاب نه شعارهای انقلاب شعارهای دوستانه ی خودمان در مجموعه ی رفاقتی و مجموعه هایی که با هم بودیم با هم فکر میکردیم و کار و مبارزه میکردیم ساده زیستی بود؛ زندگی ساده و کمتر بهره بردن از جلوه های دنیا بعد که انقلاب پیروز شد سعی کردیم باز هم همین روش همین شعار و همین مبنا را دنبال کنیم.

### ط) جهانی دانستن نهضت

یک نقطه ی دیگر از نقاط روشن خط امام جهانی بودن نهضت است. امام نهضت را جهانی میدانست و این انقلاب را متعلق به همه ی ملت‌های مسلمان بلکه غیر مسلمان معرفی میکرد. امام از این ابایی نداشت این غیر از دخالت در امور کشورهاست که ما نمیکنیم؛ این غیر از صادر کردن انقلاب به سبک استعمارگران دیروز است که ما این کار را نمیکنیم اهلس نیستیم؛ این معنایش این است که بوی خوش این پدیده ی رحمانی باید در دنیا پراکنده شود، ملتها بفهمند که وظیفه شان چیست ملت‌های مسلمان بدانند که هویتشان چگونه است و کجاست یک نمونه ی این نگاه جهانی موضعگیری امام در باب فلسطین است. امام صریحاً فرمود: اسرائیل یک غده ی سرطانی است. خوب غده سرطانی را چه کار میکنند؟ غیر از قطع غده، چه علاجی میتوان برای آن کرد؟ امام ملاحظه ی کسی را نکرد منطقی امام این بود این حرف شعاری نیست؛ این منطقی است فلسطین یک کشور تاریخی است. در طول تاریخ، کشوری وجود داشته است به نام فلسطین....

### ی) حفظ ارتباط با ملت‌های مسلمان

در نگاه به مسائل منطقه انسان متوجه یک موضوعی میشود و آن عمق راهبردی جمهوری اسلامی در این مناطق است. یک جاهایی یک حوادثی است که میتواند مثل ریشه و مایه ی استحکام یا ریمان های نگهدارنده ی خیمه برای داخل کشور به حساب بیاید؛ اینها عمق راهبردی است.

### ک) داشتن جاذبه و دافعه بر اساس مکتب

یک شاخص دیگر در برنامه ی امام و خط امام و راه مستقیم امام، مسئله ی جاذبه و دافعه ی امام بود. انسان‌های بزرگ جاذبه و دافعه شان هم میدان وسیع و گسترده ای دارد. همه جاذبه و دافعه دارند شما با رفتار خودتان یکی را به خودتان علاقه مند و متمایل میکنید یکی هم از شما میرنجد؛ این جاذبه و دافعه است. اما انسان‌های بزرگ جاذبه شان یک طیف وسیعی را به وجود می آورد؛ دافعه ی آنها هم همین طور، یک طیف عظیمی را به وجود می‌آورد جاذبه و دافعه ی امام تماشایی است. آنچه که مبنا و معیار جاذبه ی امام و دافعه ی امام بود باز مکتب بود اسلام بود؛ درست همان طوری که امام سجاد اسلام الله علیه در دعای صحیفه سجاده دعای ورود در ماه رمضان به خداوند متعال عرض میکنند. مکرر عرض کرده ایم که دعا‌های امام سجاد واقعا جزو برترین گنجینه های معارف اسلامی است.

### ل) وحدت

یکی دیگر از خطوط اصلی تفکر امام و راه امام و خط امام... مسئله ی وحدت ملی است و توجه به توطئه های تفرقه افکن؛ چه تفرقه ی بر اساس مذهب شیعه و سنی؛ چه تفرقه ی بر اساس قومیت ها، فارس و عرب و ترک و کرد و لر و بلوچ و امثال اینها. تفرقه افکنی یکی از سیاست‌های قطعی دشمن بود و امام بزرگوار ما از اول بر روی وحدت ملی و اتحاد آحاد ملت یک تکیه ی کم نظیر داشت که این یکی از خطوط است. امروز ما این خط را هم باید دنبال بکنیم. امروز شما مبینید در دنیا مسئله ی تفرقه ی دنیای اسلام یکی از سیاست‌های اصلی استکبار است. آمریکایی ها کارشان به آنجا رسیده است که حالا دیگر اسم شیعه و سنی می آورند؛ اسلام شیعه اسلام سنی از یکی حمایت میکنند، به یکی حمله میکنند. در حالی که جمهوری اسلامی ایران از اول نسبت به این مسئله ی اختلاف مذهبی یک نگاه کاملاً یکسانی داشت. ما با برادران فلسطینیان که سنی اند همان جور عمل کردیم که با برادران حزب الله لبنان که شیعه هستند عمل کردیم. همه جا یک جور عمل کردیم نگاه امام بزرگوار ما در داخل کشور این بود در دنیای اسلام نگاه جمهوری اسلامی نگاه امت ساز است امت اسلامی مورد نظر است.

### م) پاسداری از ارزش ها با تبیین صحیح ولایت فقیه

شاخص مهم دیگر مکتب سیاسی امام بزرگوار ما، پاسداری از ارزش هاست که مظهر آن را امام بزرگوار در تبیین مسئله ی ولایت فقیه روشن کردند از اول انقلاب اسلامی و پیروزی انقلاب و تشکیل نظام اسلامی بسیاری سعی کرده اند مسئله ی ولایت فقیه را نادرست بد و برخلاف واقع معرفی کنند؛ برداشت های خلاف واقع و دروغ و خواسته ها و توقعات غیر منطبق با متن نظام سیاسی اسلام و فکر سیاسی امام بزرگوار اینکه گاهی میشتنود تبلیغاتچی های مجذوب دشمنان این حرفها را میپراکنند مربوط به امروز نیست.

## ن) مجاهدت و شهادت

مسئله ی ارزش جهاد و شهادت یکی دیگر از شاخص هاست. ارزش مجاهدت مقام والای شهادت از جمله ی چیزهایی بود که به وسیله ی عناصری کسائی دست هایی زیر سؤال رفت جهاد را زیر سؤال بردند شهادت را زیر سؤال بردند. این یکی از شاخص هاست؛ باید برجسته شود. احترام به شهیدان مجاهدان بایستی جزو بخشهای برجسته ی احترام به جهاد و م پرچم جمهوری اسلامی قرار بگیرد جمهوری اسلامی به جهاد و شهادت شناخته میشود.

## فصل دوم

### اهمیت حفظ سیرت انقلاب

#### الف) اهمیت سیرت نظام در اثر بخشی و دوام صورت نظام

همیشه در دل ساخت، حقوقی یک ساخت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی در حکم جسم است؛ در حکم قالب است آن هويت حقیقی در حکم روح است؛ در حکم معنا و مضمون است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند نه فایده ای خواهد داشت نه دوامی خواهد داشت؛ مثل دندانی که از داخل پوک شده ظاهرش سالم است؛ با اولین برخورد با یک جسم سخت در هم میشکنند. آن ساخت حقیقی و واقعی و درونی مهم است؛ او در حکم روح این جسم است... اگر ما از اخلاق اسلامی دور شدیم اگر عدالت را فراموش کردیم شعار عدالت را به انزوا انداختیم، اگر مردمی بودن مسئولان کشور را دست کم گرفتیم اگر مسئولین کشور هم مثل خیلی از مسئولین کشورهای دیگر به مسئولیت به عنوان یک وسیله و یک مرکز ثروت و قدرت نگاه کنند اگر مسئله ی خدمت و فداکاری برای مردم از ذهنیت و عمل مسئولین کشور حذف شود.

#### ب) حفظ سیرت عامل اوج گرفتن نظام

عین همان چیزی که در مورد یک شخص ممکن است پیش بیاید یعنی فساد و انحراف در یک نظام هم ممکن است پیش ... بیاید. در یک نظام حکومتی یک نظام سالم یک نظام اسلامی همین بیماری ای که اشخاص ممکن است دچارش بشوند ممکن است به سراغ نظام اسلامی بیاید، به سراغ جمهوری اسلامی بیاید. اسم جمهوری اسلامی باشد، ظاهر اسلامی باشد. صورت صورت اسلامی باشد.

#### ج) حفظ سیرت؛ لازمه ی حفظ منافع و رساندن ملت به آرمان ها

شما وضعیت امروز آمریکا را در خاورمیانه نگاه کنید پانزده سال قبل او را هم نگاه کنید و ببینید وضع آمریکا در خاورمیانه چه جوری است؛ روز به روز منفورتر روز به روز ذلیل تر ناکام تر؛ در مسئله ی فلسطین یک جور در مسئله ی لبنان یک جور در قضایای عراق و افغانستان یک جور آمریکا در طرحهای خودش در خاورمیانه که عمدتاً هم آماج هدف این طرحها جمهوری اسلامی بود؛ بیش از آنچه که آن کشورها باشند ناکام مانده ضربه خورده و جمهوری اسلامی توانست بایستد و مقاومت کند خوب البته توطئه ها زیاد بوده؛ دهه ی اول انقلاب یک جور و دهه ی دوم و سوم انقلاب توطئه های گوناگونی بود تفاسیلش را نمیرسم عرض کنیم؛ وقت میگذرد اما نکته ی اصلی که هم دانشجوها هم دانشگاهیان عزیز هم همه ی احاد ملت بخصوص نخبگان و هوشمندان باید به او توجه کنند این است که نظام جمهوری اسلامی این توانایی و این اقتدار ذاتی را دارد؛ همچنانی که تا امروز در طول این سی سال توانسته ایستادگی کند آنها همه ی همتشان این بود که جمهوری اسلامی را نابود کنند و از بین ببرند؛ اما نه فقط نابود نشد بلکه روز به روز در بخشهای مختلف قوی تر شد.

این توانایی ماندن این اقتدار این ظرفیت بقا بایستی حفظ شود. این جور نیست که ما هر جور عمل کنیم ولو بی تفاوت ولو با عدم توجه به وظایف حساس و مهم بازهم همین ظرفیت مقاومت باقی بماند؛ نه، بایستی نظام جمهوری اسلامی را به معنای حقیقی کلمه اش حفظ کرد تا بتوان از منافع این ملت از منافع این کشور این ملت را بهره مند کرد؛ تا بتوان این ملت را به اوج ترقی و آرزوها و آرمان های خودش رساند.

#### د) حفظ سیرت؛ عامل اقتدار و حل مشکلات جامعه

نکته این است که باید همه مراقب باشیم که نظام جمهوری اسلامی که نظام اسلامی است نظام دینی است، مفتخر به این است که در قالب احکام دین و اسلام و قرآن میخواید حرکت کند تبدیل نشود به یک نظام بی اعتقاد به دین؛ به قول آقایان یک نظام سکولار؛ باطن، سکولار ظاهر دینی؛ باطن مجذوب به فرهنگ غربی و قدرتهای مسلط بر آن فرهنگ و ظاهر شعائر دینی و مسائل دینی دم دستی این جوری نشود. نظام اسلامی باید به معنای واقعی کلمه اسلامی باشد و روز به روز به مبانی اسلام نزدیک تر شود؛ این است که گره های فروبسته را باز میکند این است که مشکلات را حل میکند این است که به جامعه عزت و اقتدار میدهد این است که طرفداران نظام جمهوری اسلامی را در همه جای دنیا بیشتر خواهد کرد.

#### ه) حفظ اصول انقلاب در فکر و عمل؛ عامل موفقیت

اگر کاوش کنیم خواهیم دید که ما در گذشته هر جا که توفیق داشته و موفق شده ایم به خاطر آن بوده است که به اصول انقلاب احترام گذاشته و آن را رعایت کرده ایم هر جا ناکامی داشته ایم به خاطر آن بوده است که کم و بیش از اصول الهی و اسلامی و انقلابی انحراف پیدا کرده ایم. پیشرفتهای ما به برکت اصول انقلاب است. البته دشمنان از خارج و ابادی آنها در داخل کوشش میکنند که عکس این را وانمود کنند. مودبانه و خبثت آلود مینویسند و تبلیغ میکنند که پایبندی های انقلابی، مشکل آفرین است نه این دروغ و افتراست.

#### و) حفظ معنای حقیقی جمهوری اسلامی؛ عامل اقتدار، عزت، رفاه دنیا و آبادی معنوی آخرت

جمهوری اسلامی به معنای حقیقی یعنی همان جمهوری اسلامی که امام رضوان الله تعالی علیه برای ما پایه گذاری کرد و به کشور ما هدیه داد میتواند همین خصوصیات را تأمین کند؛ اقتدار بین المللی را اقتدار سیاسی را عزت را، رفاه دنیا و آبادی معنوی آخرت را اما مراقب باشید یک نظام جمهوری اسلامی تقلبی نخواهند برای ما درست کنند؛ کاری که در ۱۰ سال گذشته هم بعضاً حرکتی انجام گرفت، اما خدای متعال مهار کرد؛ مردم بیدار بودند هشیار بودند اجازه ندادند میخواستند کارهایی بکنند، شعارهای امام را به موزه بسپارند؛ صریحاً میگفتند که اینها کهنه شده نه شعارهای انقلاب کهنه شدنی نیست؛ همیشه تازه است همیشه برای آحاد مردم جذاب است. شعاری که به نفع مستضعفین است شعاری که به نفع عزت ملی است، شعاری که در آن مقاومت و ایستادگی است این شعارها هیچ وقت کهنه نمیشود؛ برای هیچ ملتی کهنه نمیشود، برای نظام ما هم کهنه نخواهد شد.

#### ز) تغییر سیرت انقلاب؛ عامل نرسیدن به اهداف

اگر جهت گیری به سمت هدف ها در یک انقلاب در یک حرکت اجتماعی صیانت نشود و محفوظ نماند آن انقلاب به ضد خود تبدیل خواهد شد؛ در جهت عکس اهداف خود عمل خواهد کرد. لذا شما در قرآن ملاحظه میکنید که در سوره ی مبارکه ی هود خدای متعال به پیغمبرش میفرماید: «فاستقم كما أمرت ومن تاب معك ولا تطغوا إنه بما تعملون بصیر پیغمبر را امر میفرماید به استقامت استقامت یعنی پایداری؛ راه را مستقیم ادامه دادن در جهت درست حرکت کردن نقطه ی مقابل این حرکت مستقیم در این آیه ی شریفه طغیان قرار داده شده است؛ ولا تطغوا طغیان، یعنی سرکشی؛ منحرف شدن به پیغمبر میفرماید: هم تو شخصاً هم کسانی که همراه تو و با تو هستند، این راه را درست ادامه بدهید و منحرف نشوید؛ إنه بما تعملون بصیر. مرحوم علامه طباطبائی یزگوار در تفسیر المیزان میفرماید: لحن این آیه، لحن تشدد است؛ هیچ نشانه ی رحمت در این آیه نیست خطاب به خود پیغمبر است؛ من إفراد النبی بالذکر». در درجه ی اول خود پیغمبر را مخاطب قرار میدهد: «فاستقم». لذا این آیه به نحوی است که پیغمبر اکرم درباره ی سوره ی هود فرمودند: «شبیبتی سوره هود سوره ی هود مرا پیر کرد. این به خاطر همین آیه است. در روایت است که آن بخشی از سوره ی هود که پیغمبر میفرماید من را پیر کرد، همین آیه ی مبارکه است؛ به خاطر تشدید که در این آیه هست.

#### فصل سوم

#### عوامل ماندگاری سیرت انقلاب

#### الف) اسلامی و مردمی بودن انقلاب

دو خصوصیت از خصوصیات استثنایی این انقلاب را مطرح میکنم که همین دو خصوصیت بیشترین تأثیر را در وجهه ی این انقلاب در دنیا داشت؛ همچنان که بیشترین تأثیر را در پیروزی و ماندگاری انقلاب در کشور اسلامی داشت. همین دو خصوصیت بود که با گذشت چندین سال هنوز موجب شده است که در گوشه و کنار عالم به پیروی از این انقلاب و در پرتو آن از سوی کسانی حداقل حرکات و تحولات و تلاش هایی انجام بگیرد.



یکی از این دو خصوصیت عبارت بود از اینکه مبنای این انقلاب ارزشهای دینی و اخلاقی و معنوی بود و خصوصیت دیگر این بود که انقلاب بر پایه ی اراده و خواست مردم در تشکیل و اداره ی حکومت باقی ماند.

### ضرورت و معنای اسلامی بودن انقلاب

انقلاب ، انقلاب اسلامی است عده ای اصرار دارند که بگویند انقلاب ۵۷؛ اسم اسلام را نمیخواهند بیاورند از اسم اسلام میترسند از اسم انقلاب اسلامی میترسند. اسلام پایه و مایه و همه ی محتوای انقلاب ما است؛ البته اسلام ما اسلام ناب است اسلام وابسته ی به تفکرات انحرافی و غلط و عوامانه و ابلهانه ی افرادی مثل تکفیری ها نیست؛ اسلام مبتنی بر عقل و نقل اسلام عاقلانه اسلام متکی به قرآن اسلام متکی به معارف نبوی و معارف اهل بیت (علیهم السّلام) با تفکرات روشن با منطق قوی و روشن یک چنین اسلامی است. این است اسلام؛ اسلام قابل دفاع در همه ی محافل کاملاً به روز عالم، نظام اسلامی نظام اسلامی است در ظاهر و باطن؛ نه فقط نظام اسلامی در ظاهر صرف اینکه حالا یک شرایطی در قانون اساسی برای رئیس جمهور و برای رهبر و برای رئیس قوه ی قضائیه و برای شورای نگهبان و برای که و که معین شده؛ و چه و چه اینها کافی نیست؛ اگرچه اینها لازم است. انحراف در هدف ها در آرمانها در جهت گیری ها را باید مراقبت کرد که پیش نیلید... برای اینکه چنین حالتی پیش نیلید و برای برخورد با این انحراف میشود با برجسته کردن مرزهای اعتقادی و فکری و سیاسی جلوی این انحراف را گرفت. شاخص های هویت اسلامی بایستی معلوم باشد شاخص عدالت طلبی، شاخص ساده زیستی مسئولان شاخص کار و تلاش مخلصانه شاخص طلب و پویایی علمی بی وقفه شاخص ایستادگی قاطع در مقابل طمعورزی و سلطه ی بیگانگان شاخص دفاع از حقوق ملی. اصلی ترین عنصر تشکیل دهنده ی نظام عبارت است از اسلام گرایی و تکیه بر مبانی مستحکم اسلامی و قرآنی خیلی ها از این حقیقت بسیار مؤثر غفلت کردند؛ اما راز پیروزی انقلاب در این نکته بود؛ چون ملت ایران از اعماق قلب به اسلام معتقد و مؤمن و وابسته بود و هست.

### ضرورت و معنای مردمی بودن انقلاب

یکی از بزرگترین افتخارات انقلاب ما مردمی بودن و مردمی ماندن است. این نعمت بزرگی است که باید آن را پاس داشت و قدر دانست. مردمی بودن حکومت اسلامی به دو معنا است یکی این است که مردم در اداره ی حکومت و تشکیل حکومت و تعیین حاکم و شاید در تعیین رژیم حکومتی و سیاسی نقش دارند. مردمی بودن حکومت یعنی نقش دادن به مردم در حکومت.

### ب) امام و یاران شهیدش

آری، امام عزیز و بزرگ ما اکنون در میان ما نیست؛ همان طور که شهدا در میان ما نیستند اما هم او و هم آنان در ذهن و دل ما در راه زندگی ما و در صراط مستقیم انقلاب ما حاضر و زنده و فعال است اثر وجود آن بزرگمرد و یاران شهیدش تنها به دوران زندگیشان متعلق نبود؛ همچنان که فقط به ایران اختصاص نداشت امروز به برکت وجود و عمر مبارک او و آنان اسلام روز به روز درخشان تر میشود و ابر غلیظ تحریف ها و جهالت ها و فتنه ها ناپایدار تر و ضعیف تر میگردد. سیره ی امام بزرگوار فقط بیان شخصیت یک انسان نیست؛ بلکه راهنمای عمل همه ی ملت ایران و مسلمانان جهان است؛ راهنمای عمل همه ی کسانی است که میخواهند در سایه ی اسلام برای خود زندگی شایسته ی انسانی فراهم کنند. البته ملت ایران بیش از دیگران مخاطب این سخنان است؛ زیرا بار امانتی که بر دوش ماست یعنی حفظ دستاورد عظیم این انقلاب یک ویژگی برای ملت ایران است. با حفاظت از این ذخیره ی عظیم باید شکر این نعمت را بگذاریم. این بعد از شخصیت امام عبارت است از اینکه امام در ساخت و مهندسی نظام جمهوری اسلامی همه ی عناصر و اجزایی را که میتوانست این نظام را استوار و ماندگار کند مورد ملاحظه قرار داد و با مهارت تمام این عناصر اصلی را در درون این بنای شامخ و مستحکم کار گذاشت.

### ج) فراموش نکردن اهداف انقلاب با گذر زمان

انقلاب یک حادثه ی دفعی نیست؛ انقلاب یک دگرگونی است؛ این دگرگونی بتدریج انجام میگردد. بله، حرکت انقلابی در اول لازم است تشکیل نظام انقلابی لازم است اما تا وقتی که این انقلاب بتولند پایه های خود را محکم کند و اهداف خود را تحقق ببخشد تدریج وجود دارد، مرور زمان لازم دارد. اگر چنانچه آن هدف ها از یاد رفت آن حادثه فراموش شد آن وقت آن جوری میشود که در خیلی از کشورهای بظاهر انقلابی دیده شد؛ بعضی انقلابها در نطفه خفه شد مثل همین هایی که در زمان ما همین چند سال اخیر اتفاق افتاد و واقعا در نطفه خفه شد بعضی هم بعد از به دنیا آمدن جوانمرد شدند. علتش همین بود؛ علتش انحراف بود از هدف هایی که اعلام شده بود. آن هدفها بایستی باقی

بمانند؛ هدف عدالت اجتماعی، هدف تحقق زندگی اسلامی به معنای واقعی که عزت دنیا و آخرت در زندگی اسلامی است هدف تشکیل یک جامعه ی اسلامی که در آن جامعه هم علم هست هم عدل هست، هم اخلاق هست هم عزت هست هم پیشرفت هست.

#### د) نگاه جامع به منظومه ی اسلام ناب و انقلاب

انقلاب اسلامی با همه ی انقلابهای دیگر متفاوت است؛ نه یک انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگی است نه یک انقلاب صرفاً اقتصادی است نه یک انقلاب صرفاً سیاسی است؛ یک انقلاب همه جانبه است. مثل خود اسلام است همانطوری که اسلام ابعاد معنوی و اخلاقی دارد ابعاد الهی دارد، در عین حال ناظر به زندگی مردم است؛ بعد اقتصادی بعد سیاسی، بعد اجتماعی در اسلام وجود دارد؛ انقلاب اسلامی هم دارای ابعاد مختلف بود و راز ماندگاری انقلاب اسلامی و روز به روز زنده تر شدن این انقلاب در سطح منطقه و جهان، همین ابعاد گوناگون آن است که با نیازهای بشر متوازن و همراه است.

#### ه) تکیه ی صریح و شفاف بر مبانی انقلاب

آن چیزی هم که میتواند استقلال را تأمین بکند برای انقلاب اسلامی ما تکیه ی صریح و شفاف بر مبانی انقلاب است؛ اصول انقلاب، مبانی انقلاب ارزش های انقلاب، به شکل صریح و شفاف مورد تکیه باید قرار بگیرد. همچنان که امام بزرگوار این جور بود.

امام از اول شروع نهضت همه ی حرف خود را صریح بدون ابهام بیان کرد برای همین است که شما میبینید انقلاب بعد از گذشت سی و پنج سال بر اصول و مبانی و بر ریل حقیقی خود استوار و پایرجا است؛ انقلاب عوض نشد حرف خود را عوض نکرد راه خود را عوض نکرد هدفهای خود را عوض نکرد؛ خیلی مهم است انقلابها در مقابل طوفانهایی که بر آنها فرود می آیند مقاومت خودشان را از دست میدهند؛ خیلی ها با حرفشان را عوض میکنند یا راهشان را عوض میکنند یا اصلاً بکلی ناپود میشوند و از بین میروند. انقلاب اسلامی از اولی که پدید آمده است تا امروز اهداف مشخص خود را حفظ کرده به سمت این اهداف حرکت کرده به پیشرفتهای حیرت انگیز در بخش های مختلف نائل شده، خود را دارد از یک کشور و ملت فراموش شده ی بی تأثیر در دنیا به عنوان یک قدرت منطقه ای بزرگ و یک عنصر مؤثر در سیاستهای بین المللی به دنیا نشان میدهد. در اطراف دنیا، همه ی ملتها ملت ایران را به عنوان یک ملت شجاع یک ملت با صداقت، یک ملت هوشمند یک ملت مقاوم میشناسند. این همه هم علیه نظام اسلامی کار شده است تلاش شده است تبلیغات شده است؛ یک مدتی دستگاههای تبلیغاتی و سیاسی دشمنان ملت ایران تکیه ی خودشان را گذاشتند بر ایجاد ایران هراسی بعضی ها اسلام هراسی بعضی ها ایران هراسی - [اما] محبوبیت ملت ایران در میان ملتهای دنیا بیشتر شد امروز نه فقط آحاد عمومی ملتها بلکه نخبگان بی غرض دنیا هم همین جورند؛ اظهار نظرهایشان را نگاه کنید قضاوتشان درباره ی ملت ایران این است ملت با استقامت ملت هوشمند ملت صبور.

#### و) رعایت قانون اساسی؛ راه جلوگیری از نفوذ دشمن

وظیفه ی ما این است که از هویت، انقلاب اساس انقلاب و اساس این نظام دفاع کنیم و این نخواهد شد جز اینکه در نظر داشته باشیم که وظایف ما در این قانون اساسی بحمد الله مترقی و جامع نمیگویم بی عیب و بی نقص؛ اما قطعاً جزو جامع ترین و کاملترین قوانین اساسی ای است که امروز در دنیا وجود دارد.

#### ز) حفظ سلامت معنوی و تقوا؛ راه جلوگیری از آسیب دشمن

علی رغم همه ی آنچه که انجام گرفته است در این سه دهه؛ توطئه های گوناگون از مؤذی گریها و توطئه های براندازی و کودتا که در سالهای اول دهه ی اول انقلاب بود تا جنگ تحمیلی تا توطئه های به اصطلاح نرم از بعد از دهه ی اول و بعد از پایان جنگ به این طرف تا امروز ملت ایران و جمهوری اسلامی ثابت کرد که شایسته و لایق باقی ماندن است.

#### ی) رصد کردن خطاها و خطرها

ما در نظام جمهوری اسلامی اهداف و مبانی و ارزشهایمان الهی است لیکن ابزارها و روشها و انسانهایمان مادی و بشری اند و آن اهداف الهی را هم صدیقین، انبیاء، معصومین و ملائکه نمیخواهند در جامعه ی ما عمل کنند بلکه همین انسانها و آدمهای معمولی - که ملاحظه میکنید - میخواهند عمل کنند و آن اهداف والا و عالی را تحقق ببخشند بنابراین احتمال خطا و آسیب پذیری در همه جا وجود دارد. البته به خاطر همین خطاها هم است که آسیب پذیری ها به وجود می آید؛ لذا یک وظیفه ی عمده ی همه ی مسئولان در بخشهای مختلف این است که دائماً خود را رصد کنند؛ خطاهای خودشان را شناسایی کنند و آن خطاها را اصلاح کنند و از خطاهای گذشته ی خودشان عبرت

بگیرند؛ ما همه به این کار موظفیم و باید از اشتباهاتی که کرده ایم یا اشتباهاتی که دیگران کرده اند، عبرت بگیریم و با دقت و پیگیری اشتباهات و خطاهای خودمان را پیدا کنیم و آنها را برطرف کنیم.

## فصل چهارم

### آسیب و انحراف در سیرت انقلاب

#### گفتار اول آسیب شناسی انقلاب اسلامی

##### الف) معنای آسیب شناسی

آسیب شناسی یک موجود چه انقلاب، چه یک انسان لزوماً به معنای آسیب‌هایی نیست که الان وجود دارد؛ نباید این طور تلقی کرد که آنچه به عنوان آسیب شناسی انقلاب مطرح میشود حتماً به آنچه که امروز تحقق و وقوع یافته است، نگاه میکند. نه شما باید آسیب‌های ممکن را بررسی بکنید؛ چه آنچه که الان هست چه آنچه که ممکن است بعداً پیش بیاید. همچنان که وقتی ما با این دید به آسیب‌های ممکن انقلاب نگاه میکنیم، نباید نتیجه بگیریم که آنچه ممکن است به عنوان آسیب پیش بیاید الان وجود دارد نه این قضاوت درستی نیست؛ البته ممکن است بعضی دوست بدارند که انقلاب را آسیب یافته، آسیب دیده بیمار ناتوان و از کار افتاده معرفی کنند

##### ب) ضرورت داشتن نگاه جامع در آسیب شناسی

در آسیب شناسی انقلاب باید نقش عوامل درونی و بیرونی هر دو ملاحظه بشود. البته اینجا دو افراط وجود دارد که من مایلیم ذهن خودم را همواره از هر دو افراط رها کنم و ذهن مردم را هم برحذر بدارم که دچار این دو افراط نشوند. یکی اینکه ما عوامل بیرونی را عمده کنیم و از عوامل درونی غافل بمانیم؛ دیگری بعکس عوامل درونی را عمده کنیم و از عوامل بیرونی غافل بمانیم. الان کسانی هستند که به هر دو این افراط‌ها هم مبتلا هستند؛ هر دو عامل جداً وجود دارد. اگر انسان نگاه کند میبیند که عوامل بیرونی دشمنی دشمنان انقلاب از هر دو جهت است.

##### ج) اهمیت ارزیابی بنیه ی هر موجود در آسیب شناسی آن

آسیب شناسی هر موجود باید با توجه به بنیه ی آن موجود انجام بگیرد. بنیه ی بعضی ها ضعیف است، کمترین ویروسی - هم ممکن است آنها را از بین ببرد؛ بعضی ها قدرت دفاع ندارند. آن کسانی که دچار ایدز میشوند، یک ویروس کوچک سرماخوردگی آنها را میکشد چون قدرت دفاع بدن آنها از بین میرود؛ یعنی سلولهای مدافع، بدن گلبولهای سفید و سربازان بدن در بدن آنها مرده ناتوانند و نمیتوانند از خودشان دفاع کنند بنابراین آسیب آدهمی که مبتلا به ایدز است، یک سرماخوردگی است؛ در حالی که آسیب یک آدم توانا حتی سرطان هم نیست. ما دیده ایم آدمهای قوی بنیه ای را که سرطان داشتند، بعد با یک شیمی درمانی و مقابله ی قوی حتی با سرطان مبارزه کردند خوب شدند و الان دارند زندگی میکنند. باید ببینیم بنیه ی این موجودی که داریم آسیب‌هایش را بررسی میکنیم چقدر است.

##### د) توجه به تدریجی بودن تغییر سیرت در آسیب شناسی

تغییر سیرت، تغییر آن هویت واقعی، بتدریج و خیلی آرام حاصل میشود. توجه بعضی ها به این غالباً جلب نمیشود یا خیلی ها توجهشان جلب نمیشود یک وقتی ممکن است همه متوجه شوند که کار از کار گذشته باشد. خیلی باید دقت کرد.

#### گفتار دوم عوامل آسیب زا

##### الف) عوامل درونی

عوامل درونی یعنی مواردی که در درون خود ما انقلابیون و ما مؤمنین است؛ اینها کم نیست زیاد است.

دشمن درونی چیست؟ دشمن درونی خصلت های بدی است که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم. تنبلی نشاط کار نداشتن، ناامیدی خودخواهی های افراطی بدبین بودن به دیگران بدبین بودن به آینده نداشتن اعتماد به خود نه به شخص خود و نه به ملت خود اینها بیماری است. اگر این دشمن های درونی در ما وجود داشته باشد کار ما مشکل میشود.

##### اهمیت مقابله با عوامل درونی



## ۱. مصونیت از عوامل بیرونی با علاج آسیب های درونی

اگر ما این آسیب های درونی را علاج نکنیم، آن آسیب های بیرونی مشکلی برای ما به وجود نخواهد آورد. ببینید، قرآن به طور صریح در این زمینه با ما حرف میزند؛ میگوید: ذلک بأن الله لم یکمغیرا نعمه انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم؛ نعمتی که خدا به شما داد، محال است از شما بگیرد، مگر شما شرایط خودتان را عوض کنید. چون نعمت الهی بی حساب و کتاب نیست؛ خدا تحت شرایطی نعمتی را به کسی میدهد. اگر آن شرایط را حفظ کردید محال است که نعمت از بین برود و پس گرفته بشود. این جزو مضامین و مسلمات و بیانات دعاهای ماست. انسان در صحیفه ی سجاده و جاهای دیگر که نگاه میکند برایش مسلم میشود که این جور است؛ خدا نعمت را نمیگیرد، مگر ما آن شرایط را عوض کنیم الان این اتفاق روشن است، این چراغها الان دارند نور میدهند؛ چرا؟ لابد شرایطی وجود دارد سیم هایی امکاناتی و فضایی هست؛ اگر اینها تغییر پیدا کند طبیعی است که این هم نخواهد بود این چیز واضحی است. تقدیر الهی، یعنی اندازه گیری های دقیق پروردگار؛ این لایتخلف است. چنانچه ما اندازه ها را عوض کردیم خدای متعال هم نتایج را عوض خواهد کرد.

## ۲. عدم امکان پیشرفت با بیماری های درونی

اگر ملتی این بیماری ها را داشته باشد، این ملت پیشرفتش ممکن نیست؛ اگر ملتی مردمش تنبل باشند، ناامید باشند اعتماد به نفس نداشته باشند با همدیگر پیوند نداشته باشند به همدیگر بدبین باشند از آینده ناامید باشند، چنین ملتی پیش نخواهد رفت؛ اینها مثل موربانه ای که در درون پایه ی بنا بیفتد بنا را ویران میکند؛ مثل کرمی است که داخل میوه قرار بگیرد میوه را فاسد میکند باید با این صفات مبارزه کرد. ملت ما باید امیدوار دارای اعتماد به نفس خوشبین به آینده علاقه مند به پیشرفت و معتقد و مؤمن به معنویاتی باشد که او را در این راه کمک میکند. بحمد الله امروز ملت ما چنین اعتماد به نفس و چنین امیدی دارد؛ باید اینها را تکمیل کرد.

## مصادیق عوامل درونی

### ۱. ضعف ایمان سوء عملکرد و دنیا طلبی

من دشمن داخلی یعنی در واقع دشمن درونی را در سه چیز خلاصه میکنم اعتقاد من این است که همه ی این چیزها به این سه چیز بر میگردد... اگر ما بتوانیم این سه چیز را علاج کنیم خیلی از مشکلات حل خواهد شد. اول هم خود من نمیخواهم از کس دیگری اسم بیآورم بنده یکی از کسانی هستم که در جریان امور این مملکت نقش دارم یک مقدار از ضعفها هم در من است؛ در طبقات مختلف مسئولین و در خواص است. هر چه پایین بیاییم نقشها کمرنگ تر میشود. این ایرادها در ماهاست؛ باید آنها را بر طرف بکنیم اگر هست باید بر طرف بکنیم؛ اگر نیست که چه بهتر.

یکی از آن ها بی ایمانی ضعف ایمان است. این آسیب درون تکلیفات و تعینات زندگی منحصر کردن است که آسیب میزند. چنانچه اینها اصلاح بشود ما امیدواریم که این شاء الله مشکلی نباشد.

### انقطاع از دین، معنویت و خداوند

ملتها بر اثر انقطاع از دین و از معنویت و از خدا، پوک میشوند؛ هویت خودشان را از دست میدهند؛ دچار سرگردانی و حیرت میشوند ملتها بر اثر دوری از احکام خدا به ذلت می افتند؛ همچنان که امت اسلامی در طول قرنها دچار ذلت بود. این ایستادگی و وفاداری ملت ایران بود که این جاده ی استوار هموار خوش عاقبت را در مقابل ملت ایران گذاشت. البته جاده ی هموار به معنای جاده ی بی زحمت نیست. سختی ها فراوان است، اما فضل و بزرگواری و مردانگی انسانها در بلاهای سخت به وجود می آید و ظاهر میشود.

### تغییر ماهیت خواص با اهمیت پیدا کردن دنیا

وقتی خواص طرفدار حق با اکثریت قاطعشان، در یک جامعه چنان تغییر ماهیت میدهند که فقط دنیای خودشان برایشان اهمیت پیدا میکند؛ وقتی از ترس جان از ترس تحلیل و تقلیل مال از ترس حذف مقام و پست از ترس منفور شدن و از ترس تنها ماندن حاضر میشوند حاکمیت باطل را قبول کنند و در مقابل باطل نمی ایستند و از حق طرفداری نمیکنند و جانانشان را به خطر نمی اندازند.

## ۲. غفلت از دشمن

همه ی سیاست های ما همه ی رفتارهای ما باید با توجه به وجود یک جبهه ی دشمن وسیع باشد؛ باید همه ی توجه ما به این باشد. هیچ انسانی را هیچ مجموعه ای را مردم ستایش نمیکنند وقتی که از وجود دشمن غفلت کند؛ تعریف نمیکنند که دل اینها با همه خوش است. خب، بله او لبخند میزند شما هم لبخند میزنی اما مواظب باش که پشت

این لبخند چیست دشمنی ها را نباید فراموش کرد دشمنها را نپایستی از یاد برد یک جبهه ی دشمن در مقابل ما وجود دارد. ما امروز در مسئله ی امنیتان در مسئله ی اقتصادمان در معیشتان در فرهنگمان در مسئله ی ،جوانها در مسئله ی آسیبهای اجتماعی باید توجه کنیم که نقش این دشمن چیست و در همه ی مسائل بر اساس این سیاستگذاری کنیم بر اساس این قانونگذاری کنیم بر اساس این اقدام کنیم بر اساس این حرف بزنییم. غفلت از دشمن افتخار ندارد؛ بدانیم دشمن هست. بعضی ها اعتراض میکنند که آقا شما چرا دائماً میگویید دشمن دشمن؛ خب [اگر] نگوئیم یادمان میرود که دشمن داریم و آن وقت دشمن در غفلت ما می آید هر کار دلش خواست میکند.

### ۳. ترس از دشمن

مرعوب شدن از هیمنه ظاهری مستکبران و احساس ترس از آمریکا و دیگر قدرتهای مداخله گر آسیب دیگری از این دسته است که باید از آن پرهیز کرد نخبگان شجاع و جوانها باید این ترس را از دلها بیرون کنند. ملت و جوانان باید آماده باشند و ترس از دشمن را در دل خود جای ندهند؛ چون دشمن میخواهد در سایه ی این رعب خرده فرمایشها و تحمیلهای خود را بر گردن این ملت سوار کند؛ بدون اینکه هزینه ی یک کار بزرگ و یک دخالت نظامی را متحمل شود. این مربوط به ملت است.

### ۴. اعتماد به دشمن و غافل دانستن آن

اعتماد به دشمن و در دام لبخندها و وعده ها و حمایتهای آنها افتادن نیز آسیب بزرگ دیگری است که به طور ویژه باید پیشروان و نخبگان از آن بر حذر باشند دشمن را با علامتاش در هر لباس باید شناخت و از کید او که در مواردی در پس ظاهر دوستی و کمک پنهان میشود، باید ملت و انقلاب را مصون ساخت روی دیگر این صفحه مغرور شدن و دشمن را غافل دانستن است.

### ۵. سطحی نگری ، سهل انگاری و آسان پنداری در کارها

یکی از چالش ها چالش های درونی خود ما است ساده و سطحی نگرستن به مسئله به برخی از کارهایی که میکنیم دل خوش کنیم و عمق مسئله را در نیابیم. مباحث لفظی و محفلی و روشنفکری کار را پیش نمیبرد؛ حرکت و اقدام لازم است سهل انگاری در عمل، چالش بزرگ ما است. گاهی نتیجه گیری ها و استنتاج ها کوتاه مدت نیست طولانی است و این بعضیها را سرخورده میکند. این یکی از چالشها است. کارهای بزرگ ممکن است گاهی در طول یک نسل به دست بیاید؛ باید دنبال کرد باید حرکت کرد. خیلی از کارها هست که ما اگر ۱۰ سال پیش این کارها را شروع میکردیم امروز به نتایجی رسیده بودیم خیلی از کارها هست که از ۱۰ سال پیش ۱۵ سال پیش شروع کردیم و امروز نتایجش را داریم میبینیم آن روزی که در دانشگاه های گوناگون راجع به نهضت علمی در کشور حرفهایی زده شد، با جمع های مختلف گفته شد، کسی تصور نمیکرد که این حرکت علمی که در این ده پانزده سال به وجود آمده است به وجود بیاید اما به وجود آمد؛ اساتید ما دانشمندان ما دانشگاه های ما جوانان با استعداد ما همت کردند.

### ۶. کاهش ارزش عدالت

برای تحقق عدالت خیلی کار شده است. از اول انقلاب همه ی فعالیت هایی که به نفع طبقات محروم انجام گرفته؛ یعنی بردن امکانات رفاهی امکانات آموزشی و امکانات بهداشتی به اقصی نقاط کشور که واقعاً از بس زیاد است، قابل شمارش نیست در جهت عدالت بوده است. حقاً و انصافاً این خدمت رسانی اوضاع را زیر و رو کرده. کسانی که در دوره ی قبل اوضاع طبقات محروم را دیدند، میتوانند بفهمند. من خودم در نقاط محروم بودم و جاهای محروم را در آن دوره دیدم؛ حالا هم که خیلی اوقات رفتم و از نزدیک دیدم؛ واقعاً زیر و رو شده همین زیر ساخت های عظیمی که برای استفاده ی عموم است همه ی اینها کمک به عدالت است؛ در این تردیدی نیست؛ منتها نباید ارزش عدالت به عنوان یک ارزش درجه ی دو کم کم در مقابل ارزش های دیگر به فراموشی سپرده شود؛ در نظام ما این خطر وجود داشته است.

### ۷. تصور غلط حل مشکلات با دست برداشتن از مبانی

یکی از چالشها این است که کسی تصور کند که ما اگر از مبانی اعتقادی خود مبانی اعتقادی نظام جمهوری اسلامی دست برداریم راه ها باز خواهد شد و دروازه های بسته گشوده خواهد شد که این خطای بسیار بزرگ و اساسی است. البته برادران ما در دولت خدمتگزار با اعتقاد عمل میکنند؛ واقعاً معتقد به انقلاب معتقد به مبانی انقلاب معتقد به اصول انقلابند؛ از اینها ما گله ای نداریم، لکن در مجموعه ی دست اندرکاران ما کسانی هستند که تصور میکنند اگر از برخی از اصول خود و مبانی خود کوتاه بیاییم خیلی از درهای بسته به روی ما گشوده خواهد شد؛ در حالی که این جور نیست؛ این خطای بزرگی است و ما نتایج این خطا را در برخی از کشورهای دیگر - که نمیخواهم اسم بیاورم - در همین دوره ی چند ساله ی اخیر مشاهده کردیم. راه پیشرفت ایستادگی است؛ پافشاری بر مبانی است.

تردید

#### ۸. تردید در توانایی های درونی

یکی از چالشها تردید در توانایی های درونی است؛ [اینکه] به جوان دانشمند خودمان اعتماد نکنیم به مجموعه های مردمی و غیر دولتی در امور اقتصادی اعتماد نکنیم یکی از چالش ها است.

#### ۹. تردید در پایبندی نظام به آرمان ها

در جبهه ی خودی بعضاً به دلایلی در پایبندی نظام به حرفها و آرمانهای خودش تردید شد. اگر بخواهیم مثال کاملاً واضحی بزنیم و البته در خصوص این مثال، عاملی هم وجود داشت که مشکل را تا حدودی برطرف میکرد مسئله ی قبول قطعنامه ی پانصد و نود و هشت و پایان جنگ بود که عده ای را مردد کرد. منتها گفتم در آن قضیه عاملی وجود داشت که همان وجود امام بود چون امام گر بود، دریا بود و مورد تردید قرار نمیگرفت لذا عده ی کثیر یا اکثری نمیگویم همه به خاطر گل روی امام و به اتکای ایشان، حجت را بر خود تمام شده دانستند. اما نفس این حرکت خیلی از دلها را تکان داد که هان! چه شد؟! آنها در اینکه نظام به حرفهای خودش پایبند است احساس تردید کردند.

#### ۱۰. گریز از چالش

گریز از چالش هم یکی از ضعفهای درونی ماست به گریز از چالش بخل میگویند عافیت طلبی عافیت طلبی چیز خوبی است. عافیت یکی از بزرگترین نعمتهای الهی است؛ «با ولی العافیه نسألک العافیه عافیه الدنیا والآخره عافیت به معنای پنجه نیفکندن نیست؛ به معنای درست عمل کردن بجا قدم گذاشتن بجا ضربت زدن و بجا عقب کشیدن. است عافیت از بلا مثل این است که بگوئیم عافیت از گناه بنابراین عافیت طلبی چیز بدی نیست؛ لیکن بخل به گریز از چالش میگویند عافیت طلبی؛ یعنی در واقع همان راحت طلبی مواجهه ی با مشکلات را زشت و ناپسند دانستن آماده نبودن برای مواجهه ی با مشکلات اینها ضعف های درونی ماست.

#### ۱۱. دشمن خارجی

دشمن خارجی یعنی کسی که از بیرون مرزها با انواع سلاح ها، موجودیت یک نظام را با فکرش و دستگاه زیربنایی عقیدتی اش و قوانینش و همه چیزش هدف قرار میدهد که شما در مورد جمهوری اسلامی این را به چشم دیدید و گفتند که ما میخواهیم نظام جمهوری اسلامی را از بین ببریم دشمنانی بودند از بیرون و تصمیم گرفتند که این نظام را از بین ببرند. از بیرون یعنی چه؟ نه از بیرون کشور از بیرون نظام؛ ولو در داخل کشور.

عوامل آنها در داخل هم هستند؛ که این هم جزو عوامل بیرونی است. من که میگویم عوامل بیرونی، حتی کسانی منظور است که از آنها الهام میگیرند و در داخل، علیه انقلاب کار میکنند، یا قلم میزنند یا توطئه میکنند، یا ضربه ی اقتصادی و ضربه ی سیاسی میزنند!

#### ۱۲. مراکز دشمنی با ملت ایران

لانه ی اصلی توطئه علیه ملت ایران کجاست؟ پاسخ به این سؤال دشوار نیست. امروز سی و چهار سال است که هرگاه نام «دشمن» برده میشود ذهن ملت ایران متوجه دولت آمریکا میشود. خوب است دولتمردان آمریکا به این نکته توجه کنند و این را بفهمند که ملت ایران در طول این سی و چند سال چیزهایی دیده است مراحل را گذرانده است که تا میگویند دشمن ذهن ملت ایران متوجه به آمریکا میشود. این مسئله ی بسیار مهمی است برای یک دولتی که میخواهد در دنیا با آبرو زندگی کند؛ این مسئله مسئله ی قابل توجه و قابل دقتی است؛ باید روی این مسئله تکیه کنند مرکز توطئه اینجا است اساس دشمنی اینجا است.

#### اهمیت مقابله با دشمنان خارجی

#### خطر سر بر آوردن دشمن درونی با وجود دشمن بیرونی

تا دشمن بیرونی در مقابله با اسلام و جمهوری اسلامی فعال است خطر سر بر آوردن آن دشمن درونی نیز همواره هست و مسئولان نظام اسلامی در ایران این را خطری بالقوه بزرگ و جدی می شمارند. آنچه ما آن را تهاجم فرهنگی دشمن مینامیم و پیوسته مردم هوشیار خود و بیش از همه جوانان را به مجاهدت در برابر آن فرامیخوانیم همانا کوشش همه جانبه ی دشمنان ما با استفاده از همه ی ابزارهای تبلیغی و خبری و سیاسی و امنیتی برای برانگیختن همین دشمن درونی است.

#### تشدید و استفاده از ضعفهای درونی توسط دشمن بیرونی



دشمن خارجی نقشش این است که از این امکانات معارضه ی با نظام در داخل استفاده کند و آنها را تشدید نماید. بنده گاهی که در صحبتها بعضی کسان را به توطئه های دشمن تنبه میدهم افرادی میگویند آقا شما چرا به دشمن خارجی میپردازید؟ چرا به مسائل ،خودمان به کمبودهای خودمان اشاره نمیکنید؟ حرف باید روشن بشود اگر دشمن خارجی در مقابل خود کمبودها را ضعفها را زمینه ها را مشاهده نکند نمیتواند تسلط پیدا کند. اینکه چیز بدیهی و روشنی است؛ بارها هم گفته ایم. اصلاً کامیابی دشمن از بیرون در آن صورتی است که در درون صفوف داخل نظام - داخل کشور و داخل جامعه نقاط ضعف و نقاط خلأ وجود داشته باشد. در اینکه شکی نیست اما دشمن خارجی را نمیشود منکر شد. دشمن خارجی می آید از همین ضعفها حداکثر استفاده را میکند. هیچ انسانی را هیچ جامعه ای را و بیش از همه هیچ مسئولی را کسی مدح نخواهد کرد که دشمن را تبیند؛ تلاش دشمن را نفهمد؛ سوء استفاده ی دشمن را از ضعفهای خودی بجا نیاورد.

## اهداف اصلی دشمنان

### نفی حکومت اسلام

عزیزان من هدف اصلی دشمنان چه دشمنان خارجی چه دشمنان دورو و منافق داخلی عبارت است از نفی حکومت دینی و حکومت اسلام اصل قضیه برای اینها این است و به کمتر از این هم راضی نیستند اینها میدانند تا وقتی که قدرت در دست دین و احکام دینی است تا وقتی که مقررات مجلس شورای اسلامی باید طبق دین باشد تا وقتی این قانون اساسی هست که این قانون اساسی منطبق بر دین است در این کشور نمیتوانند کاری بکنند.

### براندازی تغییر سیرت و نفوذ

هدف هایی که آنها دنبال میکردند در درجه ی اول سقوط انقلاب و سقوط نظام جمهوری اسلامی بود. هدف اول براندازی بود. هدف بعدی این بود که اگر براندازی نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند انقلاب را استحاله کنند؛ یعنی صورت انقلاب باقی بماند اما باطن انقلاب سیرت انقلاب روح انقلاب از بین برود. در این زمینه خیلی تلاش کردند؛ که آخرین نمایشنامه ی آنها که روی صحنه آمد، همین فتنه ی ۸۸ بود. در حقیقت یک تلاشی بود. یک عده ای در داخل به خاطر حب به نفس حب به مقام از این قبیل امراض خطرناک نفسانی اسیر این توطئه شدند. من بارها گفته ام؛ طراح و نقشه کش و مدیر صحنه در بیرون از این مرزها بود و هست در داخل با آنها همکاری کردند؛ بعضی دانسته بعضی ندانسته این هم هدف دوم.

هدف سوم هم باز این بود و هست که کاری کنند که اگر نظام اسلامی باقی میماند از عناصر ضعیف النفسی که میتوان در آنها نفوذ کرد استفاده کنند و اینها را در مسائل کشور در واقع طرفهای اصلی خودشان قرار بدهند.

### سلطه

همه هم بدانند که هدف دشمنان ما با ریختههای مختلف و قیافه گیری های مختلفی که از خودشان نشان میدهند - گاهی احم میکنند گاهی لبخند میزنند گاهی اوقات وعده میدهند، گاهی تهدید میکنند - تسلط بر کشور است. دشمن میخواهد برگردد به دوران سلطه ی بی قید و شرط خود بر این کشور؛ چون اسلام با این برگشت بشدت مخالف است و نیروی مقاوم در مقابل این توطئه ی دشمن اسلام است با اسلام مخالفند. مخالفت دشمن با اسلام به خاطر این است که میدانند معارف اسلامی احکام اسلامی در مقابل آنها سد مستحکمی درست کرده است. با ملت ما مخالفند چون ملت در مقابل آنها مثل کوهی ایستاده است. با هر کسی در میان ملت که در مقابل دشمن ایستادگی بیشتری داشته باشد بیشتر مخالفند. با عناصر مؤمن بیشتر مخالفند با سازمانها و نهادهای انقلابی بیشتر مخالفند با عناصر حزب اللهی بیشتر مخالفند؛ چون میدانند اینها سدهای محکم و مستحکم در مقابل نفوذ دشمنان هستند دشمن دنبال سلطه گری است و همه ی تلاش دشمن برای این است که جلوی حرکت اسلامی نظام جمهوری اسلامی را که مایه ی پیشرفت و ترقی و اوج این ملت است بگیرد یک کهنه سیاستمدار آمریکایی گفته بود که گروه های تروریست تکفیری برای ما غربی ها اهمیتی ندارند باشند عیب ندارد آنچه برای ما مهم است، ایران اسلامی است؛ چون ایران اسلامی در صدد ایجاد یک تمدن عظیم است - البته او تعبیر «امپراتوری به کار برده است که غلط کرده - لذا ما باید ایران اسلامی را مقابل خودمان و دشمن مهم خودمان بدانیم. این حرف اهمیت امت سازی را هم به ما نشان میدهد.

## علل دشمنی دشمنان

### ۱. مبنای قرآنی و هویت اسلامی نظام

حال شما ببینید حکومتی بر مبنای قرآن، با قانون اساسی قرآنی و با قوانینی که بی استثنا با دین تطبیق داده میشود، بر سر کار بیاید؛ علمای دین آن را اداره کنند سپس این طور مبارزه و ایستادگی و سازندگی کند استکبار را به مبارزه بطلبد و یک روز با شرق و غرب متفقاً روبه رو شود هشت سال جنگ را از سر بگذراند، تبلیغاتش در دنیا به صورتی باشد که استکبار از آن احساس وحشت کند طبیعی است آنها در مقابل چنین انقلابی موضع گیری خواهند کرد.

## ۲. وجود یک نفی و اثبات در جمهوری اسلامی

علت دشمنی عمیق و آشتی ناپذیر استکبار و در رأس آنها آمریکا و شبکه ی صهیونیستی دنیا با جمهوری اسلامی، این حرفهایی که گاهی گوشه و کنار گفته میشود چه چیزهایی که آنها شعارش را میدهند چه تصویری که بعضی در داخل میکنند نیست. مسئله این است که جمهوری اسلامی یک نفی با خود دارد یک «اثبات».

نفی استثمار، نفی سلطه پذیری نفی تحقیر ملت به وسیله ی قدرتهای سیاسی دنیا نفی وابستگی، سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرتهای مسلط دنیا در کشور نفی سکولاریسم اخلاقی؛ ابا حیگری؛ اینها را جمهوری اسلامی قاطع نفی میکند.

یک چیزهایی را هم اثبات میکند اثبات هویت ملی، هویت ایرانی اثبات ارزشهای اسلامی دفاع از مظلومان جهان تلاش برای دست پیدا کردن بر قله های دانش؛ نه فقط دنباله روی در مسئله ی دانش و فتح قله های دانش.

### ترس از الگو شدن ایران در دنیای اسلام

دشمنان بیرونی کسانی هستند که نگاه میکنند میبینند ایران اسلامی در حال تبدیل شدن به یک الگو در دنیای اسلام است و آنها نمیخواهند این طور شود میدانند که اگر جمهوری اسلامی بتواند مسائل زندگی و مسائل مادی و گره های گوناگون را که در هر کشوری کم و بیش وجود دارد برطرف و باز کند و به زندگی مردم رونق و شکوفایی بخشد، آنگاه مسلمانها گرم و گیراتر به سمت این الگو حرکت میکنند. لذا مرتب مانع ایجاد میکنند. الان چند سال است که به طور آشکار در پیشرفت مسائل اقتصادی کشور دشمنان ما از خارج به شیوه های گوناگون مانع ایجاد میکنند.

### توطئه های دشمنان خارجی

#### ۱. ایجاد اختلاف و تفرقه

من میبینم امروز در خلال تبلیغات دشمنانی که از بیرون مرزهای ما تبلیغ میکنند خط ایجاد اختلاف و تفرقه تعقیب میشود. البته بعضی از آنها دنباله هایی هم در داخل دارند و این طور نیست که یکسره بیرون این مرزها باشند. آری؛ شعب باریکی در داخل هست که اگر جرئت کنند، آن را بیشتر هم خواهند کرد.

#### ۲. نفوذ

نقشه ی دوم دشمن نفوذ است؛ میخواهند در کشورهای اسلامی و در کشورهای این منطقه یک نفوذی به وجود بیاورند که تا ده ها سال ادامه داشته باشد امروز آمریکا آبروی گذشته را در این منطقه ندارد؛ میخواهند این را بازسازی کنند. در کشور ما هم قصدشان همین است؛ در ایران هم نیتشان این است. یک جور دشمنی دشمنی سخت است؛ بمبی بیندازند، تیری بزنند تروریستی بفرستند. یک جور دشمنی دشمنی های نرم است که من از چندی پیش مسئله ی نفوذ را مطرح کردم؛ نفوذ خیلی مسئله ی مهمی است نفوذ که ما میگوییم حالا بعضی ها واکنش نشان میدهند آقا مسئله ی نفوذ جناحی شد، استفاده ی جناحی کردند؛ من به این حرفها کاری ندارم. خوب استفاده ی جناحی نکنند، بحث بیهوده درباره ی نفوذ نکنند اسم نفوذ را بدون محتوای لازم مطرح نکنند؛ اینها را ما کاری نداریم ولی هر حرفی زده میشود هر کار جدی میشود، از اصل واقعیت نفوذ غفلت نشود؛ غفلت نکنیم که دشمن در صدد نفوذ است.

### اقسام نفوذ

#### نفوذ فردی و جریانی

نفوذ دو جور است یک نفوذ موردی است ، نفوذ فردی است ، یک نفوذ جریانی است نفوذ موردی خیلی نمونه دارد معنایش این است که فرض کنید شما یک دم و دستگاهی دارید یک مسئولی هستید؛ یک نفر را با چهره ی آرایش شده بزرگ شده با ماسک در مجموعه ی شما بفرستند؛ شما خیال کنید دوست است در حالی که او دوست نیست تا او بتواند کار خودش را انجام بدهد؛ گاهی جاسوسی است که این کمترینش است؛ یعنی کم اهمیت ترینش جاسوسی است خبرکشی و خبردهی است؛ گاهی کارش بالاتر از جاسوسی است تصمیم شما را عوض میکند.

نفوذ اقتصادی، فکری، فرهنگی و امنیتی

عرض کرده ایم امروز نفوذ دشمن یکی از تهدیدهای بزرگ است برای این کشور دنبال نفوذند نفوذ یعنی چه؟ نفوذ اقتصادی ممکن است که البته کم اهمیت ترین آن نفوذ اقتصادی است؛ و ممکن است که جزو کم اهمیت ترین [هم] نفوذ امنیتی باشد. نفوذ امنیتی چیز کوچکی نیست اما در مقابل نفوذ فکری و فرهنگی و سیاسی کم اهمیت است نفوذ امنیتی عوامل خودش را دارد، مسئولین گوناگون - از جمله خود سپاه جلوی نفوذ امنیتی دشمن را با کمال قدرت ان شاء الله میگیرند. در زمینه های اقتصادی چشمهای بینای مسئولین اقتصادی بایستی باز باشد و مواظب باشند که دشمنان نفوذ اقتصادی پیدا نکنند؛ چون نفوذ دشمن پایه ی اقتصاد محکم را متزلزل میکند. آنچهایی که نفوذ اقتصادی کردند، آنچهایی که توانستند خودشان را بر اقتصاد کشورها و ملتها مثل یک بختکی سوار بکنند پدر آن کشورها درآمد اینجا ده پانزده سال قبل از این رئیس یکی از همین کشورهایی که جزو کشورهای پیشرفته ی منطقه ی ما بود در سفری که به تهران داشت و پیش ما آمد به من گفت آقا ما به خاطر نفوذ اقتصادی در ظرف یک شب تبدیل شدیم به فقیر به گدا راست میگفت فلان سرمایه دار به خاطر فلان خصوصیت اراده میکند این کشور را به زانو در بیاورد سرمایه ی خودش را میکشد بیرون یا تصرفاتی میکند که اقتصاد آن کشور به زانو در بیاید این هم البته خیلی مهم است؛ اما در قبال اقتصاد فرهنگی اقتصاد، سیاسی، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی اهمیتش کمتر است و از همه مهم تر، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی است.

برخی از راه های نفوذ

نفوذ از طریق ایجاد خلل در باورها

یکی از راه های ورود و نفوذ - که حالا در مورد نفوذ هم یک کلمه ای عرض خواهیم کرد؛ ما همین طور مدام درباره ی نفوذ دشمن تکرار میکنیم تأکید میکنیم ایجاد خلل در باورها است.

تأثیر گذاری شان روی مردم این است که باورهای آنها را عوض کنند. در سطح جهانی که نگاه میکنیم مردم هم دو جورند بعضی از مردم مردم بی حال و بی حوصله و بی حساسیتی اند بعضی از مردم مثل مردم کشور ما مردمی هستند با حساسیت باهوش اهل کار اهل انگیزه این چیزها در مردم ما وسیع تر و شدیدتر است از خیلی از ملت‌های جهان که البته بخش عمده اش ناشی از انقلاب است؛ انقلاب این جوری مردم را بار آورد و پیش برد میخوانند باورهای این مردم را عوض کنند؛ هدف جنگ نرم، تغییر باورها است.

باورهای مورد حمله ی دشمن

الف) باور به مبانی اعتقادی سیاسی و فکری کشور

باورها مثل چه چیزهایی؟ باور به مبنای عقیدتی و سیاسی و فکری کشور؛ بالاخره امروز این کشور دارد حرکت میکند یک دستگاهی دارد، مردمی دارد همکاری ای دارند یک حرکت عظیم مردمی پشت سر نظام و دولتها وجود دارد و این بر اثر یک باوری است؛ میخوانند این باور را که باور اعتقادی است یعنی در اینجا این جوری است. در کشور ما این باور آمیخته ای از اعتقادات دینی و اعتقادات سیاسی است - عوض کنند؛ مثلاً فکر مردم سالاری اسلامی را تغییر بدهند. باور به مبانی فرهنگی ما در یک مسائلی یک عقایدی داریم؛ فرض بفرمایید مثلاً در مورد خانواده مسئله ی زن و مرد مسئله ی استقلال مسئله ی بیگانه ها یک خلقیاتی داریم؛ خوب اینها فرهنگهای رسوخ یافته و نضج گرفته ی در طول قرون است که مثلاً اصرار و استقامت یک کشوری در مقابل تهاجم بیگانگان بیشتر است؛ اینها فرهنگ است؛ فرهنگهای عمومی است یا در مورد وابستگی در مورد استقلال در مورد دین در مورد مسائل گوناگون فرهنگی باورهایی داریم به نفع خودشان دستکاری کنند و تغییر بدهند.

ب) باور به گذشته ی بد

باور به گذشته را تغییر بدهند؛ حالا گذشته که میگوییم مرادمان دوران غزنویان و سلجوقیان نیست گذشته یعنی همین گذشته ی نزدیک آن گذشته ای که جمهوری اسلامی آمد و آن را تغییر داد. ما یک نگاهی داریم؛ مردم ما خود ما یک نگاهی به این گذشته داریم این نگاه را عوض کنند، این باور را عوض کنند؛ این کار را دارند میکنند بجد دارند انجام میدهند. فرض بفرمایید نگاه به رضاخان تغییر پیدا کند؛ رضاخان قلدر سفاک بی رحم خشن مال دوست آنچهانی را تبدیل کنند به یک عنصر خدمتگزار نجیب چنین و چنان این کارها دارد الان انجام میگیرد.

ج) باور به آینده ی مشعشع



باور به آینده؛ خب آینده خیلی مهم است؛ ... امید به آینده باور به آینده اینکه ما بالاخره این جور خواهیم شد؛ این جور خواهیم شد؛ اینها خیلی مهم است بنشینم اینجا و به مخاطبین - که قبول هم میکنند - بگویم شما باید کاری کنید که پنجاه سال دیگر چهل سال دیگر هر کس بخواید به پیشرفتهای علمی دست اول دست پیدا کند ناچار باشد زبان فارسی یاد بگیرد؛ این یک آینده است یک آینده ی مشعشع است.

#### د) باور به حال و وضع کنونی کشور

باور به حال و وضع کنونی کشور؛ وضع کنونی کشور را جوری تصویر کنند که یک نفر آدمی که خیلی مطلع نیست گاهی احساس شرمندگی کند؛ این خیلی مهم است. جوری حرف بزنند که احساس کنیم هیچ چیز در دستمان نیست؛ این یکی از کارهای بسیار اساسی است خب جوان امروز میبیند که دارد پیشرفت میکند دارد علم آموزی میکنند، دانشگاه این جوری است محیط سیاسی این جوری است نشاط هست حرکت هست حرفهای مهم هست حرفهای بزرگ هست آینده های درخشانی در مقابل هست این جوری احساس میکنند؛ لذا نشاط پیدا میکنند حرکت میکنند؛ این باور عوض بشود تبدیل بشود به اینکه نه آقا چه داریم؟ هیچ چیز نداریم؛ نه کاری شده، نه هیچ حرکتی شده جنگ نرم اینها است؛ تغییر باورها.

#### نفوذ از طریق روی کار آوردن مسئولان بی اعتقاد به آرمان اسلامی

یکی از توطئه های دشمن در چند سال اخیر این بوده است که بتواند آدمهای نامعتقد به آرمان اسلامی را در صفوف مسئولان بالای کشور نفوذ دهد؛ برای اینکه انسجام مدیران ارشد کشور به هم بخورد. این خطر بزرگی است.

وقتی که دشمن برای داخل کشور برنامه دارد چه کار میکند؟ از نفوذی استفاده میکند معنای نفوذی این نیست که حتماً رفته باشد پول گرفته باشد برای اینکه بیاید در فلان دستگاه نفوذ کند و خودش هم بداند چه کار دارد میکند؛ نه گاهی نفوذی نفوذی است خودش هم نمیداند!

#### نفوذ از طریق مذاکره با آمریکا

آمریکایی ها دنبال چیزی به نام مذاکره ی با ایرانند؛ [اما] مذاکره بهانه است مذاکره وسیله برای نفوذ است مذاکره وسیله برای تحمیل خواستها است ما فقط در قضیه ی هسته ای به دلایل مشخصی که مکرر هم این دلایل را ذکر کرده ایم موافقت کردیم پرونده مذاکره کنند؛ خب مذاکره کردند. بحمد الله مذاکره کنندگان ما هم در این عرصه خوب ظاهر شدند؛ اما در عرصه های دیگر ما اجازه ی مذاکره ندادیم و با آمریکا مذاکره نمیکنیم؛ با همه ی دنیا ما مذاکره میکنیم [اما] با آمریکا نمیکنیم. ما اهل مذاکره ایم اهل تفاهیمیم؛ هم مذاکرات در سطح دولتها هم مذاکرات در سطح اقوام هم مذاکرات در سطح ادیان؛ ما اهل مذاکره ایم و با همه مذاکره میکنیم جز با آمریکا؛ و البته رژیم صهیونیستی به جای خود محفوظ که اصل وجود رژیم صهیونیستی وجود نامشروع و دولت جعلی است.

#### طرح «انتظار» برای بازگرداندن میکروب «ارتجاع»

در قرآن کریم، حقیقت تلخی مطرح شده است که اگر بخواهیم اسمی برایش بگذاریم میتوان اسم آن را ارتجاع یعنی رجعت به عقب یا «ارتداد یعنی برگشتن عقبگرد خسران و از دست دادن دستاوردها گذاشت. راجع به این مقوله در قرآن حدیث و تاریخ صحبت شده است. این مقوله متأسفانه به جوامع و ملت‌هایی مربوط است که در بهترین حالات معنوی و الهی هستند یعنی به مردم دوران جاهلیت مربوط نیست بلکه به مردم دوران اسلام مربوط است.

#### ۴. هدف قرار دادن رهبری

دشمن برای مبارزه با انقلاب انواع و اقسام روشها را تجربه کرده است. این دفعه به خیال خود خواستند روش مؤثرتری را تجربه کنند و آن هدف گرفتن رهبری است یقیناً بعد از مطالعه ی زیاد و با اطلاع از اوضاع و احوال گوناگونی و البته خبرهای راست و دروغی توانسته اند به این نتیجه برسند که باید رهبری را هدف قرار داد چرا؟ به خاطر اینکه میدانند در کشور اگر یک رهبری مقتدر وجود داشته باشد، همه ی توطئه های آنها نقش بر آب خواهد شد؛ و الا اینها با شخص طرف نیستند، شخص برای اینها مهم نیست؛ هرکس باشد. مگر همین کسانی که امروز به این زبان خشن حرف میزنند و این طور ناجوانمردانه سیل تهمت و افترا روانه میکنند با امام طرف نشدند؟! همین افراد با امام هم طرف شدند؛ دل امام را پر از خون کردند که امام در آن نامه به آن اشاره فرمود! همین کارها را با رهبری میکنند؛ چون میدانند رهبری در جامعه ی اسلامی و ایران اسلامی گره گشاست.

#### ۵. تحریف

## تعریف شخصیت امام

آنچه امروز به شما عرض میکنم تحت عنوان تعریف شخصیت امام است. آیا شخصیتها هم قابل تحریفند؟ معمولاً عنوان تعریف را و اصطلاح تعریف را درباره ی تعریف متون به کار میبریم؛ آیا شخصیتها را هم میشود تعریف کرد؟ بله. تعریف شخصیتها به این است که ارکان اصلی شخصیت آن انسان بزرگ یا مجهول بماند یا غلط معنا شود یا به صورت انحرافی و سطحی معنا شود؛ همه ی اینها بر میگرود به تعریف شخصیت شخصیتی که الگو است امام و پیشوا است رفتار او گفتار او برای نسلهای بعد از خود او راهنما و رهنمود است اگر تعریف شود زبان بزرگی به وجود خواهد آمد. امام را نباید به عنوان صرفاً یک شخصیت محترم تاریخی مورد توجه قرار داد؛ بعضی این جور میخواهند امام یک شخصیت محترمی است در تاریخ این کشور که روزگاری بود، فعال بود، مفید بود بعد هم از میان جمعیت رفت و روزگار او تمام شد؛ احترامش میکنیم نامش را با تجلیل می آوریم، صرفاً همین؛ بعضی میخواهند امام را این جور بشناسند و بشناسانند و این جور تلقی کنند؛ این غلط است.

امام مظهر عینی حرکت عظیمی است که ملت ایران آغاز کرد و تاریخ خود را متحول کرد؛ امام بنیانگذار یک مکتب فکری و سیاسی و اجتماعی است ملت ایران این مکتب را این راه را این نقشه را پذیرفت و در آن مشغول حرکت شد؛ ادامه ی این راه بستگی دارد به اینکه این نقشه ی راه درست شناخته بشود.

## تعریف حقایق اسلام با تلاش برای فراموشی انقلاب اسلامی

ملت ایران حالا حالاها باید منتظر باشد که دشمنان به کارها و فتنه ها و خبائتهای خودشان برای اینکه زیبایی های انقلاب از یاد برود ادامه بدهند دشمن دست بر نمیدارد؛ تا انقلاب را یا تعریف کنند یا به دست فراموشی بسپارند و کاری نکنند که ملت حرکت خود سابقه ی خود و کار بزرگی را که کرده است فراموش کند دچار نسیان و غفلت بشود؛ کسی که گذشته ی افتخار آمیز خود را نمیتواند در آینده هم حوادث افتخار آمیز برای خودش درست کند این تلاش را دشمنان دارند میکنند... آنها میخواهند حقایق انقلاب تعریف بشود به دست فراموشی سپرده بشود؛ پول خرج میکنند کار دارند میکنند. ۲ از اوایل انقلاب یکی از اهداف مهم دشمن، تعریف حقایق و تاریخ بود. اگر یک وقت در داخل کشور حنجره یا قلم مزدوری پیدا میشد که حقایق جنگ و انقلاب و اسلام را تعریف میکرد میدیدید فریادهای تشویق از اطراف دنیا بلند میشود.

## بزرگ کردن چهره ی آمریکا

یکی از کارهای آمریکایی ها در این سالهای آخر این است که کسانی را وادار کنند به بزرگ کردن چهره ی آمریکا به اینکه این جور واتمود بکنند که آمریکایی ها اگر هم یک روزی دشمن بودند امروز دیگر دشمنی نمیکند؛ هدف این است. هدف این است که چهره ی دشمن برای ملت ایران پنهان بماند تا از دشمنی او غفلت بشود و او بتواند دشمنی خودش را اعمال کند و خنجر را از پشت فرو کند؛ هدف این است. یک عده ای البته مغرضانه این کار را میکنند یک عده ای هم از روی ساده لوحی این کار را میکنند. واقعیت قضیه این است که اهداف آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی هیچ تغییر نکرده است؛ هیچ تغییر نکرده امروز هم اگر بتوانند جمهوری اسلامی را نابود کنند یک لحظه تأمل نمیکند؛ منتها نمیتوانند و ان شاء الله با همت شما جوانها با پیشرفت شما جوانها با گسترش و عمق بصیرت ملت ایران در آینده هم نخواهند توانست این کار را بکنند. همه ی برنامه های آنها متوجه به این قضیه است؛ البته در عالم سیاست و در عالم، گفتگو جور دیگری حرف میزنند؛ آنجایی که لازم است نرمش در گفتار هم نشان میدهند، اما باطن قضیه این است، باطن قضیه این است این را ملت ایران نباید فراموش بکند.

## بزرگ کردن چهره ی منحوس پهلوی

کسی که آشنا باشد آگاه باشد با دنیای کتاب و مطبوعات و مقاله میبیند که دشمنان چه کار دارند میکنند؛ امروز اینها سعی میکنند چهره ی خاندان خبیث و منحوس پهلوی را رژیم فاسد و وابسته و خبیث و ظالم که کشور ما را سالهای متمادی به عقب انداختند و ملت ایران را آن جور دچار مشکلات عظیم کردند بزرگ کنند آرایش کنند امروز سعی میشود توسط همان جبهه ی مقابل نظام اسلامی پشتیبانها همان کسانی هستند که با اصل انقلاب مخالف بودند با مردمی که انقلاب کردند مخالف بودند، با وفاداری این مردم به انقلاب بشدت مخالفند. تا کنون موفق نشدند؛ امید بسته بودند بلکه بتوانند نسل دوم و سوم انقلاب را روی گردان کنند نتوانستند. نسل سوم انقلاب را نتوانستند از انقلاب روی گردان کنند. امروز چشم دوختند به نسلهای بعدی به جوانهای بعدی چون میدانند سرمایه ی ملت ایران مردمند. این انگیزه ها در آنها وجود دارد؛ تا وقتی شما جوانهای خوب و مردم مؤمن در میدان هستید، با انگیزه هستید با بصیرتید، آگاهید که چه کار دارید میکنید البته نخواهند توانست.

## طرح جدایی دین از روحانیت و سیاست

این را توجه داشته باشید؛ دشمنان دو نکته ی اساسی را در باب دین دارند دنبال میکنند؛ چون دیده اند که این دو نقطه در زندگی مردم چقدر تأثیر گذار است: یکی مسئله ی اسلام منهای روحانیت است؛ چون دیده اند که روحانیت در جامعه ی ایرانی چه تأثیر شگرفی را به وجود آورد و بر حرکت مردم گذاشت. البته از قبل از انقلاب هم این زمزمه ها را میکردند.

حضور روحانیون در انقلاب و پیشروی آنها در انقلاب موقتاً این معنا را از صحنه خارج کرد؛ اما باز شروع کردند. یکی هم اسلام منهای سیاست است جدایی دین از سیاست است. اینها از جمله ی چیزهایی است که امروز دارند با اصرار فراوان در مطبوعات در نوشته جات در وسایل اینترنتی ترویج میکنند. مسئله برای آنها اهمیت دارد. این را توجه داشته باشیم؛ هر آنچه را که دشمن بر روی آن تکیه میکند و نقشه ی راه دشمن و طرح کلی دشمن بر روی آنها متمرکز است، او میتواند برای ما هم یک طرح کلی و نقشه ی راهی را در اختیار بگذارد.

### منحرف معرفی کردن فکر شیعی

تشکیل این نظام با الهام از حرکت ائمه و با استفاده از محبت اهل بیت (علیهم السلام) و حرکت امام حسین (صلوات الله و سلامه علیه) انجام گرفت و کسانی که بودند و هستند، میدانند و میبینند و دیدند. از روزی که این انقلاب با این شکل به وجود آمد و این بنای عظیم و مرتفع بر اساس تعالیم ناب اسلامی بنیان شد شما ببینید چقدر کتاب و جزوه و مطلب علیه شیعه نوشته و منتشر شده است؛ لا تعد و لا تحصی این کتابها را برای من می آورند. من اینها را میبینم و میدانم که دستهای مجرم و گنهکار برای اینکه فکر اهل بیت و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را از نظر مردم و از نظر جوانان به عنوان فکری که منحرف از اسلام است معرفی نمایند چه میکنند نسبتهای گوناگون میدهند نسبت دروغ میدهند نسبت خلاف میدهند، نسبت تحریف قرآن میدهند چرا این کارها را میکنند؟ چون این حرکت این فکر این انقلاب این نظام عظیم این عزت اسلامی این ایستادگی ملت در مقابل تمایلات استکبار و در رأس آن شیطان بزرگ آمریکا برای جوانان و دلهای بانشاط در دنیای اسلام جاذبه دارد. از این میترسند. این یک امر جدی است. استکبار میدانند که امروز در بسیاری از کشورهای اسلامی دلهای مردم با جمهوری اسلامی است؛ میدانند که عمق سیاسی و استراتژیک نظام جمهوری اسلامی در داخل کشورهای اسلامی است؛ از شمال آفریقا تا شرق آسیا به همین خاطر است که فکر شیعی را منحرف معرفی میکنند به او تهمت میزنند بد معرفی میکنند نسبت های خلاف میدهند جمهوری اسلامی را مورد تهاجم قرار میدهند و شیعه در این بین مظلوم واقع میشود.

### گسستن پیوند مردم و نظام

از طرف دیگر در داخل به وسیله ی گسستن پیوند نظام با مردم زمینه سازی میکنند. اساس سیاست آنها این است که بتوانند بین نظام جمهوری اسلامی و مردم گسیختگی به وجود آورند؛ بعد هم آماده سازی افکار عمومی در سطح بین المللی. چرا به این زمینه سازی احتیاج دارند؟ برای اینکه بدون این زمینه سازی آمریکا میدانند که پیروزی اش بر جمهوری اسلامی با وجود برتریهای نظامی ممکن نیست؛ این یک واقعیت است. برتری نظامی همه جا تعیین کننده نیست... آمریکا احتیاج به این زمینه سازی داخلی دارد تا بتواند سلطه ی نظامی داشته باشد.

یکی از مسائلی که اینها بشدت دنبال آن هستند، سلب اعتماد مردم از کارایی نظام است بعضی از حرف هایی که میشنویید اتفاقی نیست. تصادفی نیست که بعضی کسان بیایند درباره ی نظام اسلامی بحث کنند و بحران مشروعیت نظام را مطرح سازند. نظامی را که با رأی و خواست و مجاهدت مردم و با این همه احساسات و عواطف سر کار آمده، با این همه مشکلات دست و پنجه نرم کرده و از این همه دشمنی ها و مقابله ها سرفراز بیرون آمده و همه هم به کمک مردم بوده است زیر علامت سؤال بگذارند و بگویند بحران مشروعیت اینها تصادفی نیست بعضی از حرفهایی که میبینید در بعضی از تریبونها پخش میشود همه در جهت همین تصویر سازی منفی از نظام اسلامی در ذهن مردم و برای سلب اعتماد آنهاست تا آن مقصود حاصل شود.

### ترویج فساد، فحشا و مواد مخدر

جوان یک کشور اگر بخواهد مثل موتور پیش برنده ای آن ملت را پیش برد احتیاج دارد به اینکه سرحال، بانشاط، تندرست قوی و دلبسته ی به کار و پیشرفت باشد. برای اینکه این روحیه را در جوان ایرانی از بین ببرند تلاش میکنند با توطئه های گوناگون با ترویج فساد با ترویج فحشا، با ترویج مواد مخدر با باندهای هدایت شده جوان ایرانی را منصرف میکنند.

### گفتار سوم: عبرت های تاریخی



نکته ای بلیغ در قرآن است که ما را به فکر می اندازد. قرآن به ما میگوید نگاه کنید و از گذشته ی تاریخ درس بگیرید. حال ممکن است بعضی بنشینند و فلسفه بافی کنند که «گذشته برای امروز نمیتواند سرمشق باشد. شنیده ام که از این حرفها میزنند و البته برف انبار میکنند به خیال خودشان میخواهند با شیوه های فلسفی مسائلی را مطرح کنند. کاری به کار آنها نداریم قرآن که صادق مصدق است ما را به عبرت گرفتن از تاریخ دعوت میکند عبرت گرفتن از تاریخ یعنی همین نگرانی ای که الان عرض کردم چون در تاریخ چیزی هست که اگر بخواهیم از آن عبرت بگیریم باید دغدغه داشته باشیم. این دغدغه، مربوط به آینده است.... تاریخ را با قصه اشتباه نکنیم تاریخ یعنی شرح حال ما، در صحنه ای دیگر... تاریخ یعنی من و شما؛ یعنی همینهایی که امروز اینجا هستیم. پس اگر ما شرح تاریخ را میگوییم، هر کداممان باید نگاه کنیم و ببینیم در کدام قسمت داستان قرار گرفته ایم. بعد ببینیم کسی که مثل ما در این قسمت قرار گرفته بود، آن روز چگونه عمل کرد که ضربه خورد؟ مواظب باشیم آن طور عمل نکنیم.

### الف) آسیب شناسی حضرت زینب (سلام الله علیه) درباره ی کوفیان

خطبه ی فراموش نشدنی زینب کبری در بازار کوفه یک حرف زدن معمولی نیست اظهار نظر معمولی یک شخصیت بزرگ نیست؛ یک تحلیل عظیم از وضع جامعه ی اسلامی در آن دوره است که با زیباترین کلمات و با عمیق ترین و غنی ترین مفاهیم در آن شرایط بیان شده است.

### ب) طرح آمریکایی فروپاشی شوروی

وقتی میگوییم طرح آمریکایی فروپاشی شوروی، لازم است سه نکته را در کنار این کلمه ی آمریکایی عرض کنیم نکته ی اول این است که وقتی میگوییم طرح آمریکایی معنایش این نیست که بقیه ی بلوک غرب در این زمینه با آمریکا همکاری نداشتند؛ چرا همه ی غرب و همه ی اروپا در این زمینه بشدت با آمریکا همکاری میکردند مثلاً نقش آلمان و انگلیس و بعضی کشورهای دیگر به صورت بارز بود. اینها همکاری جدی داشتند. نکته ی دوم این است که وقتی میگوییم طرح آمریکایی معنایش این نیست که ما عوامل داخلی فروپاشی شوروی را ندیده میگیریم؛ نخیر عوامل فروپاشی در درون نظام شوروی وجود داشت و از آن عوامل دشمنشان بهترین استفاده را کرد.

آن عوامل داخلی چه بود؟ فقر شدید اقتصادی، فشار بر مردم، اختناق شدید فساد اداری و بوروکراسی. البته انگیزه های قومی و ملی هم در گوشه و کنار وجود داشت. نکته ی سوم این است که این طرح آمریکایی یا غربی به هر تعبیری که میگوییم یک طرح نظامی نبود. در درجه ی اول یک طرح رسانه ای بود که عمدتاً به وسیله ی تابلو پلاکاردها، روزنامه فیلم و غیره اجرا شد. اگر کسی محاسبه کند، میبیند که حدود پنجاه شخصت درصد آن مربوط به تأثیر رسانه ها و ابزارهای فرهنگی بود. عزیزان من مسئله ی تهاجم فرهنگی را که من هفت هشت سال پیش مطرح کردم جدی بگیرید. شبیخون فرهنگی شوخی نیست.

### ج) تسلط انگلیس بر هندوستان

یک نمونه کشور بزرگ و پهناور هندوستان است. انگلیسی ها از راه دور آمدند؛ اول با تزویر و فریب و بعد با سلاح و قوت نظامی سرزمین هند را گرفتند سالهای متمادی بر این سرزمین مسلط ماندند؛ مردم را ذلیل کردند؛ بزرگان را نابود کردند و ثروتهای هند را از بین بردند، انگلیس خزانه ی خود و جیب سرمایه داران خود را از سرمایه ها و فرآورده های هند پر کرد؛ اما هند را در فقر و مسکنت و بدبختی باقی گذاشت. فقط ثروت مادی نبود؛ ثروت معنوی آنها را هم گرفتند و زبان خود را بر آنها تحمیل کردند. زبان رسمی امروز دولت های هند و پاکستان و بنگلادش که مجموعاً شبه قاره ی هند قدیم است که مستعمره ی انگلیس بود انگلیسی است آن منطقه دهها زبان محلی داشته است؛ این زبانها را تا آنجایی که توانستند، منسوخ کردند و از بین بردند. یک ملت زبان خود را که از دست داد، یعنی از گذشته ی خود از تاریخ خود از سنتهای خود و از میراثهای گرانقدر خود منقطع و جدا میشود و از آنها بی خبر میماند. نهر در خاطرات خودش میگوید که قبل از آنکه انگلیسها بر هند تسلط پیدا بکنند هند یک تمدن پیشرفته نسبت به آن زمان داشت؛ حتی صنعت پیشرفته، داشت، محصولات پیشرفته داشت؛ انگلیسها وارد شدند حاکمیت آن کشور بزرگ و پهناور را به دست گرفتند و آن را به عقب برگرداندند، برای اینکه خودشان رشد کنند. دولت کوچک و دور افتاده ی انگلیس بر اثر غارت منابع یک کشور بزرگی مثل هند به قدرت رسید.

### محوریت آمریکا در پرورش طالبان در افغانستان

کار دشمنان انقلاب اسلامی با محوریت آمریکا به اینجا رسید که سعی کردند نسخه ی بدل سرتاپا غلط از نظام اسلامی را در افغانستان به وجود آورند که شد حکومت طالبان تبدیل شد به یک کاریکاتور خنده آور مسخره؛ همان هم شد آفت جانسان شاید به خیال خودشان میخواستند پرچم اسلام خواهی و احیای اسلام سیاسی را از دست این ملت بگیرند و دست کسانی بدهند که دست آموز خودشان بوده اند؛ اما نتوانستند و نخواهند توانست خدا را شکر میکنیم که اراده ی ما محکم است؛ راهمان روشن است. در همان

قضیه ی طالبان من فراموش نمیکنم در مجلات آمریکایی، جوری از طالبان حرف میزدند که به نحوی ترویج آنها بود؛ [البته] صریحاً ترویج نمیکردند، اما کیفیت کار تبلیغاتی، ترویج طالبان بود آن اوایلی که اینها سرکار آمده بودند.

### تاریخ صد سال گذشته ی ایران

نبودن استقلال با یک کشور این طور عمل میکنند. هویت ملی را از مردم آن کشور میگیرد؛ افتخارات را از آنها میگیرد؛ سابقه ی تاریخی را از آنها میگیرد. منافع مادی آنها را چپاول میکند؛ هویت فرهنگی و زبان آنها را هم میگیرد. این وضع تسلط یک قدرت بر یک کشور است. در دوران استعمار این گونه بود در دوران بعد از استعمار که معروف به دوران استثمار است طور دیگری بود. البته کشور ما هرگز استعمار نشد؛ یعنی بیگانگان نتوانستند به این کشور بیایند و یک حکومت غیر ایرانی حکومت مثلاً انگلیسی؛ چون انگلیسی ها اینجا مسلط بودند تشکیل دهند ملت ایران این را اجازه نداد؛ اما هرچه توانستند در آنجایی که میتوانستند و در دورانی که قادر بودند نفوذ خودشان را در ایران توسعه دادند. من چهار نمونه را از تاریخ نزدیک خودمان تاریخ صد سال پیش به این طرف به شما عرض کنم این چهار نمونه به ما نشان میدهد که وقتی یک قدرت بیگانه بر دستگاه های سیاسی و فرهنگی یک کشور مسلط شود بر سر آن کشور و آن ملت چه می آید.

### طرح انگلیسی مصادره ی مشروطه

یک نمونه نمونه ی مشروطیت است. میدانید دوران استبداد حکومت قاجار مردم را به جان آورده بود. مردم قیام کردند دلسوزان جامعه قیام کردند؛ پیشرو آنها هم علمای دین بودند. در نجف، مرجع تقلیدی مثل مرحوم آیت الله آخوند خراسانی؛ در تهران سه نفر عالم بزرگ مرحوم شیخ فضل الله نوری مرحوم سید عبدالله، بهبهانی مرحوم سید محمد طباطبایی پیشوایان مشروطه بودند پشتوانه ی اینها هم دستگاه حوزه ی علمیه در نجف بود.

### طرح انگلیس برای به سلطنت رسیدن رضاخان

نمونه ی دوم خود حکومت رضاخان است. انگلیسی ها قراردادی را با دولت قاجاریه در میان گذاشتند که بر اساس آن قرارداد تمام مسائل مالی و تمام مسائل نظامی کشور ایران در قبضه ی انگلیسی ها قرار میگرفت مرحوم سید حسن مدرس آن عالم آگاه با این قرارداد مخالفت کرد و نگذاشت این لایحه در مجلس شورای ملی آن روز تصویب شود. بعد که انگلیسی ها از اینجا محروم شدند و دیدند نمیشود این طوری عمل کرد به فکر تازه ای افتادند فهمیدند باید در ایران یک دیکتاتور را بر سر کار بیاورند تا امثال مدرسها را قلع و قمع کند؛ با مردم با کمال خشونت رفتار کند؛ خواسته های انگلیس را اعمال کند. لذا رضاخان را بر سر کار آوردند. ماجرای به سلطنت رسیدن رضاخان در ایران یکی از ماجراهای بسیار عبرت انگیز تاریخ ماست ماجرای است که همه ی جوانهای این کشور امروز باید بدانند. هرج و مرج قبل از رضاخان به وسیله ی مشت پولادین رضاخان و با کمک دولت انگلیس از بین رفت و یک نظم تحمیلی و استبدادی در کشور به وجود آمد که پنجاه و پنج سال ادامه پیدا کرد نفوذ انگلیس در دستگاههای سیاسی و فرهنگی کشور ما مردم را تحت فشار قرار داد. دیکتاتوری رضاخان بمراتب از دیکتاتوری ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه برای کشور و ملت ما بدتر و خشن تر بود که انگلیسها او را سر کار آوردند. در واقع ما از دوران استبداد، وارد دوران آزادی نشدیم بلکه وارد دوران استبداد دیگری همراه با وابستگی شدیم؛ یعنی ملت طعم آزادی را نچشیدیم.

### سرنگون کردن دولت مصدق

بعد نمونه ی چهارم پیش آمد؛ و آن مرداد سال ۱۳۳۲ هجری شمسی بود. بعد از آنکه حکومت مصدق را سرنگون کردند البته قبلاً مرحوم آیت الله کاشانی را با ترفندهای خودشان منزوی کردند کنار زدند و با بی تدبیری هایی که انجام گرفت کنار گذاشتند باز سر کار آمدند و وارد ایران شدند و توانستند با نفوذ خود با ایادی خود با فعالیت خود کودتای ۲۸ مرداد را به وجود آورند و محمدرضا را که از ایران فرار کرده بود به ایران برگردانند. بیست و پنج سال بعد از آن، حکومت دیکتاتوری سیاه پهلوی ادامه پیدا کرد.

### پرورش داعش و القاعده

ملتها در مقابل رژیم صهیونیستی مقاومت کردند، یعنی تسلیم نشدند؛ این نکته را توجه کنید در طول ده ها سالی که رژیم صهیونیستی با پشتیبانی و کمک انگلیس و بعد هم آمریکا در این منطقه مرتب روز به روز بر قدرت مادی خود افزود، در این مدت برخی دولتهای ضعیف و برخی آدمهای ناباب در دولتهای مسلمان گرایش پیدا کردند به جانب صهیونیستها.

خیلی از دولت های مسلمان و برخی از سیاستمداران دنیای اسلام از جمله رژیم منحوس قبلی کشور خود ما و بعضی های دیگر با صهیونیستها که غاصب بودند معارض بودند متجاوز بودند آدم کش بودند توسعه طلبی داشتند از نیل تا فرات میگفتند، با یک چنین دولتی ارتباطات برقرار کردند و دشمنی ها را بکلی نادیده گرفتند؛ اما ملتها، نه ملتها

همچنان در دلشان احساس نفرت از صهیونیسم اشغالگر و دولت صهیونیست موج میزد. ملتها در این زمینه دنبال دولتها نرفتند و خب این برای دولتهای وابسته ی به آمریکا و رفیق و هم کاسه ی با رژیم صهیونیستی چیز سنگینی بود.

## فصل پنجم

### مسئولیت ها در حفظ سیرت انقلاب

#### الف) وظایف اقشار مختلف

##### آحاد ملت

مردم هستند که میتوانند نظامی را به وجود آورند و وقتی به وجود آوردند حفظ کنند؛ ولو تمام قدرتها با آنها مخالفت کنند. همه ی آحاد ملت وظیفه دارند آگاهی و هوشیاری خودشان را نسبت به مسائل کشور و مسائل انقلاب و اسلام روز به روز بیشتر کنند به خبائتها و توطئه های دشمنان درست توجه کنید. از دشمن کمین کرده ای که منتظر فرصت است تا ضربت بزند غفلت نکنید. امروز همه ی افراد چه کسانی که بیاناتشان در حوزه های وسیع کاربرد دارد چه کسانی که در حوزه های کوچک تر سخنانشان مؤثر واقع میشود؛ مثل مدرسه و کلاس و دانشگاه و محیطهای کارگری و غیره مسئولند و اگر دیدند حقایق و محکمت اسلام و انقلاب مورد تحریف قرار میگیرد، وظیفه دارند تبیین کنند؛ نباید سکوت کنند امام به این نکته بسیار توجه میکرد و این یکی از چیزهایی است که راز استحکام و ماندگاری و پایداری نظام در آن مندرج است.

##### حوزه و روحانیت

عزیزان طلاب جوان فضلا! توجه کنید که حوزه ی علمیه همان طور که امام (ره) مکرر فرمودند قاعده ی نظام جمهوری اسلامی است و همه چیز روی این قاعده بنا شده و دوام خواهد یافت. این قاعده باید محکم باشد. آقایان ما ملت ایران انقلاب بسیار بزرگی کردیم.

##### دانشجو و دانشگاه

دانشجو و دانشگاهی بخصوص دانشجو میتواند در این میدان نقش آفرین باشد؛ میدان حفظ شاخصها، برجسته کردن شاخصها و مختصات حقیقی جمهوری اسلامی؛ غیر از مختصات ظاهری که اسمها و مقامات رسمی و حقوقی و اینهاست. شما میتوانید مهیم باشید میتوانید اقدام کنید. و البته و خوشبختانه ملت ما ملت بیداری است.

##### بسیجیان

حضور بسیج به معنای حضور مردم است؛ وقتی بسیج یکجا حاضر است، معنایش این است که ملت ایران حاضر است؛ همین طور که عرض کردیم بسیج نمونه و مسطوره ی ملت ایران است یک نمونه و یک نشانه ای است از مجموعه ی ملت ایران خب این حضور هم البته معلوم است که برای دفاع از آرمانها است برای دفاع از ارزشها است، برای دفاع از هویت انقلابی و دفاع از هویت ملی است، برای کمک به این ملت و این کشور است در رسیدن به آن نقاطی که شایسته ی آن است و آنها را به برکت انقلاب ترسیم کرده است و دارد حرکت میکند؛ حضور بسیج طبعاً به این معنا است؛ باید دفاع کند.

##### جوانان

از جوان چه انتظاری وجود دارد؟ ما از جوان میخواهیم راه را گم نکنند. مهمترین وظیفه این است که از کمربند تأمین بی بسیار مستحکم ملت ایران که هویت جمعی ما را به وجود می آورد یعنی نظام اسلامی با همه وجود پاسداری کنیم. جوان با هوشیاری و حوصله و همت جوانی اش باید در محیط کار و تحصیل و مسئولیتهای آینده همه همتش این باشد که از نظام حراست کند. تکمیل و برطرف کردن عیوب نظام یک حرف است؛ مقابله و نفی و همراهی با براندازان نظام حرف دیگری است. انسان از ته دل غمگین میشود که بشنود در یک محفل دانشگاهی یک وقت یک عنصر به اصطلاح دانشگاهی بگوید مرد کسی است که در کشور بماند و با این نظام مبارزه کند تا ریشه آن را پخشکاند کسی که تلاش میکند ریشه این نظام اسلامی و الهی و مردمی را خشک کند مرد است؟! آن هم نظامی که این همه تلاش انسانی و مردمی در راهش به کار رفته نظامی که این همه جوان برای آن فداکاری کرده اند؛ نظامی که خون های این همه شهید در راهش بر زمین ریخته شده است.

##### هنرمندان

متأسفانه در رژیم گذشته که آن پانزده سال دوران مبارزات هم در همان سالهاست هنر در قبضه ی صاحبان قدرت بود و حقیقتاً به انحطاطی دچار شده بود و در میدان حضور نداشت. لیکن از لحظه ی پیروزی انقلاب هنر به میدان آمد؛ از دو جا هم آمد که عمدتاً از طریق استعدادهای هنری نوظهور یعنی جوانان بود. شما الان ببینید در میان این



هنرمندان معروفی که ما داریم خلیشان جوانان بعد از انقلابند اینها کسانی هستند که با در جبهه های جنگ یا در صحنه های انقلاب با برخورداری از ایمان خودباوری پیدا کردند و به سمتی کشیده شدند؛ مثلاً دوربینی دستشان گرفتند و برای عکسبرداری به جبهه ها رفتند. این کارها اینها را به سمت هنر کشاند و همین طور بقیه ی هنرها غالباً جوانان بودند که از اول انقلاب شروع کردند؛ بعضی هم از هنرمندان دوره ی قبل از انقلاب بودند که اینها به انقلاب پاسخ دادند؛ خیلی هم متأسفانه پاسخی ندادند، رفتند کناری نشستند و هنرشان را در خدمت انقلاب قرار ندادند. در مجموع از اول انقلاب تا امروز که بیست سال میگذرد، هنر نقش زیادی داشته و در عرصه های مختلف انواع هنرها نه فقط هنرهای نمایشی یا هنر شعر بلکه انواع هنرها وارد میدان شدند و کارهای برجسته و بزرگی انجام دادند و هنرمندان جوان پرورش پیدا کردند.

### مداحان

برادران عزیز این سنت، مداحی شیوه ی مداحی و ستایشگری خاندان پیغمبر که افتخار بزرگی است در بین جامعه ی ما خوشبختانه رواج پیدا کرده است، ریشه دار شده است قبلها بود اما محدود بود؛ امروز این سفره گسترده شده است؛ این میدان باز شده است افراد زیادی هزاران نفر امروز در سرتاسر کشور با استفاده از ذوق و هنر و انواع و اقسام شیوه های بیانی در این عرصه مشغول فعالیتند؛ خوب این میشود یک فرصت هر فرصتی همراه است با یک مسئولیت؛ وقتی شما نتوانید با کسانی مخاطبه بکنید مسئولیتتان در یک حد است؛ وقتی توانستید مخاطبه کنید طبعاً فراتر از حد شخصی و به اندازه ی حوزه ی توان مخاطب مسئولیت گسترش پیدا میکند. شما که میتوانید با مردم حرف بزنید با هنر شعر و صدا و آهنگ میتوانید با مردم مخاطبه کنید این مسئولیت آور است. همه ی این فرصتها و امکانات همراه خود دارای یک مسئولیتی هستند؛ این مسئولیت را باید خوب بتوانید ادا کنید. اگر جامعه ی مداح کشور آنچنان که شایسته ی این رتبت و این مقام است بتواند مسئولیت خود را ادا کند تحولی در سطح کشور اتفاق می افتد.

### شاعران

نکته ی دیگری که من میخواهم عرض بکنم این است که شعر انقلاب یک هویتی دارد؛ در واقع متصدی و مباشر و میدانداز ارائه ی گفتمان انقلاب اسلامی است؛ این را باید حفظ کنید؛ نباید این تحت الشعاع برخی از هیجاناتی قرار بگیرد که ناشی از تألمات شاعر است نسبت به یک مسئله ای نسبت به یک قضیه ای نسبت به یک چیزی بالاخره همه جا ناهنجاریهایی وجود دارد روح لطیف شاعر هم دچار تألماتی میشود این تألمات طبعاً در شعر اثر میگذارد؛ منتها نپایستی آن گفتمان اصلی انقلاب آن هویت اصلی انقلاب مغلوب این تألمات شود باید برای انقلاب حرف بزنید، باید برای گفتمان انقلاب تلاش و کار کنید ملت شما کار بزرگی انجام داده. من سال گذشته این را گفتم به نظرم در همین جلسه هم گفتم که مسئله فقط مسئله ی شهادت نیست البته شهادت در راه خدا و جان بر کف گذاشتن و تقدیم راه خدا کردن، قله ی شرافتهای انسانی است اینقدر معارف دینی گسترده است اینقدر معارف انقلاب گسترده و پر مطلب و پرفیض است که میتوان از آن بهره برد و میتوان آن را منعکس کرد امروز این یک وظیفه ای است بر عهده ی شاعران گاهی اوقات انسان میند که در بعضی از شعرها و سروده ها این تألمات اثر میگذارد و آن مسئله ی اصلی را تحت الشعاع قرار میدهد؛ آن وقت اینجا انسان هماهنگ و هم آواز میشود با آن کسانی که اعتراضشان به اصل همان گفتمان است. شعری که یا وابسته بودند به کانونهای قدرت و دربار و متعلقات دربار فاسد، پهلوی یا هم جزو جریانات چپ بودند، اینها از اول با انقلاب قهر کردند از اول به انقلاب روی خوش نشان ندادند.

### وظایف مسئولان و نهادهای انقلاب

#### عموم کارگزاران نظام

این نظام اسلامی فقط شکل نیست؛ محتوایی دارد؛ یعنی کارهایی باید در واقعیت زندگی مردم انجام بگیرد. تحقق این واقعیتها در زندگی مردم مردان و عناصر مؤمن و معتقد به خودش را که دارای صفات و خصوصیات لازم هم باشند میطلبد؛ این میشود دولت اسلامی دولت اسلامی شامل همه ی کارگزاران نظام اسلامی است؛ نه فقط قوه ی مجریه؛ یعنی حکومتمگران و خدمتگزاران عمومی اینها باید جهتگیریها و رفتار اجتماعی و رفتار فردی خود و رابطه شان با مردم را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند تا بتوانند به آن اهداف برسند. بعد هم باید آن جهتگیریها را در مد نگاه خودشان قرار دهند و بسرعت به سمت آن جهتگیریها حرکت کنند؛ این میشود دولت اسلامی. از همان اول کار تلاش برای تشکیل دولت اسلامی شروع شد... منتها افت و خیز داشته؛ پیشرفت و عقبگرد داشته؛ در جاهایی موفق بودیم در برهه ای موفق نبودیم. بعضی از ماها وسط راه پایمان لغزید؛ بعضی از ماها در اصل هدف مردد شدیم؛ بعضی از ماها نتوانستیم خود را نگه داریم؛ دل بسته ی به رفتارهای طاغوتی شدیم.

### رهبری

نقش ولایت فقیه این است که در این مجموعه ی پیچیده و در هم تنیده ی تلاشهای گوناگون نباید حرکت نظام انحراف از هدفها و ارزشها باشد؛ نباید به چپ و راست انحراف پیدا شود. پاسداری و دیده بانی حرکت کلی نظام به سمت هدفهای آرمانی و عالی اش مهم ترین و اساسی ترین نقش ولایت فقیه است. مسئولیت رهبری در قبال مردم این است که مسئولان قوای سه گانه را به وظایف حقیقی خود توجه دهد و اگر یک وقت خواستند حرکتی بکنند که به انحراف نظام و کشور منتهی میشود به آنها هشدار و تذکر دهد.

مسئولیت امور جاری کشور به عهده ی دستگاه های ذی ربط است دولت قوه ی قضائیه و مجلس اما مسئولیت رهبری فراتر از اینهاست؛ مسئولیت بسیار سنگینی هم هست آنجایی که مسئولان و مدیران قوه ی مجریه قوه ی قضائیه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی بخواهند حرکتی را شروع کنند که با اهداف نظام اسلامی معارض است رهبری باید در مقابل آنها سد شود و به فضل الهی خواهد شد. اینکه بوقهای تبلیغاتی استکباری علیه رهبری بسیج شوند و بعضی از عوامل داخلی از روی غفلت یا خدای نخواستہ از روی آگاهی با آنها همصدا شوند موجب نمیشود که انسان این مسئولیت عظیم الهی را از یاد ببرد ما به قیامت و سؤال الهی و مؤاخذه ی الهی اعتقاد داریم؛ مؤاخذه ی زید و عمرو اهمیتی ندارد.

### دولت ، مجلس و قوه ی قضائیه

دولت مجلس قوه ی قضائیه همه در یک جبهه قرار دارند؛ آن جبهه جبهه ی دفاع از اسلام است؛ دفاع از ملت عزیز و شریف است؛ دفاع از استقلال کشور است؛ دفاع از هویت انقلاب است که به ملت ما و مردم ما هویت داد، بلکه به امت اسلامی هویت داد امروز اهداف برجسته ی ما اینهاست. لذا باید همکاری انجام بگیرد. فرق نمیکند؛ چه قوه ی مجریه و دستگاه دولت چه قوه ی مقننه و نمایندگان مجلس چه قوه ی قضائیه و هسته های قضائی در سرتاسر کشور؛ اینها باید به طور جدی در جهت اجرای همین اصول و خطوط انقلاب و امام که در واقع اجرای قانون اساسی است بدون ملاحظه کار و تلاش کنند و نگذارند وقتشان صرف کارهای دیگر شود اگر کسی در این دوران کوتاهی کند هم در چشم مردم و قضاوت آنها محکوم خواهد شد، هم پیش خدای متعال مؤاخذه خواهد بود در این دوران که مردم نهایت احتیاج را به خدمات مسئولان دارند نباید کوتاهی کنند. راه برای خدمت و باز کردن گره های اقتصادی و معیشتی مردم باز است؛ راه برای اجرای عدالت و پُر کردن شکاف طبقاتی که در جامعه ی ما که اسلامی است و نباید باشد، ولی متأسفانه وجود دارد باز است. راه های عاقلانه و منطقی وجود دارد؛ مسئولان باید همت کنند. این چیزی است که روح مطهر این بزرگوار امام راحل (ره) از ما و همه ی مسئولان میخواهد؛ همچنان که این ملت از ما میخواهد.

### صداوسیما

سازمان صداوسیما با مأموریت خطیر هدایت و مدیریت فرهنگ و افکار عمومی جامعه به مثابه دانشگاه عمومی با تکیه بر فعالیتها و برنامه های حرفه ای پیشرفته و عمیق رسانه ای وظیفه ی گسترش دین و اخلاق و امید و آگاهی و ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی در میان آحاد ملت را بر عهده دارد. مسئولیت تاریخی رسانه ملی در مقطع کنونی، حفظ و ارتقای استقلال فرهنگی و هویت انقلاب ایران اسلامی است. «عزم ملی و ابتهاج معنوی و نشاط انقلابی آحاد جامعه در مسیر اهداف بلند نظام اسلامی در گرو آگاهی و معرفت عمیق و گسترده می باشد.

### شورای عالی انقلاب فرهنگی

فلسفه ی وجودی شورای عالی انقلاب فرهنگی، فهم و تبیین و تثبیت و انفاذ ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی و بازآرایی مداوم جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و پایش پیشرفتهای فرهنگی کشور متناسب با ظرفیتهای و شایستگی های عظیم ایران اسلامی و انقلابی است.

یک نقشه ی مهندسی فرهنگی لازم است. ما وضع فرهنگی مطلوب کشور را تصویر کنیم و اجزای متشکل آن را در مقابل خودمان ترسیم کنیم بعد ببینیم کجاها اولویت دارد کجاها احتیاج به مراقبت بیشتر دارد؛ به آنجاها که در این مدت مغفول عنه باقی مانده برسیم و مسئله را دنبال کنیم؛ یک جاهایی سرمایه گذاری بیشتری لازم دارد به اینها توجه کنیم این مهندسی فرهنگی است؛ که خب کار سختی است.

### آموزش و پرورش و معلمان

هر چه شما در دنیا مشاهده میفرمایید که آثار تلاشهای بشر در برهه ای خودش را نشان داده و جوشیده، اما بعدها کم‌رنگ شده یا زائل شده یا بعکس تبدیل شده یا جهت‌ها عوض شده ناشی از کمبود آگاهی و فکر و اراده و روشن بینی و روحیه است؛ یعنی صفات اساسی در یک انسان تربیت شده ما باید این انسان را تربیت کنیم و این صفات را در او بدمیم و این در دست شماست؛ یعنی پایه ی اول را شما میگذارید؛ بخصوص در ستین نوجوانی و آغاز جوانی که جوانان در اختیار آموزش و پرورش هستند.

به اعتقاد من، آن چیزی که امروز بیش از همه باید در باشد که اگر کودکی از یک خانواده ی بی اعتقاد و بی مبالات نسبت به عمل و اعتقاد اسلامی به مدرسه می آید و وارد محیط تحت تصرف و تسلط آموزش و پرورش میشود؛ یا کودکی از خانواده ای می آید که آنها اعتقاد و مبالاتشان هم نسبت به افکار آموزش و پرورش ما به آن توجه بشود، اعتقاد اسلامی و عمل اسلامی است که در دانش آموزان باید احیا گردد. باید این طور و عمل اسلامی بد نیست لیکن به خاطر بی سوادی و کمبودهای فکری و روانی والدین توانایی اثر گذاری روی طفل را ندارند باید اینجا آن خلاها جبران بشود؛ یعنی این کودک، هم علماً، هم عملاً هم اعتقاداً به یک آدم متدین تبدیل شود؛ باید همت این باشد.

### ائمه ی جمعه

در این نظام مجموعه و صحنه ی عظیمی پر از مردم را تصور کنید. اگر در وسط این تشکیلات مرکز هدایت عمومی یعنی دستگاه رهبری را فرض کنیم آن پایگاه ها و مراکز نزدیک به ذهن و گوش و جسم مردم در سرتاسر کشور، نمازهای جمعه است. یعنی نمازهای جمعه در هر جایی از نقاط کشور بهر و بخشی از کار دستگاه رهبری این کشور را انجام میدهند مردم را توجیه میکنند به استقامت در راه وادار مینمایند از اشتباهات دور نگه میدارند ذهن مردم را با معارف لازم آشنا میکنند، دشمنان را نسبت به نفوذ در اذهان مردم مأیوس میکنند از اینکه دشمن بتواند روی مردم اثر سوء بگذارد، مانع میشوند و مردم را به حرکت و تلاش در مجموعه ی کلی نظام وادار میکنند. وقتی نظام مردمی است همه ی مردم باید حرکت کنند تا نظام راه بیفتد؛ و الا اگر عده ای از مردم حرکت نکردند، حرکت نظام کند خواهد شد. چه کسانی در همه ی کشور مردم را به حرکت دائمی ——— و امیدارند؟ ائمه جمعه مسئولان انقلاب در سرتاسر کشور ائمه ی جمعه اند. پایگاههای هدایت و رهبری مردم در سرتاسر کشور، ائمه ی جمعه اند سنگرهای دفاع معنوی در مقابل دشمنان در سطح جامعه ائمه جمعه اند. این اهمیت ائمه ی جمعه است. اگر امامت جمعه و این دستگاه و نمازهای جمعه از انقلاب گرفته بشود یقیناً لطمه ای سخت به انقلاب خواهد خورد.

یکی از بزرگترین کارهای امام بزرگوارمان (رضوان الله تعالی علیه)، همین ایجاد و تأسیس نمازهای جمعه بود. نماز جمعه را ایشان به این ملت دادند سالهای متمادی بود که ما از نماز جمعه محروم بودیم یا آن را نداشتیم در جاهایی هم که خیلی بندرت پیدا میشد آن تأثیری را که نماز جمعه میتواندست در حکومت اسلامی داشته باشد قهرماً نداشت در جاهایی هم اصلاً افراد ناجوری بودند که محل بحث نیست، این مسئله ی نماز جمعه است.

## فصل دوم: نکات مهم سیرت و صورت انقلاب اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

۱\_ آنچه مهم است این است که نظام جمهوری اسلامی یک ساخت حقوقی و رسمی دارد که آن قانون اساسی مجلس شورای اسلامی دولت اسلامی انتخابات همین چیزهایی که مشاهده میکنید است؛ که البته حفظ اینها لازم و واجب است اما کافی نیست.

۲\_ ایجاد یک حکومت اسلامی بر پایه ی ولایت فقیه این چیزی است که برای دنیای اسلام یک چیز فوق العاده بدیع و تازه است. خیلی ها ادعای حکومت اسلامی کردند اما آن کسانی رهبری این حکومتها را به دست گرفتند که خودشان از اسلام سررشته ای نداشتند اطلاعی نداشتند.

۳\_ یکی از اهداف قانون اساسی این بوده که قدرت را در یک نقطه متمرکز نکنند چون تمرکز قدرت در یک نقطه یک تجربه ی بسیار تلخی برای کشور ما و برای همه ی کشورهاست.

۴\_ یکی از ویژگی های ممتاز قانون اساسی، قدرت انعطاف و انطباق با شرایط و تحولات است و برای خروج از معضلات و تنگناها و استفاده ی بیشتر از نظرات افراد خبره و صاحب نظران راه حل های عملی ارائه نموده است.

۵\_ اگر جامعه ی مدنی به معنای جامعه ی مدینه النبی است قاعدتاً ولایت فقیه در جامعه ی مدینه النبی، در رأس همه ی امور است چون در مدینه النبی حکومت حکومت دین است و ولایت فقیه هم به معنای ولایت و حکومت یک شخص نیست



- ۶- کفایت یک شرط قهری و عقلی است. کسی که کفایت اداره ندارد این را نمی‌شود زمامدار امور هیچ کاری کرد، حتی کار کوچک؛ مگر اینکه کفایت آن کار را داشته باشد چه برسد به اداره‌ی امور مسلمین این هم یک شرط قهری است
- ۷- در واقع رهبری یک مدیریت کلان ارزشی است. همین‌طور که اشاره کردم گاهی اوقات فشارها، مزیقه‌ها و ضرورت‌ها مدیریت‌های گوناگون را به بعضی از انعطاف‌های غیر لازم یا غیر جائز وادار میکند؛ رهبری بایستی مراقب باشد نگذارد چنین اتفاقی بیفتد این مسئولیت بسیار سنگینی است.
- ۸- مهم‌ترین کار رهبری عبارت است از تعیین سیاست‌های کلان کشور؛ یعنی آن چیزهایی که جهت‌گیری کشور را مشخص می‌کند.
- ۹- وظیفه‌ی تفسیر قانون اساسی بسیار وظیفه‌ی سنگین و با اهمیتی است که آنجایی که اصلی از اصول قانون اساسی به دلایلی مورد ابهام قرار می‌گیرد نظر شورای نگهبان فصل الخطاب است؛ و اعتبار نظر شورای نگهبان هم وزن اعتبار اصل قانون اساسی است این خیلی مطلب مهمی است.
- ۱۰- بازوی اجرایی نظام دولت و رئیس‌جمهور است. رئیس‌جمهور در کشور ما نقش بسیار مهمی دارد.
- ۱۱- مسئله‌ی اقتصادی در امنیت و فرهنگ و عزت و برجستگی حرف سیاسی در کشور و در حضور جهانی تأثیر گذار است.
- ۱۲- مهم‌ترین چیزی که در باب مجلس شورای اسلامی وجود دارد این است که این مجلس مظهر مردم سالاری دینی است.
- ۱۳- مجموعه‌ی قوانین در نظام جمهوری اسلامی باید به یک قله منتهی شود و آن عبارت است از عدالت؛ بالعدل قامت السموات والأرض؛ عدالت در بنیان عالم و آفرینش نقش اساسی دارد.
- ۱۴- هر جا که اسلام واقعی آشکار شد اگرچه قدرتهای خبیث و پلید در مقابل آن صف آرایی کردند اما انسانهای پاک و دل‌های مطهر و روح‌های صاف و فطرت‌های پاک و نالوده با همه‌ی توان و وجود از آن حمایت کردند.
- ۱۵- اسلام برای انسانها خط مشی روشن معین میکند. اگر به اسلام ناب عمل کنند زندگی بشریت از دردهای مزمن گریبانگیر او در طول تاریخ نجات پیدا خواهد کرد
- ۱۶- هر جا دین خدا حاکمیت پیدا کرد این امید به وجود می‌آید که این گرفتاریها از سر جوامع بشری دست بردارد، یا لا اقل تضعیف شود. دین خدا برای اداره‌ی زندگی انسانهاست. قرآن برای عمل شدن در همه‌ی صحنه‌های زندگی است.
- ۱۷- یک شاخص دیگر در مشی امام و خط امام که خیلی مهم است مسئله‌ی محاسبات معنوی و الهی است.
- ۱۸- یکی از چیزهایی که در همین زمینه وجود داشت رعایت تقوای عجیب امام در همه‌ی امور بود تقوا در مسائل شخصی یک حرف است؛ تقوا در مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی و عمومی خیلی مشکل‌تر است.
- ۱۹- یکی از شاخص‌ها اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم است؛ هم کرامت انسان هم تعیین‌کننده بودن اراده‌ی انسان در مکتب سیاسی امام هویت انسانی هم ارزشمند و دارای کرامت است هم قدرتمند و کارساز است.
- ۲۰- یکی دیگر از نقاط اصلی و خطوط اصلی تفکر امام مسئله‌ی استقلال کشور ردّ سلطه‌پذیری است؛ این هم یکی از سرفصل‌های مهم است من سال گذشته در همین جلسه به مستمعین آن سال عرض کردم استقلال یعنی آزادی در مقیاس یک ملت این معنای استقلال است.
- ۲۱- یکی از مهم‌ترین بخش‌های تشکیل‌دهنده هویت انقلاب، استقلال و هویت ملت ایران بود، چیزی که در طول دوران ۵۰ ساله حکومت پهلوی و در حدود پنجاه سال قبل از آن در حکومت قاجار، بکل لگدمال شده بود.
- ۲۲- یک نقطه‌ی دیگر از نقاط روشن خط امام جهانی بودن نهضت است. امام نهضت را جهانی میدانست و این انقلاب را متعلق به همه‌ی ملت‌های مسلمان بلکه غیر مسلمان معرفی می‌کرد.
- ۲۳- یک شاخص دیگر در برنامه‌ی امام و خط امام و راه مستقیم امام، مسئله‌ی جاذبه و دافعه‌ی امام بود. انسانهای بزرگ جاذبه و دافعه‌شان هم میدان وسیع و گسترده‌ای دارد.
- ۲۴- شاخص مهم دیگر مکتب سیاسی امام بزرگوار ما، پاسداری از ارزش‌هاست که مظهر آن را امام بزرگوار در تبیین مسئله‌ی ولایت فقیه روشن کردند از اول انقلاب اسلامی و پیروزی انقلاب و تشکیل نظام اسلامی بسیاری سعی کرده‌اند مسئله‌ی ولایت فقیه را نادرست بد و برخلاف واقع معرفی کنند.

- ۲۵\_ جمهوری اسلامی به معنای حقیقی یعنی همان جمهوری اسلامی که امام رضوان الله تعالی علیه برای ما پایه گذاری کرد و به کشور ما هدیه داد میتواند همین خصوصیات را تأمین کند.
- ۲۶\_ یکی از بزرگترین افتخارات انقلاب ما مردمی بودن و مردمی ماندن است. این نعمت بزرگی است که باید آن را پاس داشت و قدر دانست.
- ۲۷\_ ملتها بر اثر انقطاع از دین و از معنویت و از خدا، پوک میشوند؛ هويت خودشان را از دست میدهند؛ دچار سرگردانی و حیرت میشوند ملتها بر اثر دوری از احکام خدا به ذلت می افتند؛ همچنان که امت اسلامی در طول قرنها دچار ذلت بود.
- ۲۸\_ غفلت از دشمن: همه ی سیاست های ما همه ی رفتارهای ما باید با توجه به وجود یک جبهه ی دشمن وسیع باشد؛ باید همه ی توجه ما به این باشد.
- ۲۹\_ یکی از چالش ها این است که کسی تصور کند که ما اگر از مبانی اعتقادی خود مبانی اعتقادی نظام جمهوری اسلامی دست برداریم راه ها باز خواهد شد و دروازه های بسته گشوده خواهد شد که این خطای بسیار بزرگ و اساسی است.
- ۳۰\_ دشمن خارجی یعنی کسی که از بیرون مرزها با انواع سلاح ها، موجودیت یک نظام را با فکرش و دستگاه زیربنایی عقیدتی اش و قوانینش و همه چیزش هدف قرار میدهد که شما در مورد جمهوری اسلامی این را به چشم دیدید و گفتند که ما میخواهیم نظام جمهوری اسلامی را از بین ببریم دشمنانی بودند از بیرون و تصمیم گرفتند که این نظام را از بین ببرند.
- ۳۱\_ هدف هایی که آنها دنبال میکردند در درجه ی اول سقوط انقلاب و سقوط نظام جمهوری اسلامی بود. هدف اول براندازی بود. هدف بعدی این بود که اگر براندازی نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند انقلاب را استحاله کنند
- ۳۲\_ یکی از راه های ورود و نفوذ - که حالا در مورد نفوذ هم یک کلمه ای عرض خواهیم کرد؛ ما همین طور مدام درباره ی نفوذ دشمن تکرار میکنیم تأکید میکنیم ایجاد خلل در باورها است.
- ۳۳\_ یکی از توطئه های دشمن در چند سال اخیر این بوده است که بتواند آدمهای نامعتقد به آرمان اسلامی را در صفوف مسئولان بالای کشور نفوذ دهد؛ برای اینکه انسجام مدیران ارشد کشور به هم بخورد. این خطر بزرگی است.
- ۳۴\_ یکی از کارهای آمریکایی ها در این سالهای آخر این است که کسانی را وادار کنند به بزرگ کردن چهره ی آمریکا به اینکه این جور وانمود بکنند که آمریکایی ها اگر هم یک روزی دشمن بودند امروز دیگر دشمنی نمیکنند؛ هدف این است.
- ۳۵\_ استکبار میدانند که امروز در بسیاری از کشورهای اسلامی دلهای مردم با جمهوری اسلامی است؛ میدانند که عمق سیاسی و استراتژیک نظام جمهوری اسلامی در داخل کشورهای اسلامی است.
- ۳۶\_ یکی از مسائلی که اینها بشدت دنبال آن هستند، سلب اعتماد مردم از کارایی نظام است بعضی از حرف هایی که میشوند انتفاقی نیست.
- ۳۷\_ وقتی میگوییم طرح آمریکایی معنایش این نیست که ما عوامل داخلی فروپاشی شوروی را ندیده میگیریم؛ نخیر عوامل فروپاشی در درون نظام شوروی وجود داشت و از آن عوامل دشمنشان بهترین استفاده را کرد.
- ۳۸\_ منافع مادی آنها را چپاول میکند؛ هويت فرهنگی و زبان آنها را هم میگیرد. این وضع تسلط یک قدرت بر یک کشور است.
- ۳۹\_ حضور بسیج به معنای حضور مردم است؛ وقتی بسیج یکجا حاضر است، معنایش این است که ملت ایران حاضر است.
- ۴۰\_ فلسفه ی وجودی شورای عالی انقلاب فرهنگی، فهم و تبیین و تثبیت و انفاذ ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی و بازآرایی مداوم جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و پایش پیشرفتهای فرهنگی کشور متناسب با ظرفیتهای و شایستگی های عظیم ایران اسلامی و انقلابی است.